

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی

۱

کشور پادشاهی بلژیک^۱ واقع در شمال غربی اروپا، از طرف شمال با کشور هلند، از سمت شمال غربی با دریای شمال، از شرق با کشور آلمان از جنوب شرقی با کشور لوکزامبورگ و از سمت جنوب و جنوب غربی نیز با کشور فرانسه هم مرز می‌باشد. طول خطوط مرزی بلژیک ۱۳۷۹ کیلومتر و خط ساحلی هم مرز با دریای شمال نیز ۶۴ کیلومتر می‌باشد. طولانی‌ترین مرز خاکی بلژیک با فرانسه به طول ۶۲۵ کیلومتر می‌باشد. پس از فرانسه، هلند با ۴۴۹ کیلومتر، آلمان با ۱۶۲ کیلومتر سایر مرزهای خاکی بلژیک را تشکیل می‌دهند. کشور بلژیک با ۳۰۵۱۹ کیلومتر مربع وسعت^۲ یکصد و بیست و دومین کشور وسیع جهان و یکی از کوچکترین کشورهای اروپایی (یک پنجم هزارم قاره اروپا) محسوب می‌گردد. وسعت خشکیهای بلژیک ۳۰۲۳۰ کیلومتر مربع می‌باشد. این کشور از نظر استاندارد بین‌المللی زمان و در مقایسه با مبداء گرینویچ در موقعیت GMT+۱ قرار گرفته است.

بطور کلی دوسوم کشور بلژیک را دشتهای و فلاتهای پست و یک سوم دیگر را فلاتهای

متنوع‌تر که بلندتر است بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند تشکیل می‌دهد. از نقطه

منطقه فلاندرز^۱: سرزمین پستی که بین سواحل دریای شمال تا مرزهای فرانسه و سواحل رودخانه شلد^۲ محصور می‌باشد. تقریباً نیمی از بخش ساحلی این منطقه را مراتع دائمی تشکیل می‌دهند و مابقی نیز به صورت برآمدگیها و یا تپه‌های شنی و نیززمینهای مرطوب است که در آنجا کشاورزی جریان دارد. در این منطقه سه رودخانه لی^۳، شلد و دندر^۴ جریان دارند. مرتفع‌ترین نقطه در این منطقه کوه کامل^۵ با ارتفاع ۱۶۲ متر می‌باشد. در این ناحیه کشاورزی به صورت فشرده صورت می‌گیرد و صنایع نساجی از قرون وسطی در این سرزمین متداول بوده است.

فلاتهای مرکزی: این منطقه امتداد منطقه فلاندرز به سمت جنوب و شرق بوده ارتفاع متوسط آن ۲۱۰ متر می‌باشد. جنس خاک این ناحیه شنی و رسی می‌باشد. بروکسل پایتخت بلژیک نیز در این منطقه قرار دارد. تراکم جمعیت در این منطقه بسیار بالاست و مردم بیشتر به کشاورزی و دامپروری اشتغال دارند.

دره سامبر - موز^۶: دره‌های رودخانه موز و شعبات غربی آن یعنی سامبر، این منطقه را بوجود می‌آورند. این منطقه حدوداً یک چهارم جمعیت بلژیک را در خود جای داده و به علت وجود معادن ذغال سنگ بخش عمده‌ای از صنایع سنگین بلژیک نیز در این منطقه استقرار یافته است.

فلات آردن^۷: ارتفاع متوسط این منطقه از سطح دریا معادل ۳۰۰ متر است. مرتفع‌ترین کوههای بلژیک به نامهای «سیگنال دو برترائز^۸» به ارتفاع ۶۹۴ متر و «بارک میشل^۹» به ارتفاع ۶۷۴ متر در شمال شرقی این سرزمین قرار گرفته‌اند. مناطق جنگلی عمدتاً درختان صنوبر و کاج اسکاتلندی نیمی از این منطقه را پوشانده خاک این منطقه برای کشاورزی مناسب نیست. تنها

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی / ۳

بخش کوچکی از این منطقه که به صورت مرتع می‌باشد برای دامپروری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

لرن بلژیک^۱: جریان رودخانه‌های بلژیک از غرب به سوی رود میوز باعث حاصل خیزی زمینهای این منطقه شده است. در جنوب این منطقه، رگه باریکی از معدن سنگ آهن لرن قرار دارد که بخشی از مواد مورد نیاز کوره‌های ذوب آهن و کارخانجات تولید کننده فولاد را تامین می‌کند. ارتفاع متوسط این منطقه ۳۹۰ متر از سطح دریاست.

فلات کمپنلند^۲: این منطقه بین سرچشمه‌های دو رودخانه موز و شلد یعنی عمده‌ترین رودخانه‌های کشور قرار گرفته است. این منطقه بخاطر معادن جدید ذغال سنگ خود یکی از مناطق صنعتی مهم بلژیک بشمار می‌رود. در این ناحیه کارخانجات بزرگ بسیاری به علت برخورداری از مزیت زمین ارزان ساخته شده است. بلژیک سرزمینی کم ارتفاع بوده که جلگه‌ها بیش از نیمی از آن را می‌پوشانند. فلات آردن در جنوب بلژیک ناحیه نسبتاً مرتفع کشور می‌باشد. بیش از نیمی از مساحت بلژیک کمتر از ۱۰۰ متر ارتفاع دارد. ارتفاع فلات بلژیک از شرق به غرب کاهش می‌یابد و ارتفاع مناطق شرقی از سایر مناطق کشور بیشتر است. جنگلهای بلژیک مناطق وسیعی از کشور را پوشانده و بیشتر در ناحیه جنوبی کشور متمرکز می‌باشند. پوشش گیاهی جنگلهای بلژیک اغلب از درختانی است که برگ آنها در زمستان می‌ریزد. بلوط عمده‌ترین درخت جنگلی و انواع غان، راش و نارون نیز پوشش گیاهی این کشور را تشکیل می‌دهند. نزدیک به یک قرن است که برای تعدیل چهره جنگلی بلژیک کشت درختان برگ سوزنی به صورت گسترده‌ای صورت می‌گیرد. جنگلهای عمده بلژیک در مناطق کمپنلند و آردن متمرکز می‌باشند.

راههای آبی داخلی هلند، آلمان و فرانسه پیوسته است. کشتیرانی نقش عمده‌ای در این کشور کوچک اروپایی دارد. در محور رودخانه سامبر - موز در منطقه نامور تعداد زیادی کشتی کوچک در حرکت بوده و کالاهای وارداتی و صادراتی را حمل می‌کنند. ظرفیت این کشتیها حداکثر ۱۳۵۰ تن می‌باشد. در بلژیک به جهت کثرت رودخانه‌های قابل کشتیرانی بخش مهمی از حمل و نقل از این طریق انجام می‌شود. رودخانه‌های معروف بلژیک علاوه بر رودخانه موز به طول ۹۴۹ کیلومتر و رودخانه اسکو به طول ۴۳۵ کیلومتر عبارتند از:

در منطقه مرکزی: موز - سامبر (این رودخانه‌ها به بندر آنتورپ متصل می‌باشند)

در منطقه جنوبی: آمبلوا^۱ - دورت^۲ - لس^۳ - وزدر^۴

در منطقه غربی: اسکو^۵ - لیس^۶ - ایزر^۷

دولت بلژیک در منطقه دریای شمال، دریای ساحلی خود را ۱۲ مایل اعلام داشته فلات قاره این کشور در دریای شمال هنوز بطور رسمی تعیین نشده است. منطقه اقتصادی انحصاری (حوزه انحصاری ماهیگیری) بلژیک در دریای شمال تا ۶۷ کیلومتری خط ساحلی این کشور و معادل خطی متساوی‌الفاصله با خطوط ساحلی کشورهای همسایه ترسیم شده است.

آب و هوا

بلژیک دارای آب و هوای معتدل و مرطوب است که عمدتاً تحت تاثیر آب و هوای دریای شمال قرار گرفته و اغلب در حدود ۱۵۲ روز در سال بارانی است. بطور متوسط ۲۶ روز در سال نیز در بلژیک برف می‌بارد. بلژیک زمستانهای ملایم و مه آلود و تابستانهایی خنک دارد. متوسط درجه حرارت سالانه در این کشور ۱۱+ درجه سانتیگراد و نوسان درجه حرارت در سردترین و گرمترین ایام سال بین صفر و ۲۳ درجه سانتیگراد می‌باشد. درجه حرارت مناطق

مختلف بلژیک به مسافت آن مناطق از سواحل دریای شمال بستگی دارد یعنی هرچه منطقه‌ای از دریای شمال دورتر باشد، متوسط دمای آن منطقه نیز افزایش خواهد یافت. میزان متوسط بارندگی سالانه مناطق مختلف بلژیک بین ۷۵۰ الی ۱۰۰۰ میلیمتر می‌باشد.

شهرهای مهم

بروکسل^۱ پایتخت بلژیک و مرکز استان برابانت^۲ با جمعیتی معادل ۹۵۰۳۳۹ نفر پرجمعیت‌ترین شهر کشور محسوب می‌شود^۳ و حدود ۹/۴٪ از کل جمعیت را در خود جای داده است. پس از بروکسل شهر آنتورپ^۴ (آنورس) با ۴۶۵ هزار نفر جمعیت مرکز استان آنتورپ می‌باشد. پس از این دو شهر عمده‌ترین شهرهای بلژیک بقرار زیر می‌باشند:

- شهر گنت^۵ (گان) مرکز استان فلاندر شرقی^۶ با ۲۲۹ هزار نفر جمعیت

- شهر شارلروا^۷ در استان هنو^۸ با ۲۰۷ هزار نفر جمعیت

- شهر لیژ^۹ مرکز استان لیژ با ۱۹۶ هزار نفر جمعیت

- شهر بروژ^{۱۰} مرکز استان فلاندر غربی با ۱۱۶ هزار نفر جمعیت

- شهر نامور^{۱۱} مرکز استان نامور با ۱۰۴ هزار نفر جمعیت

- شهر مونس^{۱۲} مرکز استان هنو با ۹۲ هزار نفر جمعیت

- شهر کورتراي^{۱۳} در استان فلاندر غربی با ۷۶ هزار نفر جمعیت

- شهر میشلین^{۱۴} در استان آنتورپ با ۷۵ هزار نفر جمعیت

1. Bruxelles (به فرانسه) Brusseles

2. Brabant

۳. آمار و ارقام به ۱ ژانویه ۱۹۹۳ متعلق است.

4. Antwerp

5. Chent

- بندر اوستند^۱ در استان فلاندر غربی با ۶۹ هزار نفر جمعیت
- شهر هاسلت^۲ (اسل) مرکز استان لمبورگ با ۶۷ هزار نفر جمعیت
قابل ذکر است که دو شهر آنتورپ و لیژ در واقع پایتخت تاریخی و غیر رسمی دو ناحیه
فلاندر و والونیا بشمار می‌روند.

طبق آمار منتشره موسسه ملی آمار بلژیک، جمعیت این کشور در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ معادل ۱۰۰۶۸۳۱۹ نفر بوده این رقم در سال ۱۹۹۱ معادل ۹۹۷۸۶۸۱ نفر بوده که شامل ۴۸۷۵۹۸۲ نفر مرد و ۵۰۲۶۹۹ نفر زن بوده است.

ترکیب سنی جمعیت مذکور در سال ۱۹۹۰ به ترتیب زیر بوده است:

- گروه سنی صفر تا ۱۴ سال معادل ۱۹/۳ درصد

- گروه سنی ۱۵ تا ۵۹ سال معادل ۶۱/۵ درصد

گروه سنی بعلاوه ۶۰ سال معادل ۱۹/۲ درصد

در مقایسه با ۵ میلیارد نفر جمعیت جهان، بلژیک در واقع یک پانصدم این جمعیت را در خود جای داده است. علیرغم این تعداد کم جمعیت، بلژیک بعد از هلند دارای بیشترین رقم تراکم جمعیت در بین کشورهای اروپایی است و از این لحاظ یکی از متراکم‌ترین جمعیت‌های جهان را دارد. تراکم جمعیت بلژیک در ۳۱ دسامبر ۹۲ معادل ۳۲۹/۸ نفر در کیلومتر مربع بوده است. نرخ رشد جمعیت در بلژیک در همین سال ۰/۳ درصد نرخ موالید ۱۲ در هزار، نرخ مرگ و میر نیز ۱۲ در هزار، نرخ مرگ و میر نوزادان ۸ در هزار، امید به زندگی در مردها ۷۳ سال و در زنان ۸۰ سال می‌باشد. نرخ باروری زنان در این کشور یک به ۶ می‌باشد. در این کشور برای هر ۱۰۹ نفر یک تخت بیمارستانی و برای هر ۳۳۱ نفر یک پزشک خدمات درمانی ارائه می‌دهند.

مهاجرین و پناهندگان در بلژیک

مهاجرین و اتباع خارجی با حدود نهمصد هزار نفر از جمعیت ۹٪ از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. ایتالیاییها با ۳٪ مهمترین جمعیت مهاجرین را در بلژیک تشکیل می‌دهند. پس از ایتالیاییها مهاجرین مراکشی، فرانسوی، هلندی و اتباع ترکیه هرکدام با یک درصد از کل جمعیت بلژیک مهمترین جوامع مهاجرین را تشکیل می‌دهند. بنابه ادعای مجله ۹ لویف اکسپرس مورخ ۱۷ فوریه ۹۴ در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۷۰۰ مهاجر ایرانی نیز در بلژیک اقامت داشته‌اند. براساس آمار موجود توزیع جمعیت مهاجرین در مناطق سه گانه بلژیک بصورت تقریبی به شرح زیر است:

منطقه فلامان ۲۳۵ هزار نفر

منطقه والونی ۴۰۷ هزار نفر

منطقه بروکسل ۲۴۴ هزار نفر

بلژیکیهای مهاجر نیز عمدتاً در کشورهایی چون امریکا، استرالیا و کانادا متمرکز شده‌اند. از سال ۱۸۲۰ الی ۱۹۸۸ تقریباً ۲۰۹۰۲۴ بلژیکی به امریکا مهاجرت کرده‌اند. تنها در سال ۱۹۸۸ معادل ۷۰۶ بلژیکی به امریکا مهاجرت نموده‌اند. در همین سال ۱۳۹۰۰ امریکایی نیز در بلژیک اقامت داشته‌اند. تعداد توریستهای خارجی که در سال ۱۹۹۲ از بلژیک دیدار نموده‌اند بالغ بر ۱۲ میلیون و ۸۷۹۹۸۲ نفر می‌شود. تعداد جهانگردان در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۱۲۱۷۰۱۲۴ و در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۱۲۸۸۶۲۴۹ نفر بوده است. تعداد پناهندگان خارجی به بلژیک نیز در اوائل ژانویه ۱۹۹۴ به ۲۴۹۰۸ نفر رسید. بدین ترتیب می‌توان گفت در سال ۹۴ به ازای هر ۴۰۰ نفر اتباع بلژیک یک نفر پناهنده در این کشور وجود داشته است (۰/۲۵ درصد از جمعیت بلژیک). این رقم در مقایسه با کشورهایایی مثل دانمارک با یک پناهنده در مقابل ۸۹ نفر، آلمان با یک پناهنده در مقابل ۹۷ نفر و لوکزامبورگ با یک پناهنده در مقابل ۱۸۳ نفر بسیار ناچیز تلقی می‌شود. بطور کلی تعداد متقاضیان پناهندگی از بلژیک طی سالهای اخیر در حال کاهش بوده است. و در حالی که تعداد متقاضیان پناهندگی از بلژیک در سال ۹۲ حدود ۱۷۷۵۴ نفر بوده این

رقم در سال ۹۴ تا ۱۰۰۰ الی ۱۴۰۰ تقاضای پناهندگی در ماه کاهش یافت. لازم به تذکر است کمبودها و نارساییها در زمینه تعداد پرسنل و ملزومات مورد نیاز دولت در رابطه با پناهندگان، منجر به افزایش تعداد پرونده‌های معوقه متقاضیان پناهندگی در بلژیک شده است. تصویب «قانون گل» در سال ۱۹۸۲ نقطه عطفی در رابطه با سیاستهای دولت بلژیک در زمینه پذیرش پناهندگان خارجی محسوب می‌گردد. براساس قانون مذکور که به دلیل ارائه لایحه آن از سوی ژان گل وزیر دادگستری سابق و رئیس حزب لیبرال فرانسه زبان بنام وی شهرت یافته ژاندارمری بلژیک در مرزهای زمینی هوایی و دریایی کشور به تقاضاهای پناهندگی رسیدگی می‌کند. در صورت منفی بودن نظر ژاندارمری فرد متقاضی به اولین کشوری که وی از آنجا به بلژیک عزیمت نموده بازگردانده می‌شود. اما در صورت پذیرش تقاضای فرد مذکور بطور موقت اجازه ورود و اقامت در بلژیک را دریافت خواهد نمود. سپس پرونده فرد مذکور به اداره اتباع خارجی وزارت دادگستری فرستاده خواهد شد. این اداره پس از بررسی تقاضا آن را به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل ارجاع می‌دهد. کمیساریا مسئول مطالعه و تطبیق وضعیت شخص متقاضی با مقررات بین‌المللی مربوط به اخذ پناهندگی می‌باشد که در صورت تایید متعاقباً به متقاضی مذکور پناهندگی داده می‌شود.

در راستای سیاستهای محدود کننده دولت بلژیک این کشور برای جلوگیری از ورود افراد متقاضی پناهندگی به خاک بلژیک اخیراً مجازاتهای مالی نسبتاً سنگینی برای شرکتهای هواپیمایی که افراد را بدون ویزا به مقصد بلژیک سوار می‌کنند پیش‌بینی نموده است.

در بلژیک علاوه بر ژاندارمری، اداره اتباع خارجی وزارت دادگستری و کمیساریای عالی پناهندگان شهرداریها، مراکز دولتی کمکهای اجتماعی موسوم به (CPAS) صلیب سرخ و مؤسسات خیریه وابسته به کلیساها نیز در امور پناهندگان دخالت دارند. بیشترین تقاضای پناهندگی در سالهای ۹۳ مربوط به اتباع یوگسلاوی سابق، ژئیر نیجریه، رومانی، هند و پاکستان بوده است.

سابقه تاریخی تشکیل جمعیت

بلژیک یکی از جدیدترین کشورهای اروپایی محسوب می‌شود که در سال ۱۸۳۰ رسماً تاسیس یافت. تاریخ این کشور مملو از درگیریهای جمعیت‌های اصلی کشور یعنی فلامانها و والونها بوده است. فلامانها که به زبان هلندی تکلم می‌کنند در منطقه‌ای موسوم به فلاندر در شمال بلژیک زندگی می‌کنند. نژاد آنها توتنی^۱ یعنی از نژاد قدیم آلمانی می‌باشد. ولی تاریخ آنها به صورت اجتناب ناپذیری به همسایگان جنوبی آنها یعنی والونهای فرانسه زبان که مانند ولزیها و ایرلندیها از نژاد سلت می‌باشند، گره خورده است و در واقع پیدایش اولین مرزبندی میان اروپای شمال غربی آلمانی زبان و همچنین اروپای شمال غربی گالیک^۲ (فرانسه زبان) در قرن پنجم میلادی بوده و در قرن دهم کشور بلژیک امروز جزئی از پادشاهی «لوتارینگا»^۳ بود. بخشی از این پادشاهی که به فلاندر شهرت داشت در قرن ۱۱ از منطقه فلاندر بلژیک، هلند و شمال غربی فرانسه تشکیل می‌یافت. در قرن ۱۵ متعاقب اتحاد فلاندرها با حکومت «بورگوندی»^۴ که در جنوب شرقی فرانسه حکومت می‌کردند کشور جدیدی پا به عرصه وجود گذارد و در این مقطع تجارت و فرهنگ فلامانها شکوفا شد. در این دوره بندر آنتورپ به صورت یکی از مراکز اصلی تجارت شیشه و الماس جهان درآمد. در همین مقطع مکتب نقاشان فلامان با ظهور افرادی چون ژان وان ایک^۵ و روبنز^۶ مطرح می‌شوند. متعاقب ریاست فیلیپ دوم که یک فرد متولد اسپانیا بوده و بدلیل شناخت ناچیز وی از مردم تحت حاکمیت خود، بورگوندیها رفته رفته روبه انحطاط گذاشتند. بدنبال شکل‌گیری جمعیت هلندیهای معترض در سال ۱۵۸۰ اوضاع آشفته کشور تا ۱۶۴۸ و به رسمیت شناخته شدن جمهوری مستقل هلند ادامه یافت. لکن فلاندرها و برابانتها همچنان تحت تسلط اسپانیاییها باقی ماندند.

در نیمه دوم قرن هفدهم منطقه‌ای که بعدها بعنوان فلاندر فراسنه معروف گشت و شامل

1. Teutonic

2. Gallic

3. Lotharinga

4. Burgundy

5. Jan Vaneyck

6. Rubens

دانکرک^۱، دوآی^۲ و لیل^۳ می‌شد، توسط لوئی چهاردهم به تصرف درآمد. بدین ترتیب مردم فلاندر و برابانت با وجود تکلم به زبان هلندی از کشور هلند جدا شدند. در قرن نوزدهم در حالی که در هلند در زمینه تنظیم اسلوبهای سیستماتیک و گرامری زبان هلندی کار زیادی انجام گرفت لذا رفته رفته تفاوت میان زبان هلندی و فلامان زیادتر شده بطوری که زبان فلامانها به لهجه‌ای متفاوت تبدیل گردید. این تغییرها در زمینه تجارت نیز مشکلاتی را برای فلامانها و اهالی بندرآنتورپ ایجاد کرد چرا که هلندیها مالیات سنگینی بر صادرات تجاری آنها وضع کردند. در سال ۱۷۱۳ استانهای تحت سلطه اسپانیا به تسلط اتریشها درآمد و به عنوان هلند اتریش شهرت یافت. در این دوره زبان فرانسوی به عنوان زبان روشنفکران رواج پیدا کرده و در سال ۱۷۹۴ که این منطقه به تسلط فرانسه درآمد کاربرد زبان فرانسوی به صورت روزافزونی بین مردم متداول شده بود. در سال ۱۸۱۵ فلاندرها با هلند متحد می‌شوند لکن اختلاف لهجه، فرهنگ و احساسات تاریخی منجر به اعتراض بلژیکیها شد. در سال ۱۸۳۰ با مداخله قدرتهای اروپایی وقت، کشور بلژیک شناسایی شد. قانون اساسی ۱۸۳۱ آزادی مذهب بیان و اجتماعات را تعیین نمود. اما قانون اساسی در تأمین وحدت ملی بلژیکیها توفیقی نداشت. با وجود اینکه در قانون اساسی هیچ تعهد و الزامی در کاربرد زبان فرانسه پیش‌بینی نشده بود. لکن عملاً زبان فرانسه به صورت رایج در حقوق، سیاست دولت و حتی ارتش درآمد. امروزه بخش مهمی از مقامات عالی‌رتبه بخش خصوصی بلژیک را والونها که به زبان فرانسه تکلم می‌کنند تشکیل می‌دهند. زبان فرانسه در حیات روزمره کشور جاری است و علی‌رغم پیش‌بینی قانون اساسی زبان هلندی در دبستانها رواج ندارد. چرا که علی‌رغم اکراه فلاندرها از تکلم به زبان فرانسوی لکن آنها قادر نیستند از میان ۴ الی ۵ لهجه متداول بین خود یکی را انتخاب کنند. در ۱۸۹۶ تصمیم گرفته شد زبان هلندی بعنوان زبان رایج فلاندرها بکار گرفته شود و لهجه فلامان با زبان هلندی تطبیق داده شود. اما علی‌رغم تحول مذکور در دهه ۱۹۳۰ حدود ۷۵٪ افسران ارتش و بیش از ۸۰٪

1. Dunkirk

2. Douai

3. Lille

دیپلماتهای بلژیکی فرانسه زبان بودند. در جنگ دوم جهانی آلمانهای اشغالگر ضمن استثمار ناسیونالیسم فلامان در بروکسل تحت اشغال خود دانشگاههایی به زبان هلندی تأسیس نمودند. تاکتیک آنها موثر واقع شد و پس از خاتمه جنگ تعداد زیادی از بلژیکیها بدلیل مساعدت با چنین طرحی محاکمه شدند. در مورد جمعیت فرانسه زبانهای بلژیک و یا والونها^۱ این عبارت اولین بار بوسیله قبایل بدوی ژرمن در اروپای مرکزی و در مورد مردم نژاد سلت^۲ بکار گرفته شد. این واژه در اواسط قرن نوزدهم و هنگامی که مردم فرانسه زبان جنوب بلژیک از جانب ناسیونالیسم فلامانها احساس خطر نمودند برای اولین بار به صورتی ویژه به کار گرفته شد. اولین تشکلات جمعیت والونها نیز مثل اتحادیه والون در منطقه فلاندر تشکیل شد. تاکید این جمعیت بر حاکمیت زبان فرانسه در بلژیک بوده لکن به کارگیری هردو زبان اصلی کشور را نیز می پذیرفتند. در آغاز قرن بیستم ناسیونالیسم والون با سوسیالیسم ترکیب شده و این وضعیت در طول بحران اقتصادی دهه ۵۰ و ۶۰ نیز تکرار شد. والونها سپس به دو گروه تقسیم شدند یک گروه خواهان اتحاد با فرانسه و یک گروه مدافع سیستم فدرال بودند. والونیا که یکی از اولین مناطق صنعتی اروپا بود پس از جنگ بدلیل بن بست صنعت فولاد و ذغال سنگ متحمل لطمات شدیدی شد. لذا متعاقب تصمیم دولت سوئد مبنی بر ساخت یک کارخانه عظیم ذوب آهن در منطقه فلاندر، اعتراضات گسترده جنبش مردمی والونها آغاز شد. در سالهای ۱۹۵۶ الی ۱۹۷۶، قریب ۶۶ درصد از سرمایه گذارهای خارجی در بخش فلاندرها و ۲۷ درصد در منطقه والون و ۷ درصد در بروکسل انجام شده و در سال ۱۹۷۴ سهم منطقه فلاندر در تامین درآمد ملی بیش از منطقه والون بوده است.

علی رغم این که جمعیت فلامانها در دهه ۶۰ روبه افزایش بود لکن آنها نسبت به رواج زبانه فرانسه در بروکسل که رفته رفته بصورت مرکز اقامت مقامات جامعه اروپایی درمی آمد اعتراض داشتند. لذا در اثر فشار روز افزون فلامانها در ۳-۱۹۶۲ قانون زبان رایج به تصویب رسید. طبق این قانون مرز میان مناطق والون و فلاندر مشخص گردید. شهر بروکسل نیز به ۱۹

1. Walloon or Wallonia

2. Celtic

منطقه تقسیم شده و ضمن پیش‌بینی تدابیر بازدارنده برای گسترش شهر، اکثریت شهر به صورت حوزه نفوذ زبان فرانسه تعیین شد. بدین ترتیب بلژیک از لحاظ زبانهای رایج به ۴ منطقه هلندی زبان، فرانسه زبان، آلمانی زبان و نهایتاً منطقه دوزبانی بروکسل تقسیم می‌شد. (موضوع ماده ۳ قانون مذکور) طبق ماده ۱۰۷ همین قانون نیز بلژیک به سه منطقه جغرافیایی والون، فلاندر و بروکسل تقسیم شد.

در بلژیک علاوه بر دو جمعیت فلامان و والون یک اقلیت آلمانی زبان نیز در مجاورت مرزهای این کشور با آلمان و لوکزامبورگ زندگی می‌کنند. بخشی از این منطقه از اوایل قرن نوزدهم و بخش دیگری از آن پس از جنگ اول جهانی در ۱۹۲۰ به بلژیک ملحق شده است. در جمعیت مذکور که حدود یک درصد از کل جمعیت بلژیک را تشکیل می‌دهند لهجه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود.

تجزیه طلبی در بلژیک و قرارداد سن موریس

طبق قانون زبان رایج مصوب ۳-۱۹۶۲ و همچنین اصلاحیه قانون اساسی در ۱۹۷۰ کشور پادشاهی بلژیک به صورت زیر تقسیم شده و اوضاع پیچیده‌ای در کشور بوجود آمد. بدین ترتیب بلژیک به ۴ منطقه تقسیم شد.

- منطقه فرانسه زبان و والون با وسعت ۱۶۸۴۴ کیلومتر مربع و با فرهنگ فرانسه در جنوب کشور، جمعیت فرانسه زبانها ۳۳٪ از کل جمعیت کشور می‌باشد.

- منطقه فلامان زبانهای فلاندر با وسعت ۱۳۵۱۱ کیلومتر مربع و با فرهنگ هلندی در شمال کشور، فلامان زبانها ۵۶٪ از کل جمعیت کشور می‌باشد.

- منطقه آلمانی زبان با وسعت ۸۵۳/۶ کیلومتر مربع با فرهنگ آلمانی در رمنتهی الیه شرق کشور که جزیی از منطقه والون محسوب می‌گردد و یک درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دهد. آلمان زبانها خود را در کشمکش‌های موجود بین مردم دو منطقه دیگر وارد نمی‌کنند.

- منطقه بروکسل با وسعت ۱۶۲ کیلومتر مربع و ترکیبی از زبان و فرهنگ هر دو منطقه نخست و ۱۱٪ از کل جمعیت کشور.

مبارزات بین فرانسه زبانان و فلامان زبانها تاکنون منجر به تظاهرات و اغتشاشات مهمی در کشور شده برخی از مشکلات ناشی از جوامع متمایز به قرار زیر است:

- در هیئت دولت و کابینه وزرای هر دو جامعه به زبانهای جوامع خود تکلم نموده و مترجمان گفته‌های آنان را ترجمه می‌کنند.

- در بلژیک پروژه‌های مهم ملی که مستلزم همکاری جوامع اصلی کشور می‌باشند مثل اجرای پروژه خط آهن سریع السیر سراسری اروپا بدلیل کارشکنی‌های جوامع همواره به تاخیر می‌افتد.

- فلامان زبانها که خود را پسرعموی مردم هلند و آلمان می‌دانند معتقدند هموطنان فرانسه زبان آنها مردمی تنبل، بوالهوس و پرمدها هستند.

- فرانسه زبانان بلژیک نیز خود را اشخاصی متفکر و متعلق به تمام دنیا می‌دانند آنها پاریس را منزل روحانی خود می‌پندارند و فلامانها را افرادی پست و زحمتکش معرفی می‌کنند.

در قرن اخیر والونها کشور را اداره می‌کردند و معادن ذغال سنگ و صنایع فولاد جزو افتخارات اقتصادی آنها بود. فلامانها در آن دوران وضعیت خوبی نداشتند. اما پس از جنگ دوم جهانی اوضاع تغییر کرد و صنایع والونها ازکار افتاد. در این دوره کشاورزی غنی فلامانها که از سوی جامعه اقتصادی اروپا نیز حمایت می‌شد به سرعت شکوفا شد. بندر مهم آنتورپ به سرعت توسعه یافت و تجارت الماس در آنتورپ و تعدادی از صنایع پیشرفته و بخش خدمات به مرور زمان منطقه فلاندر را به صورت یکی از ثروتمندترین مناطق اروپا درآورد. اینک فلامانها مدعی هستند سرمایه‌گذاری آنها در زمینه امور اجتماعی و امنیتی بخش والونیا توجیه اقتصادی لازم را ندارد. برخی از گروههای رادیکال ملی‌گرای فلامان می‌گویند ظرف هر ۴ سال هریک خانواده فلامان یک اتومبیل برای یک خانواده والون خریداری می‌کند طبق گزارشهای موجود جمعیت فلامان زبان بلژیک با درآمد سرانه ۲۰۹۰۸ دلار در مقابل جمعیت فرانسوی

زبان کشور با درآمد ۱۵۱۸۴ دلار قرار می‌گیرد. در منطقه بروکسل نیز درآمد سرانه در بالاترین سطح یعنی ۲۹۰۱۶ دلار قرار دارد.

اوج مسئله ناسازگاری فلامان زبانها و فرانسه زبانها در سال ۹۱ هنگام بروز بحران برسر نحوه انتخاب نخست وزیر و تشکیل کابینه ائتلافی از سوی احزاب عمده هر دو جامعه مشاهده شد. رشد انگیزه جدایی طلبی میان جوامع مختلف بلژیک علی رغم توافق نهایی احزاب بر سر نخست وزیری ژانو لوک دوهان و حل موقت بحران سال ۹۱ در کابینه، در ۲۹ سپتامبر ۹۲ منجر به امضای توافقنامه سن موریس میان ۴ حزب ائتلافی دولت (دو حزب سوسیال مسیحی فرانسه و فلامان زبان و دو حزب سوسیالیست فرانسه و فلامان زبان) گردیده به مرور زمان سایر احزاب جوامع فرانسه و فلامان زبان نیز باین توافقات همراه شدند. براساس توافق مذکور اصلاح ۳۳ ماده از قانون اساسی در جهت فدرالیزه کردن امور پیش‌بینی می‌شد که سرانجام پارلمان بلژیک در ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۳ توافقات سن میشل را با ۱۴۳ رأی موافق در برابر ۶۱ رأی مخالف تصویب نمود و بدین ترتیب بلژیک رسماً به صورت یک کشور فدرال درآمد. وضعیت خاص بروکسل و اهمیت این شهر در صحنه اروپای متحد همواره به عنوان یکی از عوامل بازدارنده در رشد جدایی طلبی دو جامعه اصلی بلژیک تلقی شده است. علی رغم اینکه ۸۰٪ جمعیت بروکسل فرانسه زبان هستند لکن فلامانها هم مدعی هستند بروکسل پایتخت بخش فلامان زبان بلژیک است. تجزیه بروکسل یعنی مقر و پایتخت اروپای مدعی اتحاد قطعاً از حمایت بین‌المللی لازم برخوردار نخواهد شد. طرح الحاق بخش فلاندر به هلند، بخش والونی به فرانسه و الحاق منطقه آلمان زبان به آلمان نیز با توجه به سابقه تاریخی تسلط هلندی‌ها در بلژیک و همچنین حمایت اکثریت مردم از ابقاء کشور بلژیک متفی است.

بلژیک تقریباً در مرکز اروپای غربی و در جوار کشورهای فرانسه هلند و آلمان و در فاصله کمی از سواحل کانال مانش قرار گرفته است. این کشور کوچک به لحاظ بین‌المللی نقش چندانی در سیستم جهانی ندارد لکن در منطقه اروپای غربی از اهمیت خاصی برخوردار است. وجود راههای مواصلاتی مهم بلژیک و ارتباط آنها با راههای چندین کشور اروپایی، وجود بندر مهمی چون بندر آنتورپ و همچنین انتخاب شدن این کشور بعنوان مقر سازمانهای بین‌المللی مهمی چون ناتو و اتحادیه اروپا بر اهمیت ژئوپولتیکی این کشور کوچک افزوده است. بلژیک محل تقاطع راههای ترانزیت بین‌المللی ای - ۵ و ای - ۱۰ می‌باشد. این کشور بعنوان مقر ۶۷ سازمان بین‌المللی دولتی و ۱۰۲۲ سازمان بین‌المللی غیر دولتی انتخاب شده است لذا در مجموع ۱۰۸۹ سازمان بین‌المللی در بلژیک مستقر می‌باشند که به این لحاظ بلژیک رکورددار است. پس از بلژیک فرانسه و امریکا مقام دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. بندر آنتورپ از نظر ترافیک دریایی سومین بندر بزرگ دنیا و دومین بندر اروپا به شمار می‌رود. این بندر از لحاظ ظرفیت انبارها بزرگترین بندر اروپاست.

فاصله هوایی بروکسل پایتخت بلژیک با پایتختهای مهم اروپایی به قرار زیر است:

بروکسل - لندن ۳۴۰ کیلومتر

بروکسل - وین ۹۲۴ کیلومتر

بروکسل - رم ۱۱۸۱ کیلومتر

بروکسل - پاریس ۲۷۴ کیلومتر

بروکسل - مسکو ۲۲۲۶ کیلومتر

بروکسل - مادرید ۱۳۱۶ کیلومتر

بروکسل - کپنهاک ۷۵۵ کیلومتر

در ارتباط با اروپای واحد بلژیکیها و بسیاری دیگر از اروپاییان بروکسل را به عنوان

پایتخت اروپای متحد عنوان می‌کنند.

بررسی تطبیقی برخی فاکتورهای اقتصادی بلژیک در مقایسه با						
امریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا در سال ۱۹۸۷						
کشور	درآمد سرانه USS	نرخ رشد تولید ناخالص ملی %	وابستگی به واردات انرژی %	سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی %	نرخ اسمی بهره بانکی بلند مدت %	نرخ بیکاری %
امریکا	۱۸۳۳۸	۳/۴	۱۴	۱۷/۳	۸/۷	۵/۲
ژاپن	۱۹۴۶۵	۴/۳	۸۱	۲۸/۹	۵	۲/۴
اتحادیه اروپا	۱۳۲۶۵	۲/۸	۴۳	۱۹/۲	۹/۴	۱۰/۲
بلژیک	۱۴۰۷۱	۲/۱	۷۱	۱۶/۳	۷/۸	۱۰/۳

نفوذ ادیان در اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه

در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱، قریب ۸/۴ میلیون نفر از جمعیت بلژیک معادل ۸۴/۳ درصد به کلیسای کاتولیک رم وابستگی مذهبی داشته‌اند. خانواده سلطنتی بلژیک نیز آخرین خاندان سلطنتی کاتولیک در تمام شمال اروپا محسوب می‌گردد. اگرچه آزادی مذهب در قانون اساسی بلژیک مورد تاکید قرار گرفته لکن پایبندی به اصول مذهب بویژه در بخش شمالی کشور یعنی در منطقه فلاندرز کاملاً مشهود است. برگزاری مراسم و اعیاد مذهبی، احترام گزاردن به قدیسن و پایبندی به مقدسات مذهبی در بلژیک بیش از سایر کشورهای شمال اروپا رعایت می‌گردد. مذهب علاوه بر جنبه‌های فردی، در زندگی سیاسی مردم بلژیک نیز تاثیر و نفوذ دارد. اولین حزب کاتولیک بلژیک در سال ۱۸۸۴ تأسیس شد. این حزب از بدو تأسیس تا ۱۹۱۹ بدون وقفه اکثریت مطلق آراء را در پارلمان در اختیار داشت. برقراری سیستم انتخابات عمومی در سال ۱۸۹۳ باعث شد که بورژوازی کاتولیک ابتدا در پارلمان و بعد در دولت به نفع سازمانهای کشاورزی کاتولیک فلامان زبان و گرایش جدید دموکرات مسیحی دوچار پس روی می‌شود. از ۱۹۱۹-۳۹ کاتولیکها هیچوقت اکثریت مطلق پارلمان را بدست نیاوردند و صرفاً اکثریت نسبی را به استثنای سالهای ۳۹-۱۹۳۶ در اختیار داشتند. در سال ۱۹۴۵ حزب سوسیال مسیحی فرانسه زبان و حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان جانشین بلوک کاتولیکها شد. آنها

پذیرفتند که دارای یک ساختار واحد متشکل از دو شاخه شمالی و جنوبی باشند. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۵ این دو حزب بخاطر اعطای حق رأی به زنان در کشور مقام اول را داشتند. از اواخر ۱۹۶۵ این دو شاخه تا حدود زیادی از یکدیگر مستقل شدند. حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان بطور سنتی بزرگترین حزب بلژیک محسوب می‌شود لکن امروزه از اکثریت آراء برخوردار نیست. همتای فرانسوی این حزب نیز به عنوان ششمین حزب بزرگ بلژیک شناخته می‌شود. بطور کلی گروه سوسیال مسیحیان بلژیک در حال حاضر بعد از سوسیالیستها دومین حزب قدرتمند بلژیک هستند.

در این کشور بویژه در شهرهای بروژ، گنت، لوون^۱ و تورنی^۲ که دارای کلیساهای متعدد و بجای مانده از عصر گوتیک می‌باشند اجرای مراسم مذهبی و پایبندی به آداب و رسوم مذهبی، همچنان رعایت می‌شود. نکته جالبی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که فلامانهای بلژیک هم علی‌رغم قرابت‌های ملی خود با هلند برخلاف هلندیها که پروتستان می‌باشند اکثراً کاتولیک هستند. کلیسای کاتولیک بلژیک از نظر تقسیمات سازمانی خود به یک اسقف اعظم و ۷ ناحیه اسقف نشین شامل، آنتورپ، بروژ، اسل، لیژ، نامور، تورنای و بروکسل تقسیم شده است. اسقف اعظم کلیسای کاتولیک بلژیک «کاردینال گود فرید دانیلز»^۳ می‌باشد.

مذهب پروتستان نیز یکی دیگر از شاخه‌های مسیحیت رایج در بلژیک است. تعداد پیروان این مذهب ۷۵ هزار برآورد می‌شود که به دو فرقه «ایوانجلیکال و انگلیکان» تقسیم می‌شوند. پروتستانها کلیساها و مراکز مذهبی متعددی را در اختیار دارند که از جمله می‌توان به کلیسای انگلستان در بروکسل اشاره کرد که مقر معاونت اسقف اعظم شمال غربی اروپا و همچنین منطقه جبل الطارق می‌باشد. بلژیک خیلی سریع از اصلاحات مذهبی لوتروکالون متأثر گردید، لکن تحول مذکور تاثیر ناچیزی در صحنه سیاسی این کشور داشت و تفوق کلی در بلژیک همواره با کاتولیکها بوده است. در بلژیک پیروان مذهب پروتستان در ۲۸۴ تشکیلات

1. Louvain

2. tournai

3. Cardinal Godfried Daneels

منطقه‌ای سازماندهی شده‌اند. که عمدتاً در استان «هنو و بارابانت» متمرکز می‌باشند. از مهمترین مراکز مذهبی پروتستانهای بلژیک می‌توان اتحادیه کلیساهای پروتستان بلژیک و کلیسای میسیونری مسیحی را نام برد.

در بلژیک قریب به ۳۵ هزار نفر یهودی نیز زندگی می‌کنند این عده عمدتاً در بروکسل و بندر آنتورپ متمرکز می‌باشند. اغلب یهودیان در آنتورپ به کار تجارت اشتغال دارند. پیروان این دین دارای مجمعی هستند به نام شورای مرکزی انجمنهای یهودیان بلژیک که در سال ۱۸۰۸ تاسیس یافته ریاست تشکیلات یهودیان با آقای جرجس شنک^۱ می‌باشد.

مسلمانان در بلژیک

جمعیت مسلمانان در بلژیک حدود ۲۵۰ الی ۳۰۰ هزار نفر یعنی ۲/۵ الی ۳ درصد از کل جمعیت بلژیک برآورد شده است. بدین ترتیب اسلام پس از مسیحیت دومین دین رایج کشور محسوب می‌شود. این مسلمانان عمدتاً شامل مهاجران شمال آفریقا و ترکیه می‌باشند. این مهاجرین از نظر ملیت به ترتیب از کشورهای مراکش، ترکیه، الجزایر، تونس، ایران، پاکستان، آلبانی، لبنان و یوگسلاوی سابق آمده‌اند. مسلمانانی که اصالتاً بلژیکی هستند نیز حدود ۵ الی ۲۰ هزار نفر برآورد می‌شوند.

در سال ۱۹۶۵ سفرای کشورها اسلامی مستقر در بروکسل درخواست به رسمیت شناخته شدن دین اسلام را در بلژیک به پادشاه این کشور ارائه دادند. پادشاه بلژیک نیز در سال ۱۹۷۴ و به مناسبت بیستمین سالروز ورود دستجمعی مسلمانان به بلژیک پذیرش درخواست مذکور را رسماً اعلام نمود. به محض صدور این دستور مسلمانان خواهان تدریس آموزشهای اسلامی در مدارس بلژیک شدند که در سال ۱۹۷۴ این مسئله نیز مورد تصویب دولت بلژیک قرار گرفت. مرکز اسلامی بروکسل نیز در این دوران یعنی در سال ۱۹۷۳ و با حمایت کشورهای مثل مراکش و عربستان تاسیس یافت. گفته می‌شود این مرکز به سازمان رابطه العالم الاسلامی

1. Georges Schnek

وابسته می‌باشد. فعالیتهای این مرکز در زمینه مسائل زیر متمرکز می‌باشد:

- تلاش در راه حفظ اعتقادات مسلمانان
- معرفی اسلام به غیر مسلمانان
- تبلیغات مذهبی
- برگزاری سمینارها و کنفرانسها
- برگزاری سلسله دروس دینی در مساجد
- برگزاری جشنها در مناسبتهای گوناگون
- صدور فتوا
- برگزاری مراسم عقد و ازدواج اسلامی
- دیدار از بیماران و کمک به آنان
- دیدار با زندانیان و کمک به آنها و آگاه ساختن آنان از اسلام
- روشن کردن افکار عمومی بلژیک نسبت به اسلام
- آموزش تعالیم دینی و زبان عربی
- تاسیس یک کتابخانه اسلامی

همزمان با تاسیس مرکز اسلامی و فرهنگی بروکسل پادشاه بلژیک به درخواست ملک فیصل شاه وقت عربستان سعودی برای احداث یک مسجد بزرگ پاسخ مثبت داده و دولت بلژیک یک قطعه زمین برای این کار اختصاص داد. بدین ترتیب امروز علاوه بر مسجد جامع بروکسل در بلژیک ده نمازخانه استمالاکی و قریب ۱۰۰ نمازخانه استیجاری رسمی فعالیت می‌کنند. علی‌رغم این که مسلمانان بلژیک بلحاظ اعتقاد به فرقه‌های مختلف سنی، شیعه، طریقت‌های مختلف و ... و همچنین وابستگی به ملیتهای مختلف، از انسجام کافی برخوردار نمی‌باشند لکن بدنبال رشد بنیادگرایی اسلامی در سطح جهان، در بلژیک نیز مسئله تقابل ارزشهای اسلامی با معیارهای حاکم بر جوامع غربی به صورتی محسوس درآمده است. به همین دلیل علیرغم رسمیت دین اسلام در بلژیک، تقابل ارزشهای دو طرف منجر به اعمال برخی

محدودیتها و موانع از سوی دولت در مقابل فعالیتهای مسلمانان شده است. در همین رابطه جالب توجه است که دولت بلژیک علیرغم رسمیت دین اسلام در این کشور و الزام قانونی، به بهانه‌های مختلف از پرداخت مقرری استادان دینی مسلمانان بلژیک طفره می‌رود. همچنین برخی احزاب ملی‌گرا و نژادپرست بلژیک نیز اخیراً خواستار اعمال محدودیت‌های بیشتر دولت در مقابل مسلمانان شده‌اند. مجله لوویت اکسپرس مورخ ۲۶ ژانویه ۹۵ نیز با انتشار مقاله‌ای در همین رابطه به دولت توصیه می‌کند ضمن برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی اسلام رایج در بلژیک را با ارزشهای حاکم بر جامعه تطبیق دهد.

سیاست مذهبی حکومت

علیرغم مطالبی که در خصوص عملکرد دولت در قبال مسلمانان در دوران اخیر ذکر گردید، بطورکلی در بلژیک چیزی به نام مشکل مذهبی بصورت حاد وجود ندارد و اقلیتهای مذهبی برای دفاع از منافعشان نماینده‌ای ندارند. توجیه دولت بلژیک در این رابطه این است که تمام مردم این کشور بدون توجه به نوع اعتقادات مذهبی یا سیاسی آنها، بطور یکسان از امتیازات قانونی و خدمات دولتی بهره‌مند می‌شوند. در بلژیک سعی میشود استقلال مذهب و سیاست حفظ شود. به عنوان مثال می‌توان یادآور شد که ثبت نام در حزب سوسیال مسیحی که از آغاز تأسیس آن بر مبنای موازین مذهبی مستقر بوده برای همه و بدون منظور داشتن مذهب آنان آزاد است و هرکس با هر مذهبی می‌تواند به عضویت آن درآید.

تعطیلات رسمی

سال نو	۱ ژانویه
عید پاک	۷ و ۸ آوریل
روز کارگر	۱ ماه مه
روز معراج	۸ یا ۱۶ ماه مه
یکشنبه و دوشنبه WHTT	۲۷ و ۲۸ ماه مه
روز جامعه هلندی زبان	۱۱ ژوئیه
روز ملی	۲۱ ژوئیه
روز عروج حضرت مریم	۱۵ اوت
روز جامعه فرانسوی زبان	۲۷ سپتامبر
روز قدیسین	۱ نوامبر
روز ترک مخصوصه	۱۱ نوامبر
روز نامگذاری پادشاه	۱۵ نوامبر
تعطیلات ویژه ادارات دولتی	۲۵ و ۲۶ دسامبر

در صحنه تاریخ، بلژیک نقش مهم اما غم‌انگیزی را به عهده داشته است. بلژیک همیشه از داشتن مرزهای طبیعی محروم بوده و بر سرچهارراه شمال غرب اروپا واقع شده است. قرن‌ها پس از هم می‌آمدند و همزمان قوای مهاجم این سرزمین را تبدیل به صحنه کارزار و گورستان نظامی می‌کرد. در مشرق و در نزدیکی‌های «شهر قدیمی تونگرز»^۱ هشت هزار سرباز رومی دفن شده‌اند. اینان قربانیان دو هزار سال پیش قبایل بلگا^۲ هستند که ژولیوس سزار آنها را وحشی‌ترین قبایل گل خوانده بود. جنگ‌های جهانی اول و دوم در قرن حاضر نیز گورستانی از سپاهیان متفقین در بسیاری مناطق بجای گذاشت. انگلیس‌ها در فلاندر، فرانسویان در کنار رود میوز و آردن دفن شده‌اند. هزاران سرباز امریکایی نیز اکنون در حوالی شهر باستونی^۳ از ناحیه آردن که مرکز عمده نبرد بلژ^۴ بوده مدفون هستند.

بدین ترتیب بلژیکیها از قرون وسطی تاکنون در جنگ‌هایی وارد شده‌اند که هیچیک از آنها به دست خودشان شروع نشده است. دشمنان بلژیک همیشه بلژیک را سهل‌الوصول یافته‌اند. همانطور که جهانگردان نیز در دوران صلح ورود به آنجا را آسان می‌یابند. استان برابانت به جنگ‌ها و دژها و نبرد گاه‌هایش معروف است. منطقه واترلو در حومه

1. Tongers

2. Belgae

3. Bostagne

4. Bulge

بروکسل با بناهای تاریخی خود یاد آخرین شکست ناپلئون بناپارت را در سال ۱۸۱۵ زنده نگاه می‌دارد. واترلو روی یک خط فرضی قرار گرفته که از شرق به غرب کشیده شده و بلژیک را از لحاظ زبانی به دو قسمت فلاندر و والون تقسیم می‌کند. فلامانهای ساکن منطقه فلاندر که نژاد ژرمن دارند به تنومندی چشمان آبی و موهای طلایی مایل به قرمز و از لحاظ روحیات به سرسختی محافظه کاری و تند مزاجی به هنگام خشم شهرت دارند. در عوض ساکنین منطقه والون به رنگ موی تیره و پوست شفاف و ریز نقشی و از لحاظ روحیات به سرزندگی شادابی و عیب جویی شهرت دارند. نقاشان و مجسمه سازان و معماران بلژیکی بیشتر از میان فلامان زبانها و موسیقیدانهای بلژیکی بیشتر از میان فرانسه زبانها بوده است. نام «سزار فرانک»^۱ که سمفونی او در «دی مینور»^۲ شهرت خاصی دارد و «آدلف ساکس»^۳ که از شهر لیژ برخاست و اولین ساکسیفون را حدود ۱/۵ قرن پیش ساخت شهرتی جهانی دارد. در بلژیک در سال ۱۹۸۹ قریب ۶۸۲۲ عنوان کتاب چاپ شده است.

خصایص ویژه اجتماعی

بدلیل شرایط خاص تاریخی بلژیک، مردم این کشور روحیات خاصی دارند. بلژیکیها بخاطر شوخ طبعی خود معروفند. آنها به مشاجره‌ای که بین فلامان زبانهای شمال و فرانسه زبانهای جنوب بلژیک وجود دارد می‌خندند. آب و هوای سرد و مرطوب کشورشان، قضات و سیاستمداران و نویسندگان آنجا همه موضوع خنده و مزاح آنهاست. اما با تمام این حرفها اگر کسی بلژیک را کوچک بخواند بشدت عصبانی می‌شوند.

بلژیکیها آنچنان سخت کوشند که گویی اصلا رغبتی به تفریح و سرگرمی ندارند. اما برعکس باید گفت آنها در لذت و خوشگذرانی نیروی بی‌پایان دارند. آنها عاشق کارناوالها و جشنها هستند. و برای شورو نشاط بخشیدن به این گونه جشنها و کارناوالها، سختیهای بسیاری

1. Cesar Franck

2. D,Minor

3. Adolphe Sax

را تحمل می‌کنند. خیابانها به مناسبتهای مختلف از قبیل بازار مکاره و سالروز تولد شخصیت‌های ملی به پرچم‌ها مزین می‌شوند. در این کشور هر اجتماعی از کوچکترین روستاها گرفته تا وسیعترین شهرها به یاد بود مناسبت‌های مختلف جشن می‌گیرند و شادی می‌کنند. در این کشور انجمنها و سازمانهای اجتماعی مختلفی وجود دارند که آنها نیز به صورت گسترده‌ای در برگزاری مراسم و جشنهای مختلف شرکت می‌کنند.

در بلژیک کمبود پرندگان مشهود است و بندرت اتفاق می‌افتد که برق بال پرنده‌ای برفراز مزرعه‌ای بتابد و آواز و نغمه خوش پرندگان نیز بندرت در این کشور شنیده می‌شود. این نایابی نتیجه مستقیم علاقه و اشتیاق وافر این مردم به گوشت این قبیل پرندگان است. در این کشور جای و قهوه وارداتی از کنگو محبوبیت عمومی دارد. آبجو به عنوان یک نوشیدنی ملی در ردیف قهوه قرار دارد و بلژیکیها حتی بیشتر از آلمانها آبجو می‌نوشند.

بلژیکیها عاشق سینما هستند و چون خود شرکت فیلمبرداری ندارند فیلمهای فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی و امریکایی را می‌بینند. مجله‌ها و روزنامه‌های بلژیک تعداد زیادی از صفحات خود را به شرح و انتقاد فیلمهای جدید اختصاص می‌دهند. در بلژیک ادبیات فرانسوی و هلندی ادبیات محلی محسوب می‌شود و نویسندگان آلمانی، ایتالیایی و انگلیسی نیز خوانندگان زیادی دارند. تاتر در بلژیک صرفنظر از نمایشنامه‌هایی که بوسیله نمایشنامه نویسان داخلی نوشته می‌شوند وابستگی کامل به ترجمه آثار خارجی دارد و گروههای مختلف هنری که از خارج می‌آیند در شهرهای بزرگ برنامه‌هایی اجرا می‌کنند.

در بلژیک مردم در زمینه نظافت عمومی و شخصی حساسیت زیادی نشان می‌دهند و در صنعتی‌ترین شهرهای این کشور نیز که آلودگی هوا اجتناب ناپذیر است، مردم به نظافت خود و شهرشان اهمیت زیادی می‌دهند. به همین دلیل مشاهده مردم در حال نظافت خانه‌های خود و همچنین فعالیت بدون وقفه ماموران شهرداری در نظافت شهرها در بلژیک مسئله‌ای عادی تلقی می‌شود.

آثار مهم فرهنگی و تاریخی

در اواسط قرن چهاردهم میلادی سلاحها و زره‌های ساخت بروکسل در بیشتر میدانهای مسابقات اروپایی می‌درخشید. پرده‌های دیوار کوب بافت بروکسل بر دیوار بیشتر قصرهای اروپا از اسکاندیناوی تا اسپانیا آویخته بود. شاهان، شاهزادگان و کلیساها مشتریان پروپاقرص طلا کاریها و نقره کاریهای بروکسل بودند. دینان^۱ یکی از بیست و دو شهر درجه اول اسقف نشین لیژ از قرن دهم سابقه صنعت برنج‌ریزی و مسگری داشت و کارهای این شهر از قبیل صلیبها شمعدانها ظروف غسل تعمید و حتی مجسمه‌های مسی آن در داخل و خارج به قیمت‌های گران خرید و فروش می‌شد.

آثار «جان وان ایک» نقاش فلامان زبان بلژیکی که حدوداً پانصد سال پیش زندگی می‌کرده در آنتورپ، بروگژ و گان نگهداری می‌شود. در نمازخانه کوچکی از کلیسای باون واقع در شهر گان تابلویی از این هنرمند بزرگ وجود دارد که جز و شش تصویر بی‌مانند عالم نقاشی بشمار می‌رود. این شمایل که به محراب زیتنه معروف است از ۱۲ قسمت ساخته شده که تا به حال قسمتهایی از آن به سرقت رفته ولی مجدداً پیدا شده است. سربازان ناپلئون ابتدا قسمت مرکزی آن را با خود به پاریس بردند و تا سقوط ناپلئون در موزه لوور پاریس آویخته بود. شش قسمت دیگر این اثر در دست دزدان دست به دست می‌گشت و خرید و فروش می‌شد تا این که بالاخره پادشاه پروس آنها را خرید و در موزه هنرهای برلین جای داد. پیمان صلح بعد از جنگ جهانی اول موجب بازگشت مجدد این قطعات به شهرگان شد. در جنگ دوم جهانی دولت بلژیک برای حفظ این اثر آن را به جنوب فرانسه فرستاد ولی متعاقب سقوط حکومت ویشی با این که این شاهکار هنری در قسمت اشغالی نبود آن را به نازیهای آلمان تقدیم داشتند. نازیها آن را به آلمان بردند و پس از خاتمه جنگ این تابلو در میان تعداد دیگری از آثار هنری گم شده در یک معدن نمک در اتریش یافت شد. تحولات مذکور صدماتی جدی به این اثر هنری نفیس وارد آود. «پیترپاول روبنس» و «پیتربروگل»^۲ از دیگر نقاشان مشهور فلامان زبان بلژیک در اوایل

1. Dinant

2. Pieter Brueghel

قرن هفدهم می‌زیستند. شاهکارهای روبنس یعنی ۳ تابلوی با نامهای نزول صلیب برپاداشتن صلیب و رضای مریم شهرتی جهانی دارند.

نظام آموزشی

حق برخورداری کلیه آحاد مردم از آموزش و پرورش از جمله حقوقی است که در قانون اساسی بلژیک تصویب شده است. در همین رابطه در سال ۱۸۴۲ توسط دولت ائتلافی کاتولیک لیبرال قانونی به تصویب رسید که براساس آن شهرداریها موظف به تاسیس مدارس ابتدایی عمومی و یا مدارس وابسته به کلیساهای کاتولیک شدند. در این مدارس تعلیم دستورات مذهب کاتولیک به دانش آموزان به استثنای کودکانی که به مذاهب دیگر تعلق داشتند اجباری بود. در سال ۱۸۷۹ تحت فشارهای جناح ضد کاتولیک دولت لیبرال شهرداریها را موظف نمود که حداقل یک مدرسه عمومی که در آن دستورات مذهبی در خارج از ساعات تدریس عمومی، تعلیم داده شود، تاسیس نمایند. دولت آموزش انحصاری معلمین را در اختیار خود داشت و معلمین توسط مقامات محلی انتخاب می‌شدند و جهت تدریس در مدارس به گواهینامه نیاز داشتند. این شیوه تعلیم و تربیت با مخالفت شدید گروههای مختلف در بلژیک مواجه گردید و انعکاس سیاسی آنچه که به نام جنگ مدارس نامیده شد حتی تا اواسط قرن بیستم نیز در این کشور تداوم داشته است. پس از جنگ جهانی دوم، توسط یک وزیر سوسیالیست تصمیم گرفته شد حقوق معلمین هم در مدارس عمومی و هم در مدارس مستقل توسط دولت پرداخته شود. در بین سالهای ۱۹۵۴-۵۵ هنگامی که دولت لیبرال سوسیالیست اقدام به اصلاحات آموزشی در کشور نمود، جنگ مدرسه جدیدی در گرفت. در این اصلاحات، امتیازات بیشتری به عقاید کاتولیکی داده شد، لکن مصوبه ۱۹۵۵ که طی آن کاهش سوبسید به مدارس مستقل پیشنهاد شده بود مورد مخالفت حزب سوسیال مسیحی و نیز کلیسای کاتولیک قرار گرفت. بهر حال این مصوبه علی‌رغم مخالفت نمایندگان سوسیال مسیحی به مورد اجراء درآمد.

بطور کلی تحصیل در بلژیک برای سنین ۶ تا ۱۴ سالگی اجباری و رایگان است. در این

کشور دو سیستم آموزشی یکی دولتی و دیگری خصوصی رایج است. نوع دوم معمولاً زیر نظر کلیسای کاتولیک و با کمک دولت اداره می‌شود. با توجه به اینکه بلژیک یک کشور سه زبانه (فرانسه، فلامان و آلمانی) می‌باشد براساس قانون مصوبه زبان که در سال ۱۹۶۳ تصویب شد تعلیم در هر منطقه به زبان محلی خواهد بود و در منطقه بروکسل هر دو زبان فرانسوی و فلامان تدریس می‌شود. در بلژیک یک نوع آموزش قبل از دبستان نیز وجود دارد که کودکان از سنین ۲/۵ تا ۵ سال در آن پذیرفته می‌شوند. بالغ بر ۹۰ درصد کودکان کشور این دوره را می‌گذرانند. بلژیک دارای دو سیستم آموزشی است یکی از آنها به فرهنگ و زبان فرانسه و آلمانی و دیگری مربوط به فرهنگ هلندی می‌باشد.

آمار موجود از سیستم آموزشی بلژیک در سال ۹۱-۱۹۹۰

تعداد دانش‌آموزان		موسسات موجود		نوع آموزشگاه
هلندی	فرانسوی و آلمانی	هلندی	به فرهنگ فرانسه و آلمانی	
۲۱۴۱۰۲	۱۵۹۶۴۲	۲۱۶۱	۲۰۳۳	کودکستان
۴۳۰۵۷۸	۳۱۴۳۰۴	۲۴۳۶	۲۱۴۸	دبستان
۴۴۰۱۵۹	۳۵۳۱۶۳	۱۱۸۲	۸۷۳	راهنمایی
۸۲۱۴۹	۵۵۰۳۰	۱۵۸	۲۳۹	دوره پیش‌دانشگاهی (دبیرستان)
۵۵۱۶۷	۵۶۶۷۸	۱۰	۱۱	دانشگاه

در بلژیک در سال ۱۹۸۷ تعداد مربیان شاغل در سطح کودکستان و مقطع دبستان در مجموع ۷۱۰۶۴ نفر و در مقطع راهنمایی ۱۱۴۶۲۸ نفر اشتغال داشته‌اند. در مقطع دبیرستان نیز در همین سال ۱۴۵۴۸ نفر مشغول به تحصیل بوده‌اند. در سال ۱۹۸۶ نیز ۵۳۴۹ نفر استاد در دانشگاه‌های بلژیک تدریس می‌نمودند. در بلژیک ورود به دانشگاهها مستلزم اتمام دوره

دبیرستان و کسب موفقیت در آزمون ورودی دانشگاههاست. رشته‌های آموزشی در دانشگاهها به دوره‌های ۲ تا ۳ سال عمومی و دوره‌های ۲ تا ۳ سال تخصصی تقسیم می‌شوند. چهار دانشگاه بزرگ و عمده بلژیک عبارتند از:

* دانشگاه لوون^۱ تاسیس در سال ۱۴۲۵ میلادی (در این دانشگاه به دوزبان رسمی کشور تدریس می‌شود)

* دانشگاه آزاد بروکسل تاسیس در سال ۱۸۳۴ (در این دانشگاه نیز به دو زبان رسمی کشور تدریس می‌شود)

* دانشگاه فرانسه زبان لیژ تاسیس در سال ۱۸۱۷

* دانشگاه هلندی زبان گنت تاسیس در سال ۱۸۱۷

در این کشور علاوه بر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تعداد ۱۶۹ مرکز تربیت معلم نیز فعالیت می‌کنند. در بلژیک بنیاد ملی مطالعات در موارد ضروری به دانشجویان کمک مالی می‌دهد. در این کشور حدود ۲۰ درصد از دانشجویان از بورس تحصیلی استفاده می‌کنند. ۲۰ درصد از بودجه کشور نیز به آموزش و پرورش اختصاص دارد. تعداد دانشجویان دانشگاههای این کشور بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۴ حدود ۸۳ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۸ بیش از یک چهارم کل فارغ التحصیلان مدارس متوسطه به آموزش عالی راه پیدا کرده‌اند. در سال ۱۹۸۶ تعداد دانش آموزان تمام وقت ۸۲ درصد کل گروه سنی ۵ تا ۲۴ سال را تشکیل داده که این رقم بالاترین درصد بین کشورهای اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

بر اساس آمار ارتش بلژیک در میان مشمولان سالانه این کشور در ۵ سال اخیر جمعاً حدود ۳۱ هزار نفر بیسواد کامل و ۱۳۷ هزار نفر بیسواد نسبی یعنی کسانی که می‌توانند تمامی حروف یا بعضی از آنها را تشخیص دهند وجود داشته‌اند. بدین ترتیب در بلژیک در مجموع ۱۶۸ هزار نفر بیسواد وجود دارد که ۱۲۲ هزار نفر آنان در پایتخت و در قسمت والونی بلژیک زندگی می‌کنند. به این عده باید خارجیانی بیسواد مقیم بلژیک و بیسوادان مشغول به کار را افزود.

1. Louvain

بیسوادان مشغول به کار کسانی هستند که دارای مدرک خواندن و نوشتن هستند. لکن با مشکلات مهمی در به کار بردن دانسته‌های خود در زندگی روزمره مواجه می‌باشند. در بلژیک با بررسی و جمع‌بندی تمام موارد این نتیجه بدست می‌آید که در بروکسل و در قسمت والونی حداقل ۳۰۰ هزار نفر بیسواد بزرگسال وجود دارد که نمی‌توانند بنویسند یا بزرگ‌تر قادر به اینکار هستند. براساس یک تخمین از سوی انجمن بلژیکی خواندن و نوشتن حداکثر عده این گونه افراد به ۵۰۰ هزار نفر ممکن است برسد. علت تخمینی بودن این اخبار این است که تنها آمار رسمی ارتش در این زمینه در دست می‌باشد. در این آمار و ارقام نرخ بیسوادی نزد سالخوردگان عقب ماندگان ذهنی و جسمی که شیوع بیشتری دارد مد نظر قرار نگرفته است. براساس آمار و ارقام مورخ ۱ مارس ۱۹۸۱ نرخ بیسوادی و توزیع آن نزد خارجی‌ان مقیم بلژیک برحسب ملیت آنان به صورت زیر است:

جمعیت خارجی‌ان مقیم بلژیک

کشور	جمعیت	نرخ بیسوادی %
ایتالیا	۲۷۹۷۰۰	۵/۲
مراکش	۱۰۵۱۳۳	۸/۶
فرانسه	۱۰۳۵۱۲	۴ تا ۶
هلند	۶۶۲۳۳	۴
ترکیه	۶۳۵۸۷	۳۹/۷
اسپانیا	۵۸۲۵۵	۱۵

به روایت دیگر براساس مطلب منتشره در دایره المعارف دنیا^۱ که در امریکا چاپ و منتشر می‌شود افراد باسواد در بلژیک در سال ۱۹۸۹ بالغ بر ۹۸ درصد از کل جمعیت این کشور بوده است.

1. The World Almanac 1991 p.690

مراکز فرهنگی و علمی

- **کتابخانه‌ها:** در بلژیک کتابخانه‌های متعددی وجود دارد که برخی از آنان عمومی و برخی دیگر تخصصی می‌باشند. کتابخانه‌های معروف بلژیک از جمله کتابخانه سلطنتی که در سال ۱۸۳۷ تاسیس یافته و کتابخانه پارلمان و کتابخانه موسسه سلطنتی بلژیک در بروکسل قرار دارند.

- **موزه‌ها:** بلژیک دارای ۱۸۲ موزه است که در سراسر کشور و بویژه در شهرهای بروکسل، لیژ، نامور، شارله، مونس و غیره پراکنده‌اند این موزه‌ها دارای آثار بسیار قدیمی با ارزشی مربوط به قرون وسطی و حتی قدیمی‌تر هستند. مثلاً در بروکسل موزه هنری سلطنتی و موزه سلطنتی کنگوی بلژیک بسیار دیدنی است.

در مجموع در بلژیک ۱۵۴ انستیتوی علمی و ۱۰۵۵ کتابخانه و مرکز تحقیقات وجود دارد. برخی از این مراکز علمی و تحقیقاتی بشرح زیر است:

انستیتو خاورشناسی بلژیک وابسته به دانشکده فلسفه و ادبیات دانشگاه کاتولیکی لوون که مهمترین مرکز مطالعات مربوط به تمدن و فرهنگ ایران در بلژیک نیز محسوب می‌شود. این انستیتو دارای نشریه معروفی بنام MOSE ON است.

انستیتو عالی تاریخ و ادبیات شرق که وابسته به دانشکده فلسفه و ادبیات بروکسل می‌باشد.

کانون مطالعات مسائل مربوط به جهان اسلامی

انستیتو سلطنتی روابط بین‌المللی

دایره زبانهای شرقی و باستان شناسی شرق (انستیتوی مطالعات عالی)

جهانگردی و مراکز مهم جذب جهانگردان در بلژیک

اگر چه در بلژیک شهرها و مراکز متعددی با سوابق تاریخی و فرهنگی غنی مانند شهرهای بروژ، گنت، آنتورپ، لیژ، تورانی، نامور، دوربای و بروکسل وجود دارد لکن در مجموع

جاذبه‌های توریستی این کشور در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی کمتر است. منظره و طبیعت زیبای سواحل دریای شمال و هتلها و اقامتگاههای متعدد موجود در این سواحل و نیز جنگلهای زیبای آردن از دیگر مراکز جذب توریست در بلژیک می‌باشند. شهر بروکسل به تنهایی بعنوان مقر سرفرماندهی پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، و نیز مقر اتحادیه اروپا و بسیاری از شرکتها و بانکهای خارجی امروزه به صورت مرکز مهم کنفرانسهای بین‌المللی درآمد است که به همین دلیل منافع اقتصادی سرشاری در اختیار بلژیک قرار گرفته است. اشتها جهانی غذاهای محلی و بطور کلی غنی و متنوع بودن غذاهای طبخ شده در رستورانهای این کشور نیز به عنوان یکی دیگر از جاذبه‌های توریستی بلژیک محسوب می‌شود.

در بلژیک دو سازمان مختلف در دو جامعه فرانسه زبان و فلامان زبان به کار تشویق و ترویج صنعت توریسم در این دو بخش کشور اشتغال دارند. در کنار آنها نیز مرکز اطلاعات و توریسم بروکسل نیز در این رابطه و به صورتی عام فعالیت می‌کند. در سال ۱۹۹۲ قریب ۱۲۸۷۹۹۸۲ نفر توریست خارجی از بلژیک بازدید نموده‌اند. در سال ۱۹۸۷ صنعت توریسم بلژیک معادل ۲/۹ میلیارد دلار درآمد داشته است.

در ماده ۱۸ قانون اساسی بلژیک تصریح شده است که مطبوعات آزاد می‌باشند و هیچ شکلی از سانسور مجاز نمی‌باشد و هیچ وجه الضمانی^۱ نباید از نویسندگان ناشرین و چاپخانه‌ها مطالبه شود و چنانچه مولف شناخته شده باشد و در بلژیک مقیم باشد، ناشر مالک چاپخانه و یا توزیع کننده کتاب هرگز تحت پیگرد قرار نخواهد گرفت.

در بلژیک ۳۳ روزنامه عمومی وجود دارد که از این تعداد ۱۸ مورد به زبان فرانسه ۱۴ مورد به زبان هلندی و یک مورد به زبان آلمانی منتشر می‌شوند و همچنین ۱۵ مورد از نشریات به صورت مستقل و مابقی با عناوین و اسمهای متفاوت و به صورت نسخه محلی یک نشریه بزرگتر چاپ می‌شوند. در سال ۱۹۹۲ تیراژ کل روزنامه‌های بلژیک بالغ بر ۲۰۲۵۱۲۵ نسخه بوده است یعنی به عبارتی میان هر ۱۰۰۰ نفر ۲۰۲ روزنامه توزیع شده است. در سطح مطبوعات بلژیک برخی ارتباطات و گروه‌بندیهای خاص قابل تشخیص است. گروه نشریاتی لوسوار^۲ ۵ نشریه دیگر را نیز تحت پوشش خود دارد. نشریه استاندارد^۳ گروه مشخص دیگری از مطبوعات بلژیک را اداره می‌کند. در این گروه سه نشریه کاتولیک چاپ می‌شود. گروه مطبوعاتی سوم در بلژیک تحت عنوان گروه "VERS L,AVENIR" شهرت دارد. در این گروه نیز

1. Cautionary Deposit

2. Lesoir

3. De Standaard

۵ نشریه متفاوت منتشر می‌شود.

در بلژیک نشریات معدودی به صورت ارگان رسمی یک جناح سیاسی منتشر می‌شود. لکن تقریباً تمام روزنامه‌های این کشور به اتحادیه‌های سیاسی و تجاری متکی هستند. ولی با این وجود نمی‌توان به صراحت میان حامیان احزاب و خوانندگان یک نشریه خاصی ارتباط مستقیمی برقرار نمود. در بلژیک تفکیک مطبوعات به نشریات حاوی اخبار مردمی و یا سیاسی و جدی بسیار سخت است لکن تقریباً تمام آنها در صدد دادن پوشش خبری به مردم هستند.

تیراژ عمده‌ترین روزنامه‌های بلژیک

روزنامه لوسوار: این روزنامه که از ۱۰ دسامبر ۱۸۸۷ منتشر می‌شود پرتیراژترین روزنامه بلژیک است. بطور کلی تعداد مطبوعات اعم از روزنامه و نشریه در منطقه فرانسه زبان بلژیک حدود ۲۰۰۰ مورد می‌باشد و تقریباً نیمی از خوانندگان مطبوعات منطقه فرانسه زبان بلژیک روزنامه‌هایی را مطالعه می‌کنند که توسط گروه راسل^۱ منتشر می‌شود. روزنامه لوسوار که منعکس کننده نظرات روشنفکران لائیک بوده تمایلات ضد مذهبی دارد و ۱۵۵ خبرنگار در این روزنامه کار می‌کنند. تیراژ روزنامه لوسوار در سال ۱۹۹۲ بالغ بر ۱۷۵۹۷۰ نسخه در روز بوده است. این روزنامه مواضع نزدیک به لیبرالها را دنبال می‌کند. مرکز این روزنامه در بروکسل واقع شده است.

روزنامه‌های لاموزه^۲ و لالانترنه^۳: این دو روزنامه پس از لوسوار پرتیراژترین روزنامه‌های فرانسه زبان بلژیک می‌باشند. تیراژ آن دو در سال ۹۲ به اتفاق ۱۲۶۷۰۰ نسخه در روز بوده است. روزنامه لاموزه در سال ۱۸۵۵ و روزنامه لالانترنه ۱۹۴۴ تأسیس یافته و خط مشی هر دوی آنها مستقل است. مرکز روزنامه لاموزه در شهر لیژ و روزنامه دیگر در بروکسل است.

1. Emille Rossel

2. La Meuse

3. La Lanterne

روزنامه لالیبر بلژیک^۱: این روزنامه فرانسه زبان در سال ۱۸۸۴ تأسیس یافته و در سال ۱۹۹۲ تیراژ آن ۸۲۸۰۰ نسخه بوده است. این روزنامه مستقل بوده گرایشهای کاتولیک دارد. دفتر مرکزی روزنامه در بروکسل است.

روزنامه لادرنیور^۲: این روزنامه فرانسه زبان در سال ۱۹۰۶ تأسیس یافته خط مشی مستقل داشته گرایشهای لیبرالی دارد. تیراژ این روزنامه در سال ۹۲ قریب ۹۴۳۲۰ نسخه بوده و مرکز آن در بروکسل است.

روزنامه هت لاتسته نیوز^۳: این روزنامه هلندی زبان در سال ۱۸۸۸ تأسیس یافته تیراژ آن در سال ۹۲ قریب ۲۹۶۲۱۰ نسخه بوده است این روزنامه مستقل بوده و دفتر مرکزی آن در بروکسل است.

روزنامه استاندارد^۴: این روزنامه بزبان هلندی منتشر می‌شود و در سال ۱۹۱۴ تأسیس یافته تیراژ آن در سال ۹۲ قریب ۳۷۰۳۶۰ نسخه بوده این نشریه گرایشهای سوسیالیست مسیحی دارد دفتر مرکزی این نشریه در بروکسل است.

روزنامه هت وولک^۵: این روزنامه هلندی زبان در سال ۱۸۹۱ تأسیس یافته گرایشهای کاتولیکی دارد. تیراژ این نشریه در سال ۹۲ قریب ۱۷۱۳۵۰ نسخه بوده و دفتر مرکزی آن در شهر گان می‌باشد.

روزنامه گازت وان آنتورپ^۶: این روزنامه در سال ۱۸۹۱ تأسیس یافته خط‌مشی دمکرات مسیحی دارد. تیراژ آن در سال ۹۲ قریب ۱۸۴۹۶۰ نسخه و دفتر مرکزی آن در شهر بندری آنتورپ واقع شده است.

در منطقه فرانسه زبان بلژیک، اداره سرپرستی کلیساهای استان نامور نیز به عنوان یک سهامدار عمده با انتشار نشریاتی همچون لاکوریر و ور لاونیر^۷ خط‌مشی و گرایشهای مذهبی و

1. La Libre Belgique

2. La Derniere Heure

3. Het Laatste Nieuws

4. De Standaard

5. Het Volk

6. Gazet Van Antwerpen

7. LE COURRIER - VERS L'AVENIR

اخلاق را تبلیغ می‌کند. لازم به ذکر است که کلیساها در بلژیک بسیار قوی بوده و گرایشهای مذهبی در بین مردم بلژیک در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی نسبتاً بیشتر است.

تیراژ عمده‌ترین مطبوعات بلژیک و گرایشهای سیاسی آنها

اسم روزنامه	تیراژ در سال ۹۲	گرایش	زبان
لوسوار	۱۷۵۹۷۰	لایک و ضد مذهب	فرانسه
لاموزه، لالانترنه	۱۲۶۷۰۰	مستقل	فرانسه
لالیبر بلژیک	۸۲۸۰۰	مستقل، کاتولیک	فرانسه
لادرنیراور	۹۴۳۲۰	لیبرال	فرانسه
هت لاتسته نیوز	۲۹۶۲۱۰	مستقل	هلندی
استاندارد	۳۷۰۳۶۰	سوسیال مسیحی	هلندی
هت وولک	۱۷۱۳۵۰	کاتولیک	هلندی
گازت وان آنتورپ	۱۸۴۹۶۰	دموکرات مسیحی	هلندی
لاوالونی	۴۸۲۰۰	سوسیالیستی	فرانسه
پرچم سرخ	۱۵۰۰۰	کمونیسم	فرانسه

روزنامه لاواونی^۱: این روزنامه نیز یکی دیگر از روزنامه‌های بخش فرانسه زبان بلژیک است که به فدراسیون ذوب آهن و فلزات استان لیژ و فدراسیون عمومی کارگران بلژیک (F.G.T.B) تعلق داشته و تمایلات سوسیالیستی دارد. این روزنامه در سال ۱۹۱۹ تاسیس یافته تیراژ آن در سال ۹۲ قریب ۴۸۲۰۰ نسخه است. دفتر مرکزی روزنامه در شهر لیژ واقع شده است. یکی دیگر از روزنامه‌های مناطق فرانسه زبان بلژیک روزنامه پرچم سرخ^۲ است که در واقع ارگان رسمی حزب کمونیست بلژیک بوده و تیراژ آن ۱۵ هزار نسخه است.

علاوه بر روزنامه‌ها، مجلات، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌های متعددی در شهرهای مختلف

1. La Wallonie

2. Drapeau Rouge

بلژیک و به زبانهای فرانسوی و هلندی چاپ و منتشر می‌شوند.

مجله فلیر^۱: که به هر دو زبان هلندی و فرانسوی چاپ می‌شود در واقع یک نشریه بانوان می‌باشد که تیراژ آن در داخل بلژیک در سال ۹۲ قریب ۲۳۹۸۵۸ نسخه بوده است. دفتر مرکزی این نشریه در آنتورپ می‌باشد.

مجله هومو^۲: این نشریه که به صورت هفتگی منتشر می‌شود بعنوان راهنمای برنامه‌های رادیو و تلویزیون استفاده می‌شود. این نشریه که در بروکسل چاپ می‌شود به زبان هلندی است و تیراژ آن در سال ۹۲ قریب ۲۶۴۴۴۱ نسخه بوده است.

مجله کرک ان لون^۳: این نشریه در سال ۱۹۴۲ تاسیس یافته در بندر آنتورپ چاپ می‌شود. تیراژ این نشریه که گرایشهای مذهبی دارد در سال ۹۲ قریب ۸۰۰ هزار نسخه بوده است. **مجله دی بوند^۴**: این نشریه در سال ۱۹۲۱ تاسیس یافته اغلب مطالب عام پسند منتشر می‌کند. تیراژ آن در سال ۹۲ قریب ۳۳۹۳۷۰ نسخه بوده و دفتر مرکزی آن در بروکسل است.

خبرگزاریهای داخلی و خارجی

در بلژیک سه خبرگزاری داخلی فعالیت می‌کنند.

آژانس بلگا^۵: مرکز آن در بروکسل واقع شده در سال ۱۹۲۰ تاسیس یافته مالکیت آن عمدتاً با روزنامه‌هاست.

آژانس یوروپ^۶: مرکز آن نیز در بروکسل واقع شده و عمدتاً پیرامون اخبار و تحولات اتحادیه اروپا متمرکز است. این آژانس در سال ۱۹۵۲ تاسیس یافته است.

آژانس مرکز اطلاعات و مطبوعات^۷ (CIP): مرکزیت این آژانس نیز در بروکسل بوده در سال ۱۹۴۶ تاسیس یافته است.

1. Flair

2. Humo

3. Kerk En Leven

4. Debond

5. Agence Belga

6. Agence Europe

7. Centre D'information De presse

علاوه بر خرگزاریه‌های داخلی در بلژیک خبرگزاریه‌های خارجی متعددی نماینده دائمی دارند. خبرگزاریه‌های فرانس پرس، آژانس ای - اف - ای (اسپانیا)، آژانس آنسا^۱ (ایتالیا)، آژانس آ - ان - پی (هلند)، آژانس آ - دی - ان (آلمان)، آسوشیتد پرس (امریکا)، سی - ان - آ (تایوان)، اچ - تی - کی (جمهوری چک)، دی - پی - آ (آلمان)، آی - پی - اس (ایتالیا)، فیجی پرس و کیودو (ژاپن)، ام - تی - آی (مجارستان)، رویتر (انگلستان)، نووستی (روسیه)، یو - پی - آی (امریکا) و شینگ هووا (چین) در بلژیک نمایندگان دائمی مستقر نموده‌اند.

رادیو و تلویزیون

ادعا می‌شود پخش رادیویی اولین بار در بلژیک صورت گرفته یعنی در اوایل سال ۱۹۱۳ یک فرستنده رادیویی مستقر در پارک سلطنتی لایکن^۲ به طور هفتگی موزیک پخش می‌کرده است. رادیو بلژیک در سال ۱۹۲۳ تاسیس شده و تا اوایل سال ۱۹۲۶ به صورت یک سخنگو مبادرت به پخش اخبار می‌نمود.

رادیو تلویزیون دولتی بلژیک که توسط ۱۰ نفر اداره می‌شود (۸ نفر آنان از اعضای پارلمان) هستند توسط بودجه‌ای که از طریق مالیات‌های واصله از مشترکین تامین می‌شود تغذیه می‌گردد. رادیو تلویزیون دولتی بلژیک به صورتی مستقل و مجزا برای هر سه جامعه فرانسه زبان (RTB) هلندی زبان (BRT) و آلمان زبان برنامه پخش می‌کند. برخلاف همسایگان بلژیک پخش آگهی‌های تجارتي از رادیو و تلویزیون این کشور ممنوع است. سیستم رنگی در اوایل دهه ۱۹۷۰ وارد این کشور شد و از نظر تنوع برنامه‌ها بلژیک قادر به رقابت با سایر کشورهای پیشرفته اروپایی نمی‌باشد.

در بلژیک تلویزیون کابلی و شبکه‌های تجاری و خصوصی نیز فعالیت می‌کنند. لذا در بلژیک تعداد زیادی کانالهای رادیویی خصوصی فعالیت می‌کنند. در این زمینه علاوه بر ۳ کانال رادیویی AM، ۳۹ کانال رادیویی FM نیز فعالیت می‌کنند. در زمینه پخش تلویزیونی نیز علاوه بر

1. Ansa

2. Laeken

شبکه‌های خصوصی، کانالهای تلویزیونی سایر کشورهای اروپایی نیز به صورت مستقیم و یا با اشتراک کابل قابل دریافت است. اولین کانال خصوصی بلژیک تحت عنوان کانال پلاس بلژیک در سال ۱۹۸۹ آغاز به کار نمود. ۴۲ درصد سرمایه این کانال خصوصی توسط کانال پلاس فرانسه و ۲۵ درصد سرمایه آن توسط رادیو تلویزیون فرانسه زبان دولتی بلژیک تامین شده است. این کانال خصوصی در بلژیک و منطقه والنیا پخش می‌شود.

دو کانال خصوصی دیگر یعنی TVI (فرانسه زبان) و VTM (هلندی زبان) نیز به عنوان ایستگاههای تلویزیونی تجاری در بلژیک فعالیت می‌کنند. بدین ترتیب در مجموع با استفاده از ۵ خط کابل زیر دریایی و ۲ ایستگاه ماهواره‌های اینتل سات^۱ و ای - یو - تل سات^۲، ۳۲ کانال تلویزیونی در بلژیک پخش می‌شود.

در سال ۱۹۹۰ در بلژیک ۴ میلیون و ۴۵۰ هزار گیرنده تلویزیونی و ۷ میلیون و ۶۶۰ هزار گیرنده رادیویی مورد استفاده بوده است. به عبارتی میان هر ۳/۲ نفر از جمعیت بلژیک یک دستگاه تلویزیون و هر ۲/۲ نفر از جمعیت این کشور یک رادیو توزیع شده است. یکی از مشکلات اساسی مطبوعات بلژیک مسایل مربوط به تامین بودجه است و برای این که آزادی مطبوعات تامین گردد باید به آنها کمک شود. دولت بلژیک براساس قوانین کشور به دو طریق به مطبوعات کمک می‌کند:

- کمکهای غیرمستقیم شامل تخفیف هزینه‌های پستی تلفن تلگراف کاغذ و ...

- کمکهای مستقیم که تنها شامل روزنامه‌ها می‌شود.

در این رابطه طبق قانون مصوب ۱۹۷۴ کمکهایی تحت عنوان کمکهای جبرانی در اختیار روزنامه‌ها قرار می‌گیرد. از سوی دیگر براساس قانون مصوب ۱۹۷۹ هر روزنامه‌ای که در اصلاح وضعیت اقتصادی خود تلاش نماید از کمکی تحت عنوان کمک انتخابی دولت برخوردار می‌شود. اعطای این کمک دارای ضوابطی نظیر تعداد خبرنگاران حجم مقالات و حجم آگهی‌های تجاری می‌باشد. می‌توان گفت با وجود این که مطبوعات در بلژیک وابسته به

1. Intel Sat

2. Eu Tel Sat

بخش خصوصی و مستقل می‌باشند هیچ‌کدام دولتی نیستند لکن هریک از آنها برای برخورداری از کمکهای دولت سعی می‌کنند خود را به دولت متمایل نشان بدهند. در مورد مطبوعات بلژیک بطور کلی می‌توان گفت در مطبوعات مناطق مختلف این کشور یک حالت گرایش فدراتیو قابل تشخیص است.

بلژیک از جمله کشورهای اروپایی است که مرحله اصلی توسعه صنعتی را به کمک امکانات داخلی خود نظیر سنگ آهن و ذغال سنگ از اوایل قرن ۱۹ آغاز نمود. البته در قرون وسطی نیز در شهرهای ناحیه فلاندرز امروزی صنایع نساجی فعالی وجود داشتند. در قرن دوازدهم نیز در دره رودخانه موز و به ویژه در حوالی شهر لیژ با استفاده از سنگ آهن و ذغال سنگ جنگلهای آردن و نیروی آب، صنایع فلزی مشغول به کار بودند.

در قرن ۱۶ معادن ذغال سنگ دره موز مورد بهره‌برداری قرار گرفته و صنعت ذوب آهن توسعه یافت. در این سالها صنایع دیگری نظیر چاپ، تراش الماس و شیشه‌سازی در این کشور فعال بودند. در این سالها که مقارن با حاکمیت حکام اسپانیا بر بلژیک بود، در اثر جنگ و آزار و اذیت وارده به مردم و بسیاری از کارگران ماهر صنعتی اقدام به مهاجرت نمودند.

در قرن ۱۸ هنگامی که اتریش بر بلژیک حاکم شد پیشرفتهای اقتصادی زیادی در کشور صورت گرفت به طوری که تجار پارچه و علی‌الخصوص پارچه‌های توری فعالیت خود را گسترش دادند. در روشهای استخراج از معادن نیز پیشرفتهایی بوجود آمد. در دوران اشغال فرانسویها (۱۸۱۴-۱۷۹۲) نیز پیشرفتهای صنعتی قابل توجهی بوجود آمده و پس از اتحاد بلژیک با هلند علاوه بر ورود مواد خام از مستعمرات هلند به بلژیک بازارهای صادراتی هلند نیز به روی این کشور گشوده شد. البته پس از استقلال بلژیک در ۱۸۳۱ و بلحاظ از دست رفتن

بازارهای ماوراء بحار اقتصاد دوچار مشکل شد. آغاز دوره تجارت آزاد که تقریباً مصادف با استقلال بلژیک بود کمک موثری به پیشرفت سریع اقتصادی این کشور نمود. بطوری که بلژیک رفته رفته به صورت یکی از رقبای عمده انگلستان درآمد.

طی جنگ اول جهانی، با از بین رفتن بخش عمده‌ای از ظرفیت صنعتی کشور هشتصد هزار نفر بیکار شده و حدود ۲/۴ میلیون نفر با یک سوم جمعیت کشور به کمکهای دولتی وابسته گردیدند. هزینه‌های بازسازی مناطق تخریب شده بیش از ۳۵ میلیارد فرانک برآورد شده بود. از سوی دیگر بدهی دولت که قبل از جنگ ۴ میلیارد فرانک بود در سال ۱۹۱۹ به ۲۲ میلیارد فرانک و در ۱۹۲۱ به ۳۰ میلیارد فرانک رسید. غرامتهایی که بلژیک از آلمان دریافت نمود و همچنین کمکهای قدرتهای بزرگ آن زمان بویژه انگلستان و امریکا سبب بهبود نسبتاً سریع شرایط اقتصادی و نیز بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ گردید. جنگ جهانی دوم و اشغال مجدد بلژیک توسط آلمانها دومین ضربه بزرگی بود که طی قرن اخیر بر اقتصاد این کشور وارد آمد. پس از خاتمه جنگ اقتصاد کشور در سایه صنایع ذوب فلزات و صنایع شیمیایی و ضمن بهره بردن از منابع معدنی غنی و مواد خام وارداتی و ارزان از کنگومستعمره سابق بلژیک و همچنین با تکیه به اتحادیه بنلوکس که با مشارکت هلند و لوکزامبورگ شکل گرفته بود مجدداً بازسازی شده روند رشد و توسعه کشور مجدداً آغاز شد.

ویژگیهای سیستم اقتصادی

سیستم اقتصادی بلژیک بر نظام اقتصادی باز^۱ مبتنی می‌باشد که در آن تعدادی از شرکتهای بزرگ نقش اصلی را در تمامی بخشهای صنعتی تجاری و مالی ایفاء می‌کنند. دولت نیز در اقتصاد بلژیک نقش قابل توجهی دارد و علاوه بر مدیریت نظام تامین اجتماعی کشور شبکه راه آهن رادیو و تلویزیون، خطوط هوایمایی قسمت اعظم شبکه جاده‌ای کشور، پست و نظایر اینها را تحت کنترل خود دارد. البته و اختیارات دولت در امور اقتصادی کشور به سه اجتماع

1. Market Economy

زبانی (فرانسه، فلامان، آلمانی) و نیز سه منطقه والونی، فلاندرز و بروکسل تفویض شده و در واقع این دولتهای محلی هستند که نقش دولت را در امور اقتصادی ایفا می‌کنند. تجربه دوران دو جنگ جهانی بلژیک و علم به آسیب پذیری امنیت ملی از جانب همسایگان، این کشور پس از خاتمه جنگ به همکاری گسترده اقتصادی و تجاری در قالب اتحادیه‌های مختلف وادار نمود. تا بدین ترتیب هم بازارهای مطمئنی برای محصولات صادراتی خود فراهم آورد و هم به لحاظ وجود روابط اقتصادی و تجاری مستحکم امنیت ملی کشور حفظ شود. تاسیس اتحادیه اقتصادی بنلوکس میان بلژیک هلند و لوکزامبورگ در ۵ سپتامبر ۱۹۴۴ (زمانی که جنگ هنوز خاتمه نیافته بود) در همین رابطه توجیه می‌شود. بلژیک علاوه بر بنلوکس در اتحادیه‌های منطقه‌ای متعددی عضویت دارد که یکی از مهمترین آنها عضویت در اتحادیه اروپاست که این کشور بعنوان یکی از مؤسسين اتحادیه نقش فعالی در آن ایفا می‌کند. در چارچوب سیستمهای اقتصادی آزاد اروپا اقتصاد بلژیک بشدت به بازرگانی خارجی وابسته است. امروز بنلوکس پس از امریکا، ژاپن و آلمان چهارمین قدرت بازرگانی جهان محسوب می‌گردد.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ سیاست اقتصادی دولت بلژیک عمدتاً بر کاهش کسری بودجه و نیز بهبود تراز پرداختها معطوف شده است. ابزاری که دولت جهت اجرای سیاست فوق برگزیده بود برنامه‌های ریاضت طلبانه‌ای بود که طی آن منافع اقتصادی به منظور احیاء سودآوری شرکتهای تولیدی و سرمایه‌گذاریهای جدید در زمینه تکنولوژیهای پیشرفته به صنایع بخش خصوصی منتقل گردید اثرات جانبی و کوتاه مدت این سیاست افزایش بیکاری و کاهش دستمزدهای واقعی بود. اعمال سیاستهایی چون محدود ساختن افزایش دستمزدها برای کاهش هزینه تولید، سرمایه‌گذاری سنگین در صنایع کشور (بخصوص صنایعی که موجب تقویت مزیت‌های رقابتی بلژیک را فراهم آورند) و کاهش ارزش فرانک بلژیک در فوریه ۱۹۸۲، همگی باعث افزایش شدید صادرات و نهایتاً تبدیل کسری تراز حساب جاری به مازاد در سال ۱۹۸۵ گردید. علی‌رغم اصلاحات مذکور کسری بودجه سنگین دولت همچنان باقی است. کسری بودجه دولت بلژیک در سال ۹۴ بالغ بر ۵/۴ درصد تولید ناخالص داخلی بوده که البته به طور قابل توجهی نسبت به

سال ۱۹۸۲ (۱۲/۸) درصد تولید ناخالص داخلی) پایین تر است. در سال ۹۴ میانگین کسری بودجه نزد کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۵/۶ درصد بوده است. کاهش کسری بودجه در بلژیک زمانی میسر خواهد شد که دولت کنترل دقیقی بر کلیه مخارج خود در تمامی سطوح بخش عمومی از جمله تامین اجتماعی و دولتهای محلی داشته باشد.

ویژگی عمده کشاورزی بلژیک وجود مزارع کم وسعت و کشت فشرده بر روی این مزارع است. در سال ۱۹۸۷ بیش از ۷۰ درصد مزارع این کشور کمتر از ۲۰ هکتار وسعت داشته است. لذا کشت مکانیزه در این کشور بسختی صورت می گیرد. محصولات دامی بلژیک نیز با توجه به مراتع بزرگ و وسیعی که در این کشور وجود دارد از رشد قابل توجهی برخوردار است تولید شیر در سال ۱۹۹۱ در بلژیک بالغ بر ۳/۵ میلیون تن، تولید گوشت گاو و گوساله ۳۷۳ هزارتن، تولید گوشت خوک ۹۰۸ هزارتن، تولید کره ۷۷ هزارتن، تولید پنیر ۶۴ هزارتن و تولید تخم مرغ ۲۰۰ هزارتن بوده است. آمار دام این کشور در سال ۱۹۹۱ شامل ۶/۵ میلیون راس خوک، ۱۲۹ هزار راس گوسفند، ۲۵ میلیون مرغ و ۳/۱ میلیون راس گاو می شود. همچنین در این کشور در سال ۱۹۹۱، ۲۷/۹ هزار تن از انواع ماهی نیز صید شده است.

بخشی از ضعف کشاورزی معلول اختلافات اداری و قومی بلژیک است که نظیر هر موضوع دیگری به فعالیتهای مناطق والونی و فلاندر بستگی دارد. والونها مدعی هستند که جنوب کشور سالهاست تحت استعمار و استثمار اتحادیه کشاورزان منطقه فلاندر می باشد. نمایندگان منطقه والون در فوریه ۱۹۹۰ در بحث پیرامون اختلافات نهادی بلژیک بر روی این موضوع انگشت گذاشتند. براساس آمار ارائه شده توسط دو تن از نمایندگان یعنی روبرت کولیتون از حزب سوسیالیست فرانسه زبان و برنارد آنسلم رئیس دولت منطقه والونی، ۶۰ درصد غلات بلژیک در منطقه والون تولید می شود. این منطقه همچنین ۴۰ درصد از خوراک دام، ۵۰ درصد گوشت گاو و گوساله و ۴۵ درصد شیر تولیدی بلژیک را تأمین می کند. حال آنکه ۷۵ درصد صنایع تبدیل شیر و لبنیات در فلاندر قرار دارد و همین امر موجب گشته که با وجود آنکه منطقه والونی بیش از نصف مساحت کشور و مناطق تحت کشت محصولات زراعی را خود دارد

کمتر از ۲۵ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی را استفاده می‌کند و این عمدتاً بخاطر آن است که میزان سرمایه‌گذارها بیشتر در منطقه فلاندر بلژیک صورت می‌گیرد. در سال ۱۹۸۸ سوئیس‌های کشاورزی اعطا شده از سوی بلژیک و اتحادیه اروپا به منطقه والونی بین ۱۴ تا ۲۵ درصد این سوئیس‌ها بوده است و مابقی آن به منطقه فلاندر داده شده است. برغم اختلافات اداری و قومی مذکور سیاست کشاورزی دولت بلژیک مبتنی بر تقویت موقعیتهای رقابتی شرکتهای کشاورزی است و به همین دلیل درآمد کشاورزان در بلژیک در سالهای اخیر رشد قابل توجهی داشته است.

با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از اراضی بلژیک را جنگلهای بلوط و کاج تشکیل می‌دهند این جنگلها منبع اصلی تامین مواد اولیه صنایع کاغذ و مقواسبازی بلژیک محسوب می‌شوند. لذا بلژیک در این زمینه از لحاظ کارایی و قدرت تولید رتبه ۱۵ جهان را در اختیار دارد. تولید کاغذ و مقوای بلژیک در سال ۱۹۹۲ به ۱/۱۸۶ میلیون تن رسید که در مقایسه با تولید کاغذ و مقوای این کشور در سال ۱۹۷۰، ۲۲ درصد افزایش نشان می‌دهد.

انرژی: از آنجا که بلژیک از لحاظ منابع انرژی بسیار فقیر می‌باشد لذا این کشور یک وارد کننده نفت محسوب می‌شود. ذغال سنگ نیز که قبلاً بصورتی محدود از معادن کشور استخراج می‌شد در حال حاضر استخراج آن کاهش عمده یافته لذا توان پاسخگویی به نیاز بلژیک به انرژی را ندارد. در اوائل دهه ۱۹۸۰ نیروی اتمی بعنوان عمده‌ترین منابع تأمین انرژی داخلی جایگزین ذغال سنگ شد. در حال حاضر ۶۰ درصد الکتریسیته کشور توسط نیروگاههای اتمی تولید می‌شود. در سال ۹۲ در این کشور ۶۹/۴ میلیارد کیلووات ساعت انرژی الکتریسیته تولید شده است. مصرف سرانه انرژی در بلژیک معادل انرژی استحصالی از ۵/۶ تن نفت برآورد می‌گردد و بلژیک از این لحاظ در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا بالاترین مصرف سرانه را دارد. در سال ۱۹۹۱ مصرف نفت خام بلژیک معادل ۵۳۰ هزار بشکه در روز بوده و میزان واردات نفت خام بلژیک در سال ۱۹۹۲ معادل ۳۲۵۴۴ هزار متریک تن بود. تامین کنندگان عمده نفت خام بلژیک بترتیب عبارت از جمهوری اسلامی ایران، نروژ، عربستان و شوروی

سابق بوده است. در همین سال بلژیک ۱۲۸۴۶ هزار متریک تن فرآورده‌های نفتی خریداری نموده است. میزان تولید فرآورده‌های نفتی بلژیک در همین سال ۳۲۲۶۹ هزار متریک تن بوده است. بلژیک در سال ۹۲ معادل ۲۸۲۶ هزار متریک تن نیز بعنوان صادرات مجدد نفت خام داشته که دریافت کنندگان عمده نفت خام و فرآورده‌های نفتی بلژیک آلمان، فرانسه، انگلیس، امریکا و هلند بوده است. بلژیک در سال ۹۲ با چهار پالایشگاه فعال خود در بندر آنتورپ ظرفیت پالایشی معادل ۶۰۲ هزار بشکه داشته است. شرکت نفتی «پترو فینا. اس. آ» در سال ۱۹۲۰ تاسیس یافته این شرکت در کلیه زمینه‌های صنعت نفت فعال است. در پایان سال ۱۹۸۸ ظرفیت حمل و نقل دریایی تانکرهای نفتکش مجموع شرکتهای بلژیکی ۱/۵ میلیون تن بود که ۲۸۵ هزار تن آن به شرکت پتروفینا تعلق داشته است.

واردات نفت خام بلژیک از کشورهای مختلف طی سالهای ۹۲-۱۹۹۰

(ارقام به متریک تن)

نام کشور	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲
جمهوری اسلامی ایران	۷۸۵۳	۷۷۶۰	۷۸۷۰
نروژ	۴۸۸۸	۷۱۵۲	۷۶۰۰
عربستان	۱۸۰۵	۴۵۶۷	۵۰۲۲
عراق	۱۴۴۰
انگلیس	۱۷۱۸	۱۶۰۲	۱۷۴۴
هلند	۱۲۸۷	۱۶۵۱	۱۷۶۱
شوروی سابق	۴۶۵۳	۳۳۹۵	۲۲۳۴
سایر کشورها	۵۳۵۴	۶۳۳۷	۶۳۱۳
جمع کل	۲۸۹۹۸	۳۲۴۶۴	۳۲۵۴۴

در بلژیک قریب ۱۱۶۷ کیلومتر لوله برای انتقال فرآورده‌های نفتی، ۱۶۱ کیلومتر برای

نفت خام و ۳۳۰۰ کیلومتر لوله برای انتقال گاز طبیعی احداث شده است. خط لوله گاز، کار انتقال گاز را از گرونینگن^۱ هلند به عهده داشته پس از ورود به بلژیک به شعبات مختلفی تقسیم می‌شود. این خط لوله پس از بلژیک وارد خاک فرانسه می‌شود. همچنین بخشی از گاز مصرفی بلژیک توسط کشتیهای مخصوص از الجزایر به بندرزی بروژ^۲ در سواحل دریای شمال منتقل و سپس وارد شبکه لوله کشی گاز این کشور می‌شود. نفت خام وارداتی بلژیک نیز از دو طریق یعنی از خط لوله نفتی روتردام-آنتورپ و همچنین تاسیسات نفتی بندرزی بروژ و خطوط لوله نفتی آن به پالایشگاههای داخل کشور منتقل می‌شود.

میزان مصرف انرژیهای اولیه در سال ۱۹۹۱

(ارقام به صورت انرژی معادل یک میلیون تن نفت خام می‌باشد)

نوع انرژی در سال ۱۹۹۱	میزان مصرف	درصد
نفت خام	۲۵/۹	۴۶
گاز طبیعی	۸/۶	۱۵/۳
ذغال سنگ	۱۰/۹	۱۹/۴
انرژی اتمی	۱۰/۴	۱۸/۵
هیدرو الکتریک	۰/۵	۰/۹
کل انرژی مصرفی	۵۶/۳	۱۰۰

در بلژیک ۷ رآکتور اتمی فعال وجود دارد. این رآکتورها در سه منطقه دوئل^۳، تی هانگه^۴ و چوز^۵ متمرکز می‌باشند.

صنایع: بعد از بخش خدمات که بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی بلژیک دارد بخش صنایع در سال ۱۹۹۱ با تولید ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی بلژیک دومین بخش اقتصادی کشور بوده است. بخش صنعت در همین سال ۱/۲ درصد رشد داشته است. ۲۹/۵

1. Groningen
3. Doel
5. Chooz

2. Zee Brugge
4. Tihange

درصد ارزش افزوده بخش صنایع به صنایع فلزکاری، ۷/۴ درصد به تولید آهن فولاد و فلزات غیر آهنی، ۱۲/۵ درصد به صنایع شیمیایی، ۵/۷ درصد به منسوجات لباس و کفش، ۱۴/۳ درصد به صنایع غذایی نوشابه و دخانیات و ۳۰/۶ درصد بقیه مربوط به برق و گاز و آب بوده است. نیروی کار شاغل در بخش صنعت در سال ۱۹۹۰، ۷۸۲ هزار نفر یعنی ۲۰/۵ درصد از کل نیروی فعال کشور بوده است.

تولید فولاد بلژیک در سال ۱۹۹۰، ۱۱/۶ میلیون تن بوده است. صنایع فلزات غیر آهنی بلژیک عمدتاً برترتیب شامل فلزات روی، مس و سرب می‌شود. کارخانجات تصفیه روی بلژیک که به واردات کنسانتره روی از کنگو وابسته است در نواحی لیژ و کمپن لند واقع شده‌اند. صنایع سنگین بلژیک شامل ساخت وسایط نقلیه موتوری، ماشین آلات برقی و ماشین ابزار از نظر رقابت بین‌المللی در سطح مطلوبی واقع شده در سال ۱۹۹۲ بلژیک ۱/۰۹ میلیون اتومبیل و ۷۰ هزار کامیون تولید نموده تکنولوژی پیشرفته نیز از دهه ۱۹۸۰ رشد سریع خود را آغاز کرده است. صنایع شیمیایی بلژیک در اوایل قرن حاضر به تولید اسید سولفوریک و سولفات آمونیوم که محصولات فرعی کوره‌های کک هستند منحصر بود. امروزه در این زمینه از تولید اسیدها و نمکها (بوئزه سولفات مس) گرفته تا محصولات سبک شیمیایی مثل داروها، صابونها، رنگها، کودشیمیایی و لاستیک در این بخش صنایع بلژیک تولید می‌شود.

صنایع نساجی بلژیک نیز که قدمت آنها تا قرون وسطی می‌رسد امروزه در سطح وسیعی فعال می‌باشند. از صنایع دیگر بلژیک که از اهمیت قابل توجهی برخوردارند می‌توان به صنایعی چون صنعت چوب و کاغذ، چاپ، کارهای چرمی، شیشه سازی، مبلان و تراش الماس (در این مورد بلژیک شهرت جهانی دارد) اشاره نمود.

اوضاع مالی و شاخصهای اقتصادی

بانک ملی بلژیک (NBB) که ۵۰ درصد سهام آن دولتی می‌باشد در واقع نقش بانک مرکزی این کشور را ایفاء می‌کند. متعاقب قانون مصوب ۲۳ دسامبر ۱۹۸۸ نقش این بانک

مجدداً تعریف گردید که براین اساس تعریف فرانک بلژیک برحسب طلا کلاً لغو شد. اساساً از اوایل دهه جاری سیاستهای بانک ملی با هدف حفظ یک نرخ برابری ثابت میان فرانک بلژیک با مارک آلمان دنبال می‌شود. بازسازی بازارهای مالی کشور از ابتدای سال ۱۹۹۱ سبب شد که ابزارهای سیاستهای پولی در هماهنگی بیشتری با سایر اعضای اتحادیه اروپا عمل نمایند. بانک ملی بلژیک سیاستهای خود را عمدتاً از طریق مناقصه‌های بازار پول و عملیات بازار باز (یعنی خرید و فروش اوراق بهادار) به مرحله عمل درمی‌آورد. طبق سیاستهای ناشی از تجدید ساختار بازار مالی کشور، دولت بلژیک در استقراض از بانک مرکزی کاملاً محدود است. و بدین ترتیب دولت ناگزیر به کاهش کسری بودجه و میزان بدهی خود هدایت می‌شود. بزرگترین بانکهای تجاری بلژیک، بانک جنرال، بانک لامبرت بروکسل و بانک اعتبارات هستند که قانوناً قادر به سرمایه‌گذاری مستقیم نمی‌باشند لکن این بانکها از طریق ارتباطات پیچیده و مشارکت در سهام شرکتهای عمده صنعتی و مالی اقدام به این امر می‌نمایند. تعدادی از بانکهای خارجی نیز در بلژیک فعالیت دارند. مهمترین بانکهای خارجی شامل؛ کردیت لیونه^۱، سانوابانک^۲، سومیتو^۳، میتسوبیشی و پاریباس^۴ می‌شود.

پیوستگی فرانک بلژیک با مارک آلمان موجبات اطمینان نسبت به فرانک بلژیک و تقویت آن را فراهم آورد. بعلاوه نرخ بهره نیز در بلژیک به نرخ بهره آلمان نزدیکتر شد. نهایتاً اینکه اجرای سیاست مذکور موقعیت فرانک بلژیک را در سیستم پولی اروپا بطور اصولی ارتقاء داد.

واحد پول بلژیک فرانک است که ارزش آن از زمان تاسیس بانک ملی این کشور در سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۸ براساس سیستم استاندارد طلا تعیین می‌گردید. دراین دوره ارزش هر فرانک بلژیک معادل ۰/۲۹۰۳۲۲۳۸ گرم طلا بود. پس از ۱۹۱۸ فرانک بلژیک براساس لییره استرلینگ و طلا ارزیابی می‌شد. امروزه فرانک بلژیک از جمله ارزهای اروپایی و جزو سیستم پولی اروپا

1. Credit Lyonnais

2. Sanwa Bank

3. Sumitomo

4. Paribas

(EMS) می‌باشد و نرخ برابری آن براساس مکانیزم نرخ ارز (ERM) تعیین می‌گردد. در بلژیک هیچ کنترل ارزی وجود ندارد. ارزش برابری فرانک بلژیک که معادل فرانک لوکزامبورگ می‌باشد در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۳ در برابر دلار آمریکا و پوند استرلینگ عبارت بود از:

$$\text{یک دلار آمریکا} = ۳۵/۳۰ \text{ فرانک بلژیک}$$

$$\text{یک لیره استرلینگ} = ۵۲/۷۵ \text{ فرانک بلژیک}$$

تولید ناخالص داخلی (GDP) بلژیک در سال ۱۹۹۱ معادل ۶۸۰۰ میلیارد فرانک بوده است (۱۹۲ میلیارد دلار). تولید ناخالص ملی (GNP) نیز در همین سال معادل ۲۰۰/۷ میلیارد دلار بوده است. درآمد سرانه (GNP/CAPITA) در بلژیک در سال ۱۹۹۰ معادل ۱۹۷۹۷/۲ دلار بوده است. این کشور از لحاظ درآمد سرانه در میان سایر اعضای اتحادیه اروپا در سطح بالایی قرار دارد. در سال ۱۹۹۱ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بلژیک قریب ۱/۴ درصد بوده است. بودجه دولت در سال ۱۹۹۲ معادل ۱۹۸۱ میلیارد فرانک (۵۶ میلیارد دلار) بوده میزان ذخایر طلای بلژیک در ۳۱ دسامبر ۹۲ معادل ۸/۳ میلیارد دلار (۳۰/۲۳ میلیون تروی اونس، یعنی معادل ۹۴۰ هزار و ۱۵۳ کیلوگرم) و کل ذخایر ارزی این کشور ۲۲ میلیارد دلار بوده است. دولت بلژیک در سال ۱۹۹۱ با دارا بودن ۷۲۲۵ میلیارد فرانک (۲۱۶/۳ میلیارد دلار) بدهی داخلی و خارجی که حدود ۱۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور می‌شود مقروض‌ترین عضو اتحادیه اروپا بوده است. نرخ تورم بلژیک در سال ۱۹۹۱، ۳/۲ درصد برآورد شده نرخ تورم بلژیک بطور سنتی از متوسط نرخ تورم در اتحادیه اروپا کمتر است تعداد بیکاران در بلژیک در سال ۱۹۹۰ معادل ۳۶۴ هزار نفر، تقریباً ۸/۷ درصد از کل نیروی کار کشور بوده است. نیروی کار بلژیک یعنی افراد بالای ۱۵ سال در همین تاریخ معادل ۴/۱۷ میلیون نفر بوده است. در سال ۹۰ قریب ۵۰ هزار بلژیکی در خارج از کشور مشغول به کار بوده‌اند. نرخ بیکاری در بلژیک تقریباً با معدل نرخ بیکاری اتحادیه اروپا برابر است. طبق قانون کار بلژیک، ساعات کار بلژیک، در هفته ۳۸ ساعت بوده و اشتغال افراد نیز ۵ روز در هفته می‌باشد.

حمل و نقل و ارتباطات

بلژیک دارای بنادر مهمی است که عمده‌ترین آنها بندر آنتورپ، بروژ، گنت، اوستند، وزی بروژ می‌باشند. رودخانه‌های پرآب بلژیک تسهیلات ویژه‌ای جهت حمل و نقل کالا در آبهای داخلی این کشور فراهم آورده است و برای مثال بندر گنت در استان فلاندر شرقی تنها از طریق رودخانه اسکو به دریای آزاد راه می‌یابد و این استان هیچ ارتباطی با آبهای دریایی ندارد. بدین ترتیب این بندر یکی از مهمترین بنادر بلژیک محسوب می‌شود. ظرفیت حمل و نقل دریایی بلژیک در دریای آزاد در سال ۱۹۹۲ معادل ۵۸ میلیون تن و در راههای آبی داخلی ۴۲/۷ میلیون تن بوده است. از آنجا که بندر آنتورپ مهمترین بندر بلژیک پس از عبور از داخل هلند به آبهای آزاد دسترسی دارد دولت طرحهای گسترده‌ای برای توسعه بنادر کشور در سواحل دریای شمال و از جمله بندرزی بروژ در دست اجراء دارد. با این وجود در حال حاضر بندر آنتورپ که ۸۰ درصد تجارت خارجی بلژیک از طریق آن انجام می‌شود، از نظر ترافیک دریایی سومین بندر بزرگ جهان و دومین بندر اروپا به شمار می‌رود. این بندر از نظر ظرفیت انبارها نیز بزرگترین بندر اروپا می‌باشد. تا پایان سال ۱۹۹۶ بندر آنتورپ با ۱۲ شبکه راه آهن بین‌المللی بزرگترین بندر اروپا از نظر ظرفیت خطوط راه آهن خواهد بود. همچنین بندر آنتورپ با جابجایی ۱/۶ میلیون تن میوه در سال ۹۲ یکی از فعالترین بنادر اروپا در این زمینه شناخته شده است. در حمل و نقل دریایی بلژیک ۲۳ فروند کشتی با ظرفیت مجموعاً ۶۳ میلیون تن، ده فروند ناوچه، ۴ فروند کشتی نفتکش، یک کشتی مخصوص حمل گاز، پنج فروند کشتی مخصوص حمل مواد شیمیایی، یک فروند کشتی فله بر^۱ و ۲ فروند کشتی سردخانه‌ای^۲ فعالیت می‌کنند.

راه آهن ملی بلژیک^۳ با ۳۶۶۷ کیلومتر خط آهن با استاندارد ۱/۴۳۵ متر فاصله دوخط، ۲۵۶۳ کیلومتر خط دوبله، ۱۹۷۸ کیلومتر خط برقی و ۱۹۱ کیلومتر خطوط با استاندارد یک متر فاصله دو خط، تحت مدیریت دولت می‌باشد. در این کشور در هریک کیلومتر مربع ۱۷۰

1. Bulk

2. Refrigerated Cargo

3. Belgian National Railways

متر خط آهن کشیده شده در سال ۱۹۹۲ قریب ۶ میلیون و ۷۹۸ هزار نفر مسافر و ۸ میلیون و ۷۴ هزارتن بار توسط راه آهن بلژیک حمل شده است. در حمل و نقل زمینی بلژیک مجموعاً ۱۰۳۳۹۶ کیلومتر جاده کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد و اقصی نقاط کشور دارای جاده می‌باشند. از این رقم حدود ۱۳۱۷ کیلومتر بصورت بزرگراه ۱۱۷۱۷ کیلومتر بصورت اتوبان، ۱۳۶۲ کیلومتر جاده ایالتی ۳۸ هزار کیلومتر جاده شوسه و ۵۱ هزار کیلومتر جاده خاکی می‌باشد. در بلژیک در سال ۱۹۹۲ مجموعاً ۴/۱ میلیون اتومبیل خصوصی، ۱۴/۸ هزار اتوبوس، ۳۷۵ هزار وسیله نقلیه باری کوچک و ۳۷/۹ هزار تریلر وظیفه حمل و نقل زمینی در کشور را به عهده داشته‌اند.

در زمینه حمل و نقل هوایی در بلژیک ۴۲ فرودگاه فعال که پیست پرواز ۲۴ مورد از آنها حدود ۳۶۵۹ متر و الباقی از ۱۲۲۰ الی ۲۴۴۰ متر می‌باشند. فرودگاه زاونتن^۱ در بروکسل با ظرفیت پذیرش سالانه ۶ میلیون مسافر و ۲۵۰ هزارتن بار در سال ۱۹۸۰ آغاز به کار نموده و در حال حاضر ۲۵۰۰ نفر پرسنل دارد. در بلژیک ۴۷ فروند هواپیماکار حمل و نقل مسافران و بار را برعهده داشته شرکت هواپیمایی سابنا^۲ مهمترین شرکت حمل و نقل هوایی بلژیک در حال حاضر به ۵۴ کشور جهان و بیش از ۸۰ شهر پرواز می‌کند این شرکت در ۲۳ مه ۱۹۲۳ تاسیس و در حال حاضر ۱۴ فروند هواپیما در تملک دارد. این شرکت می‌تواند سالانه تا ۲/۵ مسافر و ۱۰۰ هزارتن بار حمل کند.

در سیستم مخابراتی بلژیک پیشرفتهایی وجود دارد. در این کشور در سال ۱۹۹۰ قریب ۵۴۲۸۹۰۰ خط تلفن در حال فعالیت بوده و سرتاسر کشور تحت پوشش خدمات تلفن سیار (موبیل تلفن) بوده است. به عبارت دیگر توزیع تلفن در کشور به صورت یک دستگاه تلفن بین هر ۲/۱ نفر بوده است.

1. Zaventem

2. Sabena

بازرگانی خارجی و تراز پرداختها

دو کشور بلژیک و لوکزامبورگ به لحاظ عضویت در اتحادیه اقتصادی و گمرکی مشترک^۱ دارای نظام بازرگانی خارجی یکسانی می‌باشند، لذا تمامی آمار و اطلاعات مربوط به حسابهای تجاری جاری تراز پرداختها، حساب سرمایه این دو کشور به صورت مشترکی ارائه می‌شود. توسعه منطقه‌گرایی و یکپارچگی اقتصادی بلژیک با کشورهای فرانسه آلمان، ایتالیا، هلند و لوکزامبورگ در دوران پس از جنگ دوم جهانی در گسترش تجارت خارجی بلژیک بسیار موثر و تعیین کننده بوده بطوری که از آن تاریخ تا به امروز بیش از ۷۰ درصد مبادلات تجاری این کشور با اعضای اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد. بعلاوه بلژیک در میان کشورهای پیشرفته از جمله وابسته‌ترین ممالک به تجارت خارجی می‌باشد. در این کشور صادرات کالاها و خدمات بیش از ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. بلژیک از نقطه نظر ارزش صادرات مقام نهم جهانی را دارا بوده و ۳/۴ درصد کل صادرات جهانی در سال ۱۹۹۰ به این کشور اختصاص داشته است.

واردات در بلژیک بطور کلی آزاد است لکن واردات کالا از برخی از کشورها مثل آلبانی، بلغارستان، چین، چک و اسلواک، هنگ کنگ، مجارستان، ژاپن، کره شمالی، مغولستان، لهستان، رومانی و شوروی سابق و ویتنام نیاز به اخذ مجوز دارد. واردات کالاهایی چون منسوجات، فرآورده‌های فولادی، برخی فرآورده‌های کشاورزی و مواد غذایی، ذغال سنگ و فرآورده‌های نفت، الماس، طلای نیمه کار شده و تسلیحات نیز نیازمند اخذ مجوز است. صدور اکثر کالاها به کشورهای عضو اتحادیه اروپا آزاد است.

موازنه تجاری بلژیک در سال ۹۲ و به میلیون دلار آمریکا

۱۱۶۵۸۸	صادرات کالا
-۱۱۶۳۷۳	واردات کالا
۲۱۵	موازنه تجاری

1. Belgium-Luxembourg Economic Union

۴۰۶۹۰	صادرات خدمات
-۳۳۹۹۳	واردات خدمات
۸۵۹۸۸	سایر درآمدها
-۸۴۹۶۵	سایر هزینه‌ها
-۵۰۷	خالص انتقالات خصوصی
-۲۰۱۹	خالص انتقالات دولتی
۵۴۰۹	تراز حساب جاری
-۱۰۲	سرمایه‌گذاری مستقیم
-۲۹۷۴	سرمایه‌گذاری در سهام
-۳۰۶۳	سایر سرمایه‌گذاریها
۱۳۷۰	اشتباهات و از قلم افتادگیها
۶۴۰	موازنه کل

محصولات فلزی و ماشین آلات برقی و مکانیکی اقلام عمده وارداتی بلژیک و لوکزامبورگ را تشکیل می‌دهند. سهم این اقلام در کل واردات بلژیک در سال ۱۹۹۰ متجاوز از ۳۴ درصد بوده است. مواد معدنی (شامل سوخت) و فرآورده‌های شیمیایی دیگر اقلام عمده وارداتی این کشور را با سهمی حدود ۳۱ درصد کل واردات تشکیل می‌دهند. دیگر اقلام عمده وارداتی بلژیک شامل محصولات کشاورزی مواد غذایی و منسوجات می‌باشد که در مجموع سهمی معادل ۱۶ درصد کل واردات این کشور را دارا هستند.

ترکیبات صادرات بلژیک نیز تقریباً مشابه به ترکیب واردات این کشور است بطوری که محصولات فلزی و ماشین آلات با سهمی متجاوز از ۳۰ درصد در کل صادرات عمده‌ترین اقلام صادراتی این کشور را در سال ۱۹۹۰ تشکیل می‌داده‌اند. پس از آن مواد معدنی با سهمی حدود ۱۵/۷ درصد مواد شیمیایی با سهمی معادل ۱۵ درصد، مواد غذایی با سهمی حدود ۸ درصد و

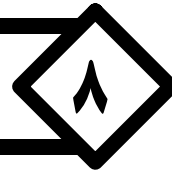
منسوجات با سهم بیش از ۶/۹ درصد دیگر اقلام صادراتی بلژیک را در سال فوق تشکیل می‌داده‌اند.

توزیع جغرافیایی تجارت خارجی بلژیک، به اتحادیه اروپا و بویژه سه کشور همجوار آن یعنی آلمان، هلند و فرانسه وابسته است. تراز تجاری بلژیک با دو کشور آلمان و هلند همواره منفی و با کشور فرانسه مثبت بوده است. امریکا و ژاپن بعد از اعضای اتحادیه اروپا بیشترین مبادلات تجاری را با بلژیک دارند. تراز تجاری بلژیک با ژاپن همواره منفی بوده است. کشورهای اروپای شرقی معمولاً تنها بین یک تا دو درصد تجارت خارجی بلژیک را به خود اختصاص می‌دهند. تراز تجاری بلژیک با کشورهای در حال توسعه نیز به لحاظ واردات نفت خام این کشور از اوپک همواره منفی بوده است.

واردات و صادرات بلژیک از کشورهای جهان در سال ۹۲ به میلیون فرانک

کشور	صادرات (فوب)	کشور	واردات (سیف)
اتریش	۵۲۴۸۲	اتریش	۲۸۷۱۲
کانادا	۱۱۸۱۰	کانادا	۱۸۴۱۴
دانمارک	۳۶۰۱۴	برزیل	۲۱۶۳۴
فرانسه	۷۶۴۰۱۸	فرانسه	۶۶۲۵۸۱
آلمان	۹۰۶۹۰۲	آلمان	۹۶۲۶۳۹
هند	۴۵۳۴۴	افریقای جنوبی و نامیبیا	۲۴۲۴۹
اسرائیل	۷۳۸۴۶	زئیر	۲۰۳۲۷
ایتالیا	۲۳۳۷۴۹	ایتالیا	۱۸۰۷۵۷
ژاپن	۴۱۰۳۸	ژاپن	۸۹۸۴۷
هلند	۵۴۴۱۶۱	هلند	۷۰۴۶۶۱
نروژ	۱۸۴۷۹	نروژ	۴۷۷۴۳
عربستان	۳۰۲۹۰	عربستان	۲۳۴۶۳

کشور	صادرات (فوب)	کشور	واردات (سیف)
اسپانیا	۱۰۸۹۰۱	اسپانیا	۶۴۵۳۲
سوئد	۵۵۲۳۳	سوئد	۸۰۷۱۶
سوئیس	۸۷۶۹۳	سوئیس	۶۹۸۱۱
شوروی سابق	۷۱۲۸	شوروی سابق	۱۵۴۱۲
بریتانیا	۳۱۱۴۳۰	بریتانیا	۳۰۹۶۹۳
امریکا	۱۵۳۰۳۷	امریکا	۱۷۶۹۸۰
همه کشورها	۳۹۴۲۶۰۵	همه کشورها	۴۰۲۰۱۳۵
نامشخص	۲۷۲۰۶	نامشخص	۳۱۵۸
مجموع	۳۹۶۹۸۱۱	مجموع	۴۰۲۳۲۹۳



بلژیک کشور نسبتاً جدیدی است که از استقلال آن بیش از ۱۶۴ سال می‌گذرد. استقلال بلژیک در سال ۱۸۳۱ اعلام و از طرف دول بزرگ به رسمیت شناخته شد.

اولین باری که در تاریخ نامی از سرزمین بلژیک برده می‌شود در زمان سزار سردار رومی (۱۰۱-۴۴ ق. م) بوده است که پس از تصرف «سرزمین گل»^۱ وی و سربازانش به رودخانه «رن» رسیدند و نظر به این که رودخانه مزبور را مانع طبیعی خوبی در مقابل هجوم قبایل ژرمن تشخیص دادند کلیه سرزمینهای واقع در مغرب رودرن از جمله بلژیک و جنوب هلند را تصرف نموده و سزار این منطقه را از لحاظ اداری و نظامی به منطقه گل ضمیمه کرد و چون ساکنان بومی آن نواحی از نژاد سلت و از تیره بلژ^۲ بودند آن را بلژیک^۳ نامید.

پس از آن سربازان و پیشه‌وران رومی بتدریج در بلژیک مستقر شدند و با مردم این منطقه آمیزش کردند. بعد از سقوط امپراتوری روم دوران فئودالیتة آغاز شد و بسیاری از سرزمینهای امپراتوری به صورت امارات فئودال نشین درآمد. در بلژیک نیز که مردم آن در اواخر دوره امپراتوری به مسیحیت گرویده بودند وحدت اداری خود از بین رفت و بلژیک به شش قسمت مختلف تجزیه گردید که عبارت از سه کنت نشین فلاندر، هنو و نامور و دوک نشین برابان

1. Gaule

2. Belge

3. Gaule-Belgique

و لوکزامبورگ و یک شاهزاده‌نشین لیژ بود.

در اواخر قرن هشتم میلادی وحدت از دست رفته بلژیک تا حدی بوسیله شارلمانی اعاده گردید و وی توانست با فتوحات خود آلمان، فرانسه و شمال ایتالیا را تحت فرمان خویش درآورد و از کلیه فئودالها از جمله دوکها و کتتهای بلژیک سوگند وفاداری بگیرد ولی این امپراتوری وسیع نیز با مرگ شارلمانی تجزیه شد و قسمت غربی آن تا «رودخانه اسکوا» به فرانسه و بقیه آن به امپراتوری مقدس ژرمن تعلق گرفت. وابستگی بلژیک به تاج و تخت هابسبورگ‌های آلمان تا زمان شارل پنجم معروف به شارل کن (۱۵۵۸-۱۵۰۰) ادامه داشت. وی از طریق وراثت، اسپانیا را به امپراتوری خود افزود ولی پس از درگذشت وی امپراتوری او تجزیه شد و بلژیک نصیب هابسبورگ‌های اسپانیا شد.

الحاق بلژیک به اسپانیا سبب شد که فرانسه از دو طرف بین اراضی اسپانیا که در آن زمان با متصرفات و نیروی دریایی عظیم خود مقتدرترین کشور اروپایی به شمار می‌رفت محصور شود و لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه برای شکستن این محاصره جنگهای طولانی با اسپانیا را آغاز کرد که به جنگهای وراثت تاج و تخت اسپانیا معروف است. ولی بالاخره در پایان جنگها لوئی چهاردهم نتوانست نقشه خود را در مورد بلژیک که عبارت از الحاق آن به فرانسه بود، عملی کند. لذا این بار بلژیک به اتریش واگذار گردید و این وضع تا انقلاب فرانسه که نیروهای انقلابی، بلژیک را تصرف نمودند و ناپلئون رویای لوئی چهاردهم را عملی ساخته و بلژیک را به فرانسه ضمیمه کرد به طول انجامید. فرانسویها تمام قوانین خود و از جمله قانون مدنی ناپلئون را در بلژیک اجراء کردند و دادگاههای این کشور را به صورت دادگاههای فرانسه درآوردند که امروزه اکثراً بصورت اولیه خود باقیست.

بعد از جنگ واترلوو با شکست فرانسه، به موجب تصمیم کنگره وین بلژیک و لوکزامبورگ به هلند واگذار گردید و به این ترتیب گیوم اول پادشاه هلند شاه سه کشور هلند، بلژیک و لوکزامبورگ شناخته شد. اتحادیه بلژیک و هلند از هر لحاظ بخصوص از نظر اقتصادی

و صنعتی برای طرفین مفید بود و سالها بعد با ایجاد اتحادیه بنلوکس ثابت گردید که صلاح کشور بلژیک و هلند و لوکزامبورگ در اتحاد با یکدیگر است. با گذشت سالها سرانجام در سال ۱۸۳۰ بلژیکیها سر به طغیان برداشتند و در نهایت موفق به عقب راندن سپاه هلند از بلژیک شدند.

توضیح این که انقلابیون بلژیک در ۲۵ سپتامبر ۱۸۳۰ در بروکسل حکومت موقتی تشکیل دادند و کنگره‌ای از نمایندگان ملت را برپا کردند. کنگره مزبور پس از بحث در باره الحاق به فرانسه یا استقلال بلژیک، رأی به استقلال داد و کمیته‌ای مأمور تهیه قانون اساسی گردید و دول انگلیس، آلمان و فرانسه که در کنگره وین موجبات اتحاد بلژیک و هلند را فراهم آورده بودند متعاقب اعلام استقلال یک طرفه این کشور در لندن کنفرانسی تشکیل دادند و در ماه ژوئن سال ۱۸۳۱ ضمن یک قرارداد هیجده ماده‌ای جدایی بلژیک از هلند را به رسمیت شناختند و بلژیک در این سال مستقل گردید. انقلابیون بلژیکی سپس از برلن لئوپولدشاهزاده آلمانی که اهل «ساکس کوبورگ»^۱ بود را دعوت نمودند که بعنوان اولین پادشاه بلژیک بر تخت سلطنت نشیند. وی تابعیت انگلیس را داشت و دختر پادشاه فرانسه را به عقد خود در آورده بود. از این رو انگلیس و فرانسه نیز او را به سهولت پذیرفتند.

در ۲۱ ژوئیه ۱۸۳۱ لئوپولد اول به پایتخت بلژیک، بروکسل وارد شد. (روز ملی بلژیک) لئوپولد پادشاهی دانا و خیرخواه و سیاستمدار محسوب می‌گردید ولی نباید فراموش کرد که پس از چندی به فکر استعمار افتاد ولی عمرش کفاف نداد و درگذشت. بعد از مرگ وی در سال ۱۸۶۵ پسرش لئوپولد دوم به سلطنت رسید. لئوپولد دوم نیز مانند پدر آرزوی حکومت بر قلمرویی وسیع را داشت لذا کنگو را که ۸۰ برابر سرزمین بلژیک بود را به استعمار کشید. در سال ۱۹۱۴ به هنگام شروع جنگ جهانی اول آلمان خواستار عبور سربازانش از خاک بلژیک بطرف فرانسه شد ولی بلژیک از قبول این پیشنهاد خودداری نمود و تهاجم لشکر آلمان را بر تجاوز به بی‌طرفی بلژیک ترجیح داد. آلبرت اول فرماندهی ارتش بلژیک را به دست گرفت و با استقامت

1. Saxcobourg

بسیار باعث پیروزی در جنگ «مارن» گردید ولی سرانجام مجبور به عقب نشینی شد. معهدا مقاومت او در قسمت غربی کشور بلژیک تا پایان جنگ ادامه یافت. آلبرت اول و همسرش ملکه الیزابت که به عنوان پرستار فعالیت می‌کرد از خود شخصیتی تحسین برانگیز و بارز نشان دادند. آلبرت اول در سال ۱۹۳۴ در حین کوهنوردی کشته شد و پسرش به اسم لئوپولد سوم بر تخت سلطنت نشست. در زمان سلطنت او بود که ارتش آلمان نازی بار دیگر بلژیک را مورد حمله ناگهانی خود قرارداد و پس از ۱۸ روز نبرد عاقبت در ۲۸ مه ۱۹۴۰ بلژیک تسلیم شد. پادشاه به زندان افتاد و گروهی از مقامات بلژیک به انگلستان پناه برده و همانجا دولت بلژیک آزاد را پایه‌ریزی نمودند. پس از خاتمه جنگ، بسیاری به تسلیم سریع و بدون قید و شرط لئوپولد سوم در مقابل آلمان و اعتراض نمودند و این تسلیم که در واقع بخاطر احتراز از خونریزی بی‌نتیجه مردم بود تاثیر نامطلوبی از وی در مردم بلژیک بجای گذاشت تاجایی که طی یک همه پرسی ۵۸ درصد مردم با ادامه سلطنت وی موافقت و ۴۲ درصد بقیه مخالفت نمودند و سرانجام باپافشاری اقلیت در ۱۷ جولای ۱۹۵۱ سلطنت به پسر لئوپولد سوم بودئن^۱ انتقال یافت. از آن پس بلژیک نقش بین‌المللی فعالی علی‌الخصوص در صحنه اروپای غربی ایفا نموده و به عضویت چندین اتحادیه و پیمان منطقه‌ای درآمد. بدنبال درگذشت بودوئن از آنجا که وی دارای فرزند ذکور نبود طبق قانون اساسی برادر وی پرنس آلبرت دوم^۲ در ۹ اگوست ۱۹۹۳ بعنوان پادشاه جدید بلژیک آغاز به کار نمود. پرنس آلبرت در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۳۴ متولد شده و مجله نیوزویک مورخ ۲۳ اگوست ۹۳ از وی به عنوان فردی عیاش و خوشگذران که به بیماری پارکینسون (فلج مرتعش) مبتلاست نام برده ضمن ابراز تردید از توانایی وی در حفظ وحدت بلژیک، از پرنس فیلیپ^۳ فرزند وی بعنوان فردی لایق‌تر برای تصدی پست سلطنت نام می‌برد.

1. Baudouin

2. King Albert II

۳. پرنس فیلیپ در ۱۵ آوریل ۱۹۶۰ متولد شده و تحصیلات خود را در کالج سن میشل بروکسل و دانشگاه‌های هلند، انگلیس و امریکا گذراند. وی دوره آموزش نظامی را در مدرسه نظامی سلطنتی بلژیک سپری نموده و دارای گواهی خلبانی میراژ - ۵ و کوماندویی چترباز است. در زمینه‌های غیر نظامی نیز وی دارای مدرک فوق لیسانس علوم سیاسی علوم اجتماعی و اقتصاد و هنر می‌باشد. PHILIPPE LEOPOLD LOUIS MARIE

قانون اساسی و تحولات و ویژگیهای آن

بلژیک مدت کوتاهی بعد از انقلاب ۱۸۳۰ به عنوان یک کشور مستقل شناخته شد و ساخت سیاسی این کشور توسط قانون اساسی مصوب ۷ فوریه ۱۸۳۰ مشخص گردید. قانون اساسی بلژیک تا به حال ۱۸ بار مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته^۱ مهمترین اصلاحات مذکور در سالهای ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸ در رابطه با انطباق قوانین با ساختار جمعیتی بلژیک صورت گرفت. تغییر مواد قانون اساسی در بلژیک بدین صورت است که ابتدا قوه مقننه (پارلمان) طرح تجدید در قانون اساسی را با مشخص کردن ماده مربوطه اعلام می‌کند پس از تصویب طرح تجدید نظر توسط مجلسین طرح مربوطه به توشیح شاه می‌رسد و بدنبال آن مجلسین منحل می‌گردند. پس از انحلال مجلسین انتخابات مجدد انجام می‌گیرد. به عبارت بهتر در مورد تغییر قانون اساسی از مردم نظرخواهی می‌شود. طبق قانون باید انتخابات بعدی ظرف ۴۰ روز پس از انحلال مجلسین انجام گیرد و ظرف دو ماه مجلسین جدید تشکیل شوند. در مجلسین جدید در صورتی که حداقل دوسوم از اعضای هر یک از آنها به اصلاح ماده یا مواد مشخص شده در قانون اساسی رأی بدهند تجدید نظر صورت می‌گیرد در غیر این صورت قانون اساسی به شکل سابقش باقی خواهد ماند. ابتکار انحلال مجلسین برطبق قانون به عهده شاه است ولی عملاً این دولت است که ممکن است طرح اصلاح ماده‌ای از قانون اساسی را به مجلسین ارائه دهد و موجبات انحلال آنها را فراهم آورد و یا به دلیل بوجود آمدن یک بحران در دولت و یا درگیری دولت و پارلمان، دولت استعفا داده و این امر موجبات انحلال مجلسین و انجام انتخابات زودرس را فراهم می‌آورد.

قانون اساسی بلژیک متشکل از ۸ فصل و ۱۴۰ ماده است.

فصل اول: مقررات مربوط به تقسیم‌بندی استانهای کشور (تغییر حدود استانها منوط به

تصمیم قانون اساسی است).

۱. ۷ سپتامبر ۱۸۹۳، ۱۵ نوامبر ۱۹۲۰، ۷ فوریه ۱۹۲۱، ۲۴ اوت ۱۹۲۱، ۱۵ اکتبر ۱۹۲۱، ۱۰ آوریل ۱۹۶۷، ۱۵ ژانویه ۱۹۶۸، ۳۰ ژوئن ۱۹۶۹، ۲۱ آوریل ۱۹۷۰، ۱۱ ژوئن ۱۹۷۰، ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۰، ۲۴ دسامبر ۱۹۷۰، ۱۴ ژوئن ۱۹۷۱، ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۱، ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۰، ۱ ژوئن ۱۹۸۳، ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۴، ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۸.

فصل دوم: حقوق ملت بلژیک

فصل سوم: تعیین و تعریف قوای سه گانه و حدود اختیارات هر کدام از آنها

فصل چهارم: مالیاتها

فصل پنجم: اداره ارتش و ژاندارمری

فصل ۶ و ۷ و ۸: مقررات کلی و طرز تغییر قانون اساسی، محاکمه وزراء رنگ پرچم و

سرود ملی بلژیک^۱ می باشد.

توضیح اینکه قانون اساسی حکومت مشروطه سلطنتی ۱۹۰۶ ایران از قانون اساسی بلژیک ملهم بوده و با مطالعه و مقایسه این دو قانون اساسی نکات و موارد مشابه بسیاری مشاهده می گردد.

تشکیلات حکومتی (ترکیب حکومت، تفکیک قوا و هماهنگی آنها)

بنابر مفاد قانون اساسی در بلژیک سرمنشاء قدرت ملت است.

- قوه مجریه

مواد ۶۰ تا ۹۱ قانون اساسی در ارتباط با قوه مجریه است و به موجب این مواد سلطنت مشروطه در این کشور به اولاد ذکور مستقیم و قانونی شاه تفویض می شود. جلوس پادشاه به تخت سلطنت از سن ۱۸ سالگی ممکن است و در غیر این صورت نایب السلطنه منتخب از طرف مجلسین موقتاً به انجام وظایف محوله خواهد پرداخت.

۱. پرچم بلژیک به صورت نوارهای عمودی سرخ و زرد و سیاه می باشد که در جریان انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ بوجود آمد پرچم فرانسه نیز از نوارهای عمودی تشکیل یافته است. ترکیب پرچم مذکور در سال ۱۸۳۰ به رسمیت شناخته شد. رنگهای موجود در پرچم از پرچم دوک نشین برابانت گرفته شده است. مضمون سرود ملی بلژیک نیز به قرار زیر است:

پس از سالها بندگی و اسارت بلژیکیها از مرگ رها شده و با جسارت مجدداً به نام و پرچم خود دست یافتند.

نام پادشاه	شروع به کار	خاتمه سلطنت
لئوپولد اول	۱۸۳۱	۱۸۶۵
لئوپولد دوم	۱۸۶۵	۱۹۰۹
آلبرت	۱۹۰۹	۱۹۳۴
لئوپولد سوم	۱۹۳۴	۱۹۵۱
بودوئن	۱۹۵۱	۱۹۹۳
آلبرت دوم	۱۹۹۳	تابحال

اگر پادشاه بلژیک دارای فرزند ذکور نباشد کسی که نزدیکترین نسبت خانوادگی را با وی داشته باشد به پادشاهی خواهد رسید. هرگاه نسل ذکور شاه منقطع باشد پادشاه وقت جانشین خود را با نظر مجلسین انتخاب خواهد کرد. در صورت عدم تحقق این امر، در زمان حیات پادشاه مجلسین مجاز به انتخاب نایب السلطنه نمی‌باشند. ولی پس از مرگ وی نیابت سلطنت را مجلسین به عهده گرفته و بلافاصله تجدید انتخابات خواهد شد. پس از انتخابات مجدد مجلسین تازه موظف هستند طی دو ماه پادشاه جدید را انتخاب نمایند. پادشاه در قبال هرگونه مسئولیت و تعرضی مصونیت دارد. همچنین تصمیمات و اقدامات پادشاه بدون امضاء وزیر مسئول از قدرت اجرایی برخوردار نیست. احکام شاه در حدود وظایف هر یک از وزراء می‌بایست به امضای وزیر مربوطه برسد تا قدرت اجرایی بیابد. پادشاه سمت فرماندهی نیروهای مسلح را به عهده دارد. انتخاب رئیس دولت، امضاء قراردادهای خارجی، اعلان جنگ، امضاء قرارداد صلح و توشیح قوانین از وظایف پادشاه است که همراه با مجلسین و یا بطور مستقیم به وی تفویض گردیده است.

- هیئت دولت

در سیستم پارلمانی بلژیک نخست وزیر (و یا طبق مفاد قانون اساسی بلژیک

تشکیل‌دهنده^۱) و اعضای کابینه از میان نمایندگان مجلسین و در صورت نیاز از ائتلاف بین احزاب قدرتمند انتخاب می‌شوند. البته شاه با توجه به موقعیت سیاسی کشور، آراء مردم، میزان رأی و قدرت و نفوذ احزاب با مشورتهایی که با روسای احزاب و مشاورین خود به عمل می‌آورد نهایتاً یکی از نمایندگان منتخب را به عنوان نخست وزیر تعیین و مامور تشکیل کابینه می‌کند. در صورت بروز مشکل در این پروسه شاه فردی مورد اطمینان مجلسین و احزاب را تحت عنوان مخبر^۲ را برگزیده این فرد پس از تماس با نمایندگان مجلسین و روسای احزاب شاه را از نتیجه مطلع می‌دارد. کاندید نخست وزیری در صورت لزوم ضمن ائتلاف با احزاب قدرتمند پارلمان، یک دولت موقت را به وجود می‌آورد. در بلژیک علی‌رغم اختلافات زبانی و فرهنگی شمال و جنوب کشور احزاب سیاسی هم خانواده در این دو منطقه مثل احزاب سوسیالیست فرانسه زبان در جنوب و سوسیالیست فلامان زبان در شمال هنگام تشکیل دولتی ائتلافی اغلب به عنوان یک خانواده سیاسی یکدیگر را ترجیح می‌دهند. به همین دلیل گروه سوسیالیستها و یا سوسیال مسیحیان شمال و جنوب اغلب در کابینه‌های ائتلافی دولت مشارکت می‌نمایند. دولتهای ائتلافی در بلژیک با اکثریت ساده نصف بعلاوه یک تشکیل می‌شوند لکن کابینه‌های ائتلافی برای تصویب طرحهای اساسی و کلیدی نیازمند اکثریت دوسوم پارلمان می‌باشند. در بلژیک هر یک از وزراء به صورت جداگانه از مجلسین رأی اعتماد نمی‌گیرند بلکه پارلمان به مجموعه هیئت دولت رأی می‌دهد. تعداد اعضای هیئت دولت در دهه‌های گذشته بین ۱۵ الی ۲۰ وزیر و وزرای مشاور در نوسان بوده است. در تمامی کابینه‌ها سعی شده است که تعداد وزراء فرانسه زبان با تعداد وزرای فلامان زبان مساوی باشند. در بلژیک از سال ۱۸۳۱ (دولت آلبرت ژوزف گوبلت) تا ۱۹۸۱ (اولین کابینه ویلفرد مارتنس) ۶۱ کابینه اداره کشور را در دست داشته با محاسبه ۹ کابینه پی در پی مارتنس و کابینه ۶ مارس ژان لوک دوهان تا ماه مه ۱۹۹۵ در بلژیک ۷۱ کابینه تشکیل شده است.

در بلژیک طبق قانون محاکمه اعضای کابینه منوط به اجازه مجلس شورای ملی می‌باشد

1. Formateur

2. Rapporteur

و دیوان عالی کشور وی را محاکمه خواهد کرد. در این کشور علاوه بر دولت مرکزی، مناطق چهارگانه فرانسه زبان، فلاندر، آلمانی زبان و بروکسل نیز دارای دولتهای منطقه‌ای می‌باشند. طبق برآورد سال ۱۹۸۹ تعداد ماموران دولتی بالغ بر ۸۰۸۱۰۶ نفر بوده است. براساس آمار همین سال تعداد شاغلین در وزارتخانه‌های امور خارجه ۳۴۲۷ نفر، وزارت کشور ۲۵۱۱ نفر، وزارت دفاع ملی ۷۰۷۵ نفر می‌باشد.

- قوه مقننه

این قوه مربوط به دومجلس شورای ملی و سنا می‌باشد و نمایندگان مجلس شورای ملی توسط رأی مستقیم زنان و مردان بلژیکی که به سن قانونی ۲۱ سال رسیده‌اند برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. تعداد کرسی نمایندگان رابطه مستقیم با جمعیت ایالات مختلف دارد. نصف تعداد نمایندگان سنا توسط مردم انتخاب می‌شوند. اختیارات مجلس سنا مشابه اختیارات مجلس شورای ملی است و سناتورها برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. تا پیش از قرارداد «سن میشل» تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی ۲۱۲ نفر و سنا ۱۸۴ نفر بود. بدین ترتیب براساس این مصوبه از ۲ سال پیش، تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی به ۱۵۰ و نمایندگان مجلس سنا به ۷۱ نفر تقلیل یافت. در رابطه با نمایندگان بلژیک در پارلمان اروپا با وجود این که کاندید شرکت در انتخابات پارلمان اروپا در برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توانند در پارلمان ملی کشورشان نیز عضویت داشته باشند لکن در بلژیک یک فرد تنها می‌تواند در عضویت یکی از این دو یعنی پارلمان ملی و یا پارلمان اروپا باشد. بلژیک براساس آخرین اصلاحیه به عمل آمده در سهمیه اعضاء که متعاقب عضویت سه کشور اتریش، فنلاند و سوئد در سال ۹۵ محقق شد، دارای ۲۵ کرسی در پارلمان اروپاست.

- قوه قضاییه

مواد ۹۲ تا ۱۰۷ قانون اساسی بلژیک به قوه قضاییه اختصاص دارد. قضاوت به

دادگاههای دادگستری تفویض گردیده است. دادگاهها مجری قانون می‌باشند. تصویب نامه‌های دولت و یا آرای شوراها، ایالتی و ولایتی به عنوان قانون محسوب نمی‌شوند. محاکمات و انتشار احکام باید علنی باشد مگر مواردی که موجب مخاطره امنیت کشور یا اختناق عمومی را فراهم آورد. در این صورت امکان صدور رأی غیر علنی و برگزاری جلسات خصوصی پیش‌بینی شده است. البته موارد جرایم سیاسی و مطبوعاتی از این قاعده مستثنی است. دادگاههای جنایی از دو جزء قضات و هیأت منصفه تشکیل می‌شوند. هیأت منصفه بوسیله قرعه و از میان اهالی محل انتخاب می‌شوند و در هر دادگاه ۱۲ نفر می‌باشند. هیأت منصفه به مجازات یابی گناهی متهم رأی می‌دهد و در باره مجازات با قضات مشورت می‌کند.

قضات نشسته از طریق مسابقه ورودی به استخدام دادگستری در می‌آیند و پس از انتخاب استقلال کامل دارند. قضات ایستاده به وسیله وزیر دادگستری تعیین می‌شوند و تغییر و تبدیل آنان از طریق وزرای دادگستری امکان پذیر است. علاوه بر دادگاههای قضایی و جزایی در بلژیک دادگاههای زیر نیز وجود دارد:

- دادگاه تجارت (مربوط به امور تجارت و بازرگانی)

- شورای جنگ و دادگاه عالی نظامی (مربوط به نظامیان بوده مقرر آن در بروکسل است)

- دادگاه کار (مربوط به مسایل کارفرمایان و کارگران بوده در شهرهای آنتورپ، بروکسل،

گان، لیژ، و مونز شعباتی دارد)

- دادگاه اطفال (مربوط به جرایم اطفال صغیر)

دیوان عالی کشور به استثنای محاکمه وزراء که مستقیماً به بررسی و تحلیل ماهیت دعوی و یا جرم آنها می‌پردازد در سایر موارد نیز به تطبیق رأی محاکم با قوانین موجود می‌پردازد در صورت تشخیص این که صدور رأی مخالف یا مغایر قانون باشد پس از نقض حکم مذکور دعوی را به دادگاه دیگری هم سطح دادگاه رأی‌دهنده نخست و به منظور تجدید نظر ارجاع می‌نمایند.

در بلژیک روسای دیدگاهها با نظر پادشاه منصوب می‌گردند، و به جز احکام

و مجازاتهای قضایی هیچ کس حق عزل آنها را ندارد. حکم اعدام از سال ۱۹۹۱ در بلژیک ملغی گردید. در این کشور مجلس نمایندگان این اختیار را دارد که وزراء را به دادگاه احضار نماید. یک وزیر محکوم می‌تواند بنابه درخواست مجلسین سنا و نمایندگان از پادشاه طلب بخشش نماید.

تقسیمات کشوری و اداری

بلژیک از ۹ استان و ۵۸۹ منطقه شهرداری تشکیل یافته که تا حد زیادی در موارد داخلی به صورت خود مختار عمل نموده و مشخصات آنها به شرح زیر است:

استان	مرکز استان	مساحت به کیلومتر مربع	جمعیت استان سال ۹۳
آنتورپ	آنتورپ	۲۸۶۰	۱۶۱۹۶۱۳
برابانت	بروکسل	۲۳۷۱	۲۲۶۲۸۹۶
فلاندر غربی	بروژ	۳۱۳۴	۱۱۶۶۲۴۴
فلاندر شرقی	گان	۲۹۸۲	۱۳۴۴۲۶۳
هنو	مونس	۳۷۹۰	۱۲۸۵۹۳۴
لیژ	لیژ	۳۸۷۶	۱۰۱۱۳۶۸
لمبورگ	هاسلت	۲۴۲۳	۷۶۱۵۶۵
لوکزامبورگ	آرلون	۴۴۱۸	۲۳۶۸۵۰
نامور	نامور	۳۶۶۰	۴۲۹۵۸۶

پایتخت بلژیک بروکسل است. براساس طرح جدیدی، دولت بلژیک قصد دارد استان برابانت را به دلیل اختلافات بین فلامان زبانها و فرانسه زبانها به دو استان تقسیم کند و در آن صورت تعداد استانها به ۱۰ مورد افزایش خواهد یافت. مسئله اصلی در این رابطه ادعای هر دو جامعه در مالکیت پایتخت یعنی بروکسل است که ۸۰ درصد جمعیت آن را فرانسه زبانها تشکیل می‌دهند.

ساختار سیاسی و چگونگی شکل‌گیری اراده سیاسی

به موجب موادی از قانون اساسی قدرت از ملت ناشی شده و دموکراسی بلژیک نیز براساس این اصل پایه‌ریزی شده است ولی از آنجایی که این کشور یکی از کشورهای سرمایه‌داری با سیستم تجارت آزاد می‌باشد در واقع صاحبان سرمایه دارای نقش بزرگی در اداره کشور هستند. مهمترین عامل در حساسیتهای ملی و حکومتی بلژیک موضوع چند فرهنگی بودن جامعه بلژیک و اثر آن در کلیه جوانب زندگی جامعه این کشور است. مسئله رفاه اجتماعی نیز یکی دیگر از زمینه‌های حساسیت برانگیز جامعه بلژیک است. اعتراضات شدید احزاب به سندیکاها و بطور کلی طبقه کارگر و کارمند که در مقابل سیاستهای صرفه جویی دولت عکس‌العمل نشان می‌دهند از جمله مسائلی است که در زمان شروع کاهش قدرت اقتصادی و در نتیجه توسل دولت به سیاست صرفه جویی اقتصادی آن را با افشار مذکور رو در رو می‌کند.

بطور کلی در بلژیک مسئله به نام اقلیت به معنای رایج از قبیل اقلیت قومی، مذهبی و غیر و وجود ندارد لکن در خصوص تفوق‌های مقطعی هریک از دو جامعه فلامان و یا فرانسه زبان باید گفت با توجه به مجموعه مشخصه‌های جغرافیایی، اقتصادی این مسئله بیشتر از عوامل اقتصادی ناشی می‌گردد. بدین معنی که تا قبل از افول ارزش ذغال سنگ به عنوان مهمترین منبع طبیعی انرژی و وابستگی اغلب صنایع به این ماده معدنی قسمت والونی فرانسه زبانهای بلژیک با استفاده از این ذخایر خود قدرت اقتصادی و همچنین قدرت سیاسی را در دست داشتند. اما به تدریج با افزایش جمعیت در ناحیه فلاندر و اهمیت نفت و کاهش ارزش اقتصادی ذغال سنگ و همچنین کهنه شدن صنایع و کارخانجات قسمت والونی دیگر تعادل و توازن بین قدرت اقتصادی و سیاسی در جامعه به سود فلامانها تغییر کرد.

در رابطه با جایگاه پادشاه در ساختار سیاسی نظام مشروطه پارلمانی در بلژیک ناگفته نماند در مقایسه این نظام با سایر رژیم‌های مشروطه پارلمانی اروپا نظیر انگلستان و سوئد، پادشاه در بلژیک از قدرت و اختیارات وسیعتری برخوردار می‌باشد بطوری که اولاً قدرت قانونگذاری طبق قانون اساسی این کشور میان شخص شاه و دو مجلس نمایندگان و سناتقسیم

شده است. ثانیاً مقام سلطنت از اختیار انحلال مجلسین برخوردار می‌باشد و ثالثاً پادشاه به عنوان رئیس حکومت نخست وزیر و سایر وزراء را منصوب می‌نماید. و هیئت دولت اگر چه به نمایندگی از طرف شاه انجام وظیفه مینمایند لکن در مقابل مجلسین تنها دولت و وزراء مسئولیت دارند و پادشاه از هر نوع مسئولیتی مبرا است. علاوه بر این وی فرماندهی کل نیروهای مسلح بلژیک را نیز دارا می‌باشد و اعطای درجات نظامی نیز از اختیارات وی است. در بلژیک احزاب، رسانه‌های گروهی، سندیکاها و سایر گروههای اجتماعی و صنفی به عنوان نمایندگان مردم اراده سیاسی نظام را شکل می‌دهند.

احزاب سیاسی

- احزاب اصلی

الف) حزب سوسیال مسیحی: حزب کاتولیک در سال ۱۸۴۴ به وجود آمد. حزب کاتولیک، تا سال ۱۹۴۵ در مدت ۷۵ سال حزب فعالی بود و این حزب که فقط بر مبنای مذهب قرار گرفته بود تا این سال نقش مهمی در اداره کشور داشت. در این سال اعضای این حزب که تنها وحدت مذهبی را برای تشکیل حزب سیاسی کافی نمی‌دانستند و محرمانه جلساتی داشتند، فعالیت خود را علنی کردند و بالاخره حزب کاتولیک جای خود را به حزب سوسیال مسیحی داد. این حزب با مرامنامه جدیدی شروع به کار کرد. در حزب جدید مذهب که اساس وجودی حزب کاتولیک بود هرگز مورد توجه قرار نگرفت.

حزب سوسیال مسیحی در ۱۹۶۸ که بحران مسئله زبان در کشور بلژیک در اوج خود بود، به دو دسته فلامان زبان و فرانسه زبان تقسیم گردید اما پذیرفتند که دارای یک ساختار واحد با استقلال رأی در مسئله زبان باشند. بر اثر اختلاف این دو با یکدیگر سازماندهی مشترک بین آنها به حداقل ممکن رسید.

* حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان^۱ - به طور سنتی بزرگترین حزب بلژیک بوده

1. Cvp

است و غالباً نخست وزیر از این حزب انتخاب می‌شود اما در سالهای اخیر مانند احزاب سستی دیگر بلژیک، تعدادی از آراء خود را از دست داده است اما همچنان اولین حزب این کشور محسوب می‌شود. این حزب خواهان اعطای قدرت بیشتر به جوامع و مناطق بوده از برگزاری انتخابات مستقیم مجالس منطقه‌ای حمایت می‌کند.

* حزب سوسیال مسیحی فرانسه زبان^۱ - این حزب از قدرت بسیار کمتری نسبت به همتای فلامان زبان خود برخوردار است و در منطقه فرانسه زبان به عنوان سومین حزب بزرگ و در کل کشور به عنوان ششمین حزب مطرح است و در اکثر دولتهای بلژیک این حزب حضور داشته است. این حزب با فدرالیزاسیون در تجارت خارجی و تامین اجتماعی مخالفت نموده و بیشتر بر همبستگی ملی اصرار می‌ورزد.

ب) حزب سوسیالیست: این حزب در ۱۸۵۵ به نام حزب کارگر مرکب از افراد چپ و تندرو تشکیل شد و علت بوجود آمدن آن به زندگی بدکارگران و کشاورزان بلژیک بود. در بحبوحه جنگ جهانی دوم حزب کارگر بلژیک منحل شد ولی وزیرای سوسیالیست از جمله وزیر امور خارجه در دولت در تبعید که در لندن تشکیل شد، شرکت داشتند.

در سال ۱۹۴۵، بعد از پایان جنگ و آزاد شدن بلژیک حزب سوسیالیست بلژیک متولد شد. تمایلات جامعه‌ای و اختلافات بین جوامع زبانی بلژیک وحدت حزب را به خطر انداخت تا اینکه در نوامبر ۱۹۷۸ این حزب به دو حزب سوسیالیست فرانسه زبان و یک حزب فلامان زبان تقسیم شد. به طور سستی سوسیالیستها در منطقه والونی و در جوامع فرانسه زبان بلژیک نیروی سیاسی عمده را تشکیل می‌دهند. دو حزب علی‌رغم سوسیالیست بودن هماهنگی و همکاری لازم را با یکدیگر ندارند.

* حزب سوسیالیست فرانسه زبان^۲ - دومین حزب بزرگ کشور است علی‌رغم قدرت زیاد این حزب، تنها بدلیل مخالفت فلامانها هیچگاه نخست وزیر از این حزب انتخاب نشده است. این حزب با فدرالیزاسیون در تجارت خارجی و تامین اجتماعی مخالف است و بیشتر بر

1. Psc

2. P.S

همبستگی ملی اصرار می‌ورزد.

* حزب سوسیالیست فلامان زبان^۱ - در مقام سومین حزب بزرگ کشور است. سوسیالیستها بزرگترین و اولین خانواده سیاسی کشور هستند. این حزب با فدرالیزاسیون در همه ابعاد آن شامل تجارت خارجی، توسعه و تامین اجتماعی و حق انعقاد قرارداد موافق می‌باشد. این حزب خواهان اعطای قدرت بیشتر به جوامع و مناطق بوده از برگزاری انتخابات مستقیم مجالس منطقه‌ای حمایت می‌کند.

پ) حزب لیبرال: در سال ۱۸۴۶ حزب آزادیخواه بلژیک تشکیل شد. این حزب که قدیمی‌ترین حزب بلژیک بوده رفته رفته اهمیت خود را از دست داده است. این حزب اصولاً عقاید ضد کاتولیک (ضد روحانی مسیحی) داشته ولی بتدریج به یک حزب مدافع آزادی عقیده تبدیل شد.

* حزب لیبرال فلامان زبان^۲ - چهارمین حزب بزرگ کشور می‌باشد و در منطقه فلاندر سومین حزب بزرگ می‌باشد. این حزب خواهان اعطای قدرت بیشتر به جوامع و مناطق بوده از برگزاری انتخابات مستقیم مجالس منطقه‌ای حمایت می‌کند. گی‌ور هوفشتات^۳ رئیس حزب لیبرال فلامان زبان در سال ۱۹۵۳ متولد شد. وی که در سال ۱۹۷۲ رئیس دانشجویان لیبرال فلامان زبان بوده در رشته حقوق تحصیل کرده و در سال ۱۹۷۶ مشاور منطقه‌ای شهر «گان» شد. نامبرده از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ رئیس جوانان لیبرال فلامان زبان بود و در سال ۸۲ در سن ۲۹ سالگی وارد هیئت مرکزی حزب مذکور گردید. وی از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ معاون نخست وزیر و وزیر برنامه و بودجه و سیاست علمی بود.

* حزب لیبرال فرانسه زبان^۴ - پنجمین حزب بزرگ بلژیک و دومین حزب قدرتمند منطقه فرانسه زبان است لیکن این حزب در بروکسل بطور سنتی مقام اول را دارد. این حزب با فدرالیزاسیون در تامین اجتماعی مخالف است.

1. S.P

2. P.V.V

3. Guy Verhoefschat

4. P.R.L

- احزاب فرعی

الف) حزب ملت متحد^۱: این حزب در ۱۹۵۴ پایه‌گذاری شد و در واقع یک انشعاب از حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان محسوب می‌شود و از ملی‌گرایی فرهنگی و سیاسی افراطی حمایت می‌کند و در تلاش برای ایجاد یک دولت فلامان زبان است البته این حزب اعتقادی به مفهوم هلند بزرگ ندارد این حزب بریک سیستم فدرال در بلژیک تاکید می‌ورزد.

ب) بلوک فلامان زبان^۲: این بلوک از دو حزب کوچک ملی‌گرا در ۱۹۷۸ تشکیل شد. این حزب از ملی‌گرایان افراطی و از جدایی خواهان می‌باشد و ضد کمونیست است. این حزب که اخیراً پیروزیهای چشمگیری در شمال کشور داشته علاوه بر نژادپرستی به شدت با حضور خارجیان در بلژیک مخال است. این بلوک شاخه‌ای از ناسیونالیستهای تندرو حزب ملت و متحد فلامان زبان می‌باشد. تجزیه منطقه فلاندرز بلژیک و ایجاد یک کشور جدید از اهداف این بلوک است.

پ) جبهه دموکراتیک فرانسه زبان^۳: این جبهه در ۱۹۶۵ شکل گرفت. دفاع از منافع اکثریت فرانسه زبانها در بروکسل و اقلیتهای فرانسه زبان در اطراف کمونهای هلندی زبان در صدر برنامه‌هایش قرار دارد.

ت) حزب آلمانی زبانهای بلژیک: این حزب در ۱۹۷۱ پایه‌گذاری شده از سنت سوسیال مسیحی پیروی می‌کند و دفاع از هویت آلمان زبانهای بلژیک و ایجاد یک جامعه مجزا را خط مشی خود قرار داده است. این حزب خواهان یک استان مجزا برای ۹ کمون آلمانی زبان است و از تشکیل یک دولت فدرال در بلژیک حمایت می‌کند.

ج) طرفداران محیط زیست: ریشه اولیه تشکیل دو حزب طرفدار محیط زیست بلژیک یعنی اکولو و آگالف در گروهها و سازمانهای مربوط به حفاظت محیط زیست بود. حزب آگالف یا طرفداران محیط زیست در قسمت فلامان زبان^۴: درست قبل از انتخابات

1. V.U

2. V.L.B

3. F.D.F

4. Agalev

پارلمانی سال ۱۹۷۷ در منطقه فلاندر بوجود آمد. این گروه در درگیریهای جوامع فلامان زبان و فرانسه زبان کشور مداخله‌ای ندارد و پیشنهاد همکاری بین جوامع را ارائه نموده از حفظ وحدت سیاسی کشور حمایت می‌کند، این حزب از جمعیت مهاجرین حمایت می‌کند.

حزب اکولو یا همان طرفداران محیط زیست در قسمت فرانسه زبان^۱: در مارس ۱۹۸۰ طی یک گردهمایی از طرفداران محیط زیست در منطقه فرانسه زبان تشکیل گردید و در فهرست اعضای آن نام اکولوژیستهایی که در سال ۱۹۷۷ معرفی شده بودند قرار داشت. مرکزیت حزب اکولو در بروکسل می‌باشد. این دو حزب خط مشی واحدی را دنبال می‌کنند اما اکولو بیشتر بر اصلاح سیستم مالیاتی و سیاست منطقه‌ای پافشاری می‌کند. در سال ۱۹۸۱ اولین نمایندگان این دو حزب وارد پارلمان شدند.

د) حزب کمونیست بلژیک^۲: این حزب متعاقب انقلاب بلشویکی روسیه و توسط «ژوزف ژاکموت» در ۱۹۲۵ تاسیس یافته این حزب در جنگ دوم جهانی همراه سایر گروهها در جریانات ضد نازی مشارکت داشت این حزب در ۱۹۵۶ با شرکت در انتخابات به بزرگترین پیروزی خود دست یافته و با ۲۳ کرسی پارلمانی به عنوان سومین حزب کشور دست یافت. اعضای رسمی این حزب ۱۵ هزار نفر و نشریه پرچم سرخ ارگان رسمی این حزب است. این حزب از فدرالیسم سه منطقه‌ای (فلاندر، والونی و بروکسل) حمایت می‌کند.

علاوه بر احزاب مذکور در بلژیک احزاب دیگری نیز وجود دارد.

- حزب اول روسم^۳: که از سال ۱۹۹۱ پا به عرصه وجود گذاشته مختص یکی از مناطق فرانسه زبان یا فلامان زبان نمی‌باشد.

- انجمن انقلابی کارگران^۴ (مائوئیستها)

- حزب زنان^۵

در این کشور علاوه بر احزاب، گروهها و تشکلات عمدتاً صنفی و مالی در غالب

1. Ecolo

2. P.C.B

3. Rossem

4. Ligve Revolutionnaire Des Travazeurs

5. Parti Feministe

سندیکاهای کارفرمایی و کارگری در معادلات سیاسی کشور تاثیر می‌گذارند. لکن نفوذ این قبیل گروهها و تشکیلات در حکومت و سیاست دولت مستقیماً انجام نمی‌گیرد بلکه از طریق احزاب عمده کشور صورت می‌گیرد. این گروهها در بلژیک به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- موسسات مالی مثل گروه (EMPAIN) یا بانکها S.G.B

- موسسات بازرگانی و صنعتی

- گروههای حرفه‌ای و اصناف مانند؛ فدراسیون صنایع بلژیک (F.J.B) به عنوان تشکیلات کارفرمایان متشکل از ۱۳۵ انجمن حرفه‌ای؛ فدراسیون کل کار بلژیک (F.G.T.B) که به حزب سوسیالیست شاخه (P.S.B) متمایل است؛ کنفدراسیون سندیکاهای مسیحی (C.S.C) که به حزب سوسیال مسیحی شاخه (P.S.C) وابسته است؛ سندیکاهای آزاد بلژیک (C.G.S.L.B) که به حزب اصلاحات و ترقی (P.R.L) وابسته است؛ سازمان طبقات متوسط (O.G.M).

لازم به ذکر است در بلژیک قریب ۶۰۰ هزار شرکت خصوصی فعال وجود دارد که جمعاً اشتغال سه میلیون نفر از ۴ میلیون جمعیت فعال کشور را فراهم می‌آورد. این شرکتها توسط سازمانی قوی بنام فدراسیون شرکتهای بلژیک (F.E.B) سازماندهی می‌شود.

در کنار تشکلات صنفی مذکور در بلژیک سازمانهای فرهنگی متعددی نیز در زمینه منافع دو جامعه فلامان زبان و فرانسه زبان فعالیت می‌کنند. همچنین گروههای حامی صلح مثل کمیته اقدام فلامان زبانان بلژیک بر علیه سلاحهای اتمی به عنوان گروههای فشار بلژیک در صحنه سیاست داخلی کشور فعال می‌باشند.

سیستم انتخاباتی (عوامل مؤثر در انتخابات)

پارلمان بلژیک دارای دو مجلس شورای ملی و سنا می‌باشد. ماده ۳۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که نمایندگان مجلسین فقط نماینده حوزه انتخابیه خود نمی‌باشند بلکه نمایندگان تمام ملت هستند. هیچ یک از نمایندگان نمی‌توانند در آن واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشند.

چنانچه نماینده‌ای در یکی از ادارات دولتی مسئولیت موظفی را عهده دار گردد کرسی نمایندگی خود را از دست می‌دهد و عضویت مجدد وی در مجلس فقط در صورتی ممکن خواهد بود که دوباره به نمایندگی انتخاب شود (ماده ۳۶). برای قانونی بودن تصمیمات در هریک از مجلسین حضور نصف مجموع اعضاء ضروری است و کلیه مصوبات بااستثنای مواردی که به موجب قانون اساسی مستلزم اکثریت خاص است با اکثریت نسبی است (ماده ۳۸).

به منظور تضمین اجرای آزادانه وظایف نمایندگی برای نمایندگی برای نمایندگان مجلسین مصونیت‌های زیر پیش‌بینی شده است:

اول مصونیت برای نطق و رأی ماده ۴۴ مقرر می‌دارد که هیچ یک از نمایندگان مجلسین را نمی‌توان به لحاظ آراء و نظراتی که ضمن انجام وظایف نمایندگی خود ابراز داشته‌اند تحت تعقیب قرار داد یا از او تحقیق به عمل آورد.

دوم مصونیت قضایی، هیچ یک از نمایندگان را نمی‌توان در طول دوره نمایندگی بدون اجازه مجلس مربوطه مورد تعقیب جزایی قرارداد یا توقیف نمود مگر در حین ارتکاب جرم (ماده ۴۵ بند ۱).

مجلسین بلژیک در موارد زیر تشکیل جلسه می‌دهند:

۱- برای استماع سوگند پادشاه (ماده ۸۰ بند ۲)

۲- برای استماع سوگند نایب السلطنه (ماده ۸۳ بند ۲)

۳- در مورد انتخاب نایب السلطنه برای پادشاه صغیر و انتخاب قیم برای پادشاهی که قادر به سلطنت نباشد (مواد ۸۱ و ۸۲)

۴- در صورت خالی بودن تاج و تخت سلطنت مجلسین مشترکاً و موقتاً نیابت سلطنت را تا موقع تجدید انتخابات عهده‌دار می‌گردند و بعد از تجدید انتخابات مجلسین جلسه مشترکی برای تعیین پادشاه جدید تشکیل می‌دهند (ماده ۸۵).

مجلس شورا (نمایندگان)

اعضای مجلس شورا توسط آراء مستقیم اشخاصی که ۱۸ سال تمام داشته و حداقل شش ماه در حوزه انتخابیه اقامت داشته باشند، انتخاب می‌گردند. شرکت در انتخابات اجباری است و ابراز رأی بصورت مخفی انجام می‌گیرد و هریک از افراد فقط دارای یک رأی می‌باشند. تعداد کرسی نمایندگان رابطه مستقیم با جمعیت ایالات مختلف دارد لذا به نسبت افزایش جمعیت تعداد نمایندگان افزایش می‌یابد.

داوطلب عضویت در مجلس شورا (نمایندگان) باید بلژیکی الاصل باشد یا اینکه تابعیت بلژیک را با امتیاز عالی کسب کرده باشد و از حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند باشد و دارای ۲۵ سال سن بوده و مقیم بلژیک باشد. اعضاء مجلس شورا برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند.

مجلس سنا

نمایندگان مجلس سنا مرکب از اشخاص زیر است:

اول: اعضایی که به نسبت جمعیت استانها طبق ماده ۴۷ قانون اساسی مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند. این اعضاء باید متعلق به یکی از طبقاتی باشند که در ماده ۵۶ ذکر شده است. مانند وزیران فعلی یا پیشین، اعضاء مجلس نمایندگان (شورا) و سنا، استادان دانشگاهها و غیره، ضمناً تعداد سناتورهایی که مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند باید نصف تعداد اعضاء مجلس نمایندگان باشند (ماده ۵۴).

دوم: اعضایی که توسط شورای استانها انتخاب می‌شوند (بطور غیر مستقیم توسط مردم) عده سناتورهایی که از طرف هریک از شورای استانها انتخاب می‌شوند. بستگی به جمعیت آن استان دارد. هریک از شورای استانها حق انتخاب بیش سه تن از سناتورها را ندارد.

سوم: اعضایی که توسط مجلس سنا و به تعداد نصف سناتورهایی که توسط شورای استانها تعیین شده‌اند انتخاب می‌شوند. در صورتی که تعداد سناتورها فرد باشد یک سناتور

دیگر اضافه می‌گردد.

چهارم: اولاد ذکور پادشاه در سن ۱۸ سال تمام، حق دارند در جلسات مجلس سنا حضور به هم رسانند و در سن ۲۵ سال تمام حق رأی دارند. نمایندگان مجلس سنا برای مدت ۴ سال انتخاب می‌گردند و انتخاب کلیه نمایندگان هر ۴ سال یک بار تجدید می‌گردد. (ماده ۵۵) انتخاب مجلس سنا و مجلس شورا به صورت همزمان برگزار می‌شود. داوطلب عضویت در مجلس سنا باید بلژیکی الاصل باشد یا اینکه تابعیت بلژیک را با امتیازات عالی کسب کرده باشد، از حقوق سیاسی و مدنی بهره‌مند و مقیم بلژیک بوده و حداقل ۴۰ سال تمام داشته باشد.

از آنجایی که بنابر اصول مشروطه بلژیک، قوه مقننه به مجلسین تفویض شده است در واقع عامل واقعی قدرت در این کشور و در انتخابات احزاب می‌باشند. بدین ترتیب نمایندگان مجلسین متشکل از اعضای احزاب مختلف می‌باشند و وزیران نیز توسط احزاب معین می‌گردند و بدین ترتیب خطوط و جهات سیاسی بلژیک توسط احزاب این کشور تعیین می‌گردد. علاوه بر انتخابات پارلمانی در بلژیک انتخابات دیگری نیز انجام می‌شود. انتخابات شهرداریها هر ۶ سال یک بار و در دومین یکشنبه از ماه اکتبر برگزار می‌شود. انتخابات شورای استانها نیز عموماً همزمان با انتخابات پارلمانی انجام می‌شود. انتخابات پارلمان اروپا نیز هر ۵ سال یک بار و بطور سراسری در کل کشورهای عضو اتحادیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا برگزار می‌شود. در بلژیک در حال حاضر تعداد افراد دارای حق رأی یعنی افراد بالای ۱۸ سال حدود ۷/۲ میلیون نفر می‌باشد و طبق قوانین بلژیک افراد دارای تابعیت کامل در انتخابات الزامی است و برای افراد خاطی مجازاتهایی پیش‌بینی شده است.

نتایج آخرین انتخابات عمومی بلژیک

آخرین انتخابات عمومی بلژیک به صورت زودرس و در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۹۵ برگزار شد. در این انتخابات ۹ درصد از واجدین شرایط شرکت در انتخابات از مشارکت در آن خودداری

نمودند. در این انتخابات واجدین شرایط شرکت در انتخابات ۷۱۹۹۰۱۰ نفر بودند.

نتایج انتخابات مجلس نمایندگان

حزب	درصد آراء	تعداد کرسی	تغییرات کرسی پارلمانی
سوسیالیست فرانسه زبان	۱۱/۹	۲۱	-۲
سبزهای فرانسه زبان	۴	۷	-۱
لیبرال و فدراسیون دموکراتها فرانسه زبان	۱۰/۳	۱۸	+۲
جبهه ملی فرانسه زبان	۲/۳	۲	+۱
سوسیال مسیحی فرانسه زبان	۷/۷	۱۱	-۲
سوسیال مسیحی فلامان زبان	۱۷/۱	۲۹	+۲
سوسیالیست فلامان زبان	۱۲/۵	۲۰	+۲
لیبرالها و دموکراتها فلامان زبان	۱۳/۱	۲۱	+۲
ملت متحد فلامان زبان	۴/۷	۵	-۳
سبزها فلامان زبان	۴/۴	۵	بدون تغییر
بلوک فلامان زبان	۷/۸	۱۱	+۱

نتایج انتخابات مجلس سنا

حزب	درصد آراء	تعداد کرسی	تغییرات کرسی پارلمانی
سوسیالیست فرانسه زبان	۱۲/۷	۵	-۱
سبزهای فرانسه زبان	۴/۳	۲	بدون تغییر
لیبرال و فدراسیون دموکراتهای فرانسه زبان	۱۱/۲	۵	+۱
سوسیال مسیحی فرانسه زبان	۷/۲	۳	بدون تغییر
سبزهای فلامان زبان	۳/۸	۱	-۱
سوسیالیست فلامان زبان	۱۳/۲	۶	+۱

حزب	درصد آراء	تعداد کرسی	تغییرات کرسی پارلمانی
بلوک فلامان زبان	۷/۷	۳	بدون تغییر
ملت متحد فلامان زبان	۵/۳	۲	
لیبرالها و دموکراتها فلامان زبان	۱۳/۳	۶	+۱
سوسیال مسیحی فلامان زبان	۱۶/۸	۷	بدون تغییر

نتایج انتخابات مجلس شورای منطقه بروکسل

حزب	درصد آراء	تعداد کرسی ها	تغییرات کرسی پارلمانی
سوسیالیست فرانسه زبان	۲۱/۴	۱۷	-۱
سبزهای فرانسه زبان	۹	۷	-۱
لیبرال و فدراسیون دموکراتها فرانسه زبان	۳۵	۲۸	+۱
سوسیال مسیحی فرانسه زبان	۹/۳	۷	-۲
جبهه ملی فرانسه زبان	۷/۵	۶	+۴
سبزهای فلامان زبان	۰/۹	بدون کرسی	-۱
سوسیالیست فلامان زبان	۲/۴	۲	بدون تغییر
بلوک فلامان زبان	۳	۲	+۱
ملت متحد فلامان زبان	۱/۴	۱	بدون تغییر
سوسیال مسیحی فلامان زبان	۳/۳	۳	-۱
لیبرالها و دموکراتها فلامان زبان	۲/۷	۲	بدون تغییر

بدنبال مشخص شدن نتایج انتخابات مورخ ۲۱ مه ۱۹۹۵ براساس این سنت متداول، که پیش از تشکیل کابینه ائتلافی جدید، روسای مجلسین سنا و نمایندگان نیز انتخاب می شوند، آقای فرانک اسوالن رئیس سابق مجلس سنا از حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان در پست

خود ابقاء شده، آقای ریموند لانجاندری نیز از حزب سوسیال مسیحی فرانسه زبان به عنوان رئیس مجلس نمایندگان انتخاب شد. سپس آقای ژان لوک دوهان رهبر حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان^۱ برای دومین بار از سوی پادشاه مامور تشکیل کابینه ۱۷ نفری هیئت دولت شد. وی در ۶ مارس ۱۹۹۲ و متعاقب استعفای نهمین کابینه ویلفرد مارتنس اولین کابینه خود را تشکیل داده بود. بدین ترتیب حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان ضمن تصدی پست نخست وزیری ۵ وزارتخانه دیگر را نیز به خود اختصاص داده و با مشارکت احزاب سوسیالیست فلامان زبان با ۴ پست وزارت، سوسیالیست فرانسه زبان با ۵ پست وزارت و سوسیال مسیحی فرانسه زبان با ۲ پست وزارت کابینه ائتلافی را تشکیل داد. در این کابینه در مقایسه با کابینه اول دوهان ۵ وزیر شامل ۲ وزیر مشاور جدید وارد هیئت دولت شده مقام ۸ تن از وزراء اولین کابینه دوهان و همچنین معاونان نخست وزیر تغییری نکرد.

ترکیب دومین کابینه ائتلافی دوهان در اواخر ژوئن ۹۵

نام وزیر	وزارتخانه	گرایشات حزبی
یوهان و اندولانوت	معاون نخست وزیر و وزیر کشور	S.P
اریک دریک	امور خارجه	S.P
مارسل کولا	پانسیون و بهداشتی	S.P
یان پتروس	وزیر مشاور در امور امنیتی و امور جذب اجتماعی	S.P
هرمن وان رامپوی	معاون نخست وزیر و وزیر بودجه	C.V.P

۱. ژان لوک دوهان (Jean-Luc Dehaene) ۵۵ ساله فارغ التحصیل رشته حقوق و اقتصاد می‌باشد. او از سال ۱۹۷۱ به عنوان رئیس دفتر وزراء مختلف فلامان زبان در دولت مرکزی انجام وظیفه می‌نمود و از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ به ریاست دفتر نخست وزیر مارتنس منصوب شد. وی از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ بعنوان وزیر امور اجتماعی و فرمهای نهادی به کار اشتغال داشت و از سال ۱۹۸۸ پست معاونت نخست وزیر و وزیر ارتباطات و اصلاحات نهادی در کابینه‌های هشتم و نهم مارتنس را به عهده داشت. وی بدنبال رسوایی دولت در ماجرای سوء استفاده مالی در جریان خرید هلیکوپترهای آگوستا از ایتالیا در سال ۱۹۸۸ و تبعات این رسوایی بعنوان نخست وزیر بلژیک نایل شد.

نام وزیر	وزارتخانه	گرایشات حزبی
استفان دوکلرک	دادگستری	C.V.P
کارپتیکنسن	کشاورزی و شرکتهای متوسط و کوچک	C.V.P
میت اسمت	کار و اشتغال و تساوی شانس زنان و مردان	C.V.P
رژینالد مورل	وزیر مشاور در امور همکاری	C.V.P
الیودیروبو	اقتصاد و ارتباطات و معاون نخست وزیر	P.S
میشل داردن	حمل و نقل	P.S
مگدادوگلان	امور اجتماعی	P.S
آندره فلاهو	مشاغل دولتی	P.S
ایوان ایلیف	سیاست علمی	P.S
ملیکور واتله	دفاع ملی و معاون نخست وزیر	P.S.C
فیلیپ مای اشتات	دارایی و تجارت خارجی	P.S.C

سیستم دفاعی

الف - تاریخ نظامی بلژیک

بدنبال تاسیس دولت بلژیک کنفرانس لندن بیطرفی و استقلال این کشور را پیش‌بینی نمود. لئوپولد اول اولین پادشاه بلژیک برای تامین چنین هدفی ضرورت تشکیل ارتش را اعلام نموده بر لزوم استقرار نیروهای نظامی در سه موقعیت استراتژیک کشور یعنی آنتورپ، لیژ و نامور تاکید نمود. در جریان تاسیس ارتش با وجود عدم توفیق طرح استخدام لژیون سربازان خارجی، پادشاه به افسران فرانسوی متوسل شده آنها را به مدت ۱۰ سال برای تاسیس و سازماندهی ارتش بکار گرفت. بدین ترتیب ارتش بلژیک تا سال ۱۹۱۳ از نیروهای داوطلب و همچنین افراد مشمولی که به قید قرعه به خدمت فراخوانده می‌شدند تشکیل گردید. تا سال ۱۹۱۴ و آغاز جنگ جهانی اول ارتش مذکور ۲۰۸ هزار سرباز سازماندهی نموده بود این نیرو در

جریان جنگ بر علیه آلمانها به کارگرفته شد. بخشی از نظامیان بلژیک نیز در افریقا و در کنار متفقین وارد جنگ شد. نیروهای بلژیکی در عملیات دفاع از تانزانیا و سپس تصرف کامرون و همچنین افریقای شرقی آلمانها مشارکت داشتند. بطور کلی ارتش بلژیک در جنگ جهانی اول ۴۰ هزار نفر کشته داد. پس از خاتمه جنگ سیاست بی طرفی بلژیک مورد تجدید نظر قرار گرفته و بلژیک از سال ۱۹۲۳ ارتش خود را بازسازی نمود. در این دوره خدمت اجباری نظام بین ده الی ۱۳ ماه تعیین شد. بدین ترتیب ارتش بلژیک در سال ۱۹۴۰ به فرماندهی ۳۵ هزار افسر ثابت و ۹۰۰ هزار سرباز وارد جنگ دوم جهانی شد. ارتش بلژیک در این جنگ پس از ۱۸ روز مقاومت و از دست دادن ۱۴ هزار نفر از نیروی خود در ۲۸ مه ۱۹۴۰ به نیروهای آلمانی تسلیم شد پس از این تاریخ ارتش بلژیک با ۳۰۰۰ نفر نیروی مستقر در انگلیس در کنار سایر متفقین حضور داشت. در داخل بلژیک نیز حرکات تعرضی و چریکی بلژیکی ها تحت فرماندهی پرنس چارلز و ژنرال پی‌یر^۱ فرمانده ارتش مخفی انجام می‌گرفت.

ارتش بلژیک پس از خاتمه جنگ با الگو گرفتن از ارتش انگلیس در اشغال آلمان و همچنین جنگ کره در ۱۹۵۰ مشارکت داشت. ارتش بلژیک در سال ۱۹۶۰ و در جریان اشغال کنگو (زئیر) و همچنین در سال ۱۹۷۸ در جریان وقایع و حوادث داخلی این کشور در آنجا مداخله نظامی نمود.

ب - سیستم دفاعی

طبق قانون اساسی بلژیک پادشاه مسئولیت حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور را عهده‌دار بوده فرماندهی نیروهای مسلح را در اختیار دارد. انعقاد پیمانهای اتحاد با دیگر کشورهای جهان اعلام جنگ و صلح و اعطای درجات نظامی نیز از دیگر اختیارات وی می‌باشد.

طبق ماده ۱۱۸ قانون اساسی بلژیک روش استخدام در نیروهای مسلح، تعیین تعداد

1. General Pire

نیروهای وظیفه (سالانه) و مشخص کردن حقوق و وظایف پرسنل نظامی برعهده قوه قانونگذار می باشد لکن سیاست دفاعی کشور عملاً توسط هیئت وزراء اتخاذ می گردد.

بلژیک از جمله کشورهای اتحادیه اروپاست که عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می باشد. این کشور که در ژانویه ۱۹۵۱ به عضویت این سازمان درآمده است، سیاستهای دفاعی خود را همواره در چارچوب ناتو تنظیم می نماید. قابل ذکر است که مقر سرفرماندهی ناتو نیز در بروکسل مستقر می باشد.

خدمات نظام وظیفه اجباری از سال ۱۹۵۱ به ۲ سال تغییر یافته و این مدت به مرور زمان کاهش یافت تا اینکه در این کشور خدمت نظام وظیفه اجباری براساس پیشنهاد وزیر دفاع ملی و مصوبه هیئت دولت از اول مارس ۱۹۹۵ ملغی گردید.

ج - ساختار ارتش و بودجه دفاعی

بودجه دفاعی ارتش در سال ۱۹۹۳ بالغ بر ۲/۹ میلیارد دلار یعنی ۱/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور بوده مخارج دفاعی سرانه حدوداً ۲۸۸ دلار بوده است. در میان ۱۵ کشور عضو ناتو از نقطه نظر هزینه دفاعی بلژیک در رده ۱۲ قرار دارد. ارتش بلژیک در این سال کلاً از ۶۳ هزار نفر نیرو شامل ۲۰۰۰ نفر کادر پزشکی، ۳۰۰۰ نفر از زنان و ۱۳۳۰۰ نفر سرباز تشکیل می شده است.

علاوه بر این ارتش بلژیک ۲۲۸۸۰۰ نفر نیروی ذخیره شامل ۱۳۹۱۰۰ نفر در نیروی زمینی، ۳۶۸۰۰ نفر به عنوان کادر پزشکی، ۱۲۴۰۰ نفر در نیروی دریایی، ۴۰۵۰۰ نفر در نیروی هوایی تحت فرمان داشته است.

نیروی زمینی ارتش در آغاز سال ۱۹۹۳ از ۴۸ هزار نفر نیرو شامل ۱۳ هزار سرباز تشکیل یافته تجهیزات نیروی زمینی شامل:

- تانکهای لئوپارد، ام - ۴۱ واسکورپین

- خودروهایی زرهی پیاده نظام، نفربرهای زرهی

- توپهای خودکشش، موشکهای زمین به زمین لانسه
 - موشکهای هدایت شونده ضد تانک از نوع میلان
 - تجهیزات دفاع هوایی، موشک زمین به هوا از نوع هاوک
 - ۱۰ فروند هواپیمای حمل و نقل و ۸۴ فروند هلی کوپتر
- نیروی دریایی ارتش از ۲۹۰۰ نفر نیرو شامل ۳۰۰ نفر سرباز وظیفه تشکیل یافته، بلژیک و هلند آمادگی خود را در خصوص تشکیل یک فرماندهی عملیاتی مشترک دریایی باستثنای نظارت بر فعالیت زیر دریایی ها اعلام داشته‌اند. پایگاههای دریایی بلژیک در شهرهای بندری اوستند و زی بروژ قرار دارند. تجهیزات نیروی دریایی بلژیک شامل:
- ناوچه‌های جنگی مجهز به انواع توپها و موشکهای دریا به دریای آگروسه و موشکهای

اسپارو

- ناوچه‌های مین روب ۷ فروند
 - ناوچه‌های تدارکاتی و پشتیبانی
 - سه فروند هلی کوپتر
- نیروی هوایی بلژیک از ۱۲۱۰۰ نفر نیرو شامل ۱۰۰۰ نفر از زنان تشکیل یافته متوسط سالانه ساعت پرواز خلبانهای جنگی بلژیک ۱۶۵ ساعت می‌باشد. تجهیزات نیروی هوایی بلژیک شامل:

- ۴ اسکادران جنگنده اف - ۱۶ مخصوص بمبارانهای زمینی
- ۲ اسکادران جنگنده اف - ۱۶ مخصوص رزم هوایی
- ۱ اسکادران هواپیمای حمل و نقل سی - ۱۳۰
- ۱ اسکادران هواپیمای حمل و نقل متشکل از بوئینگ ۷۲۷ / بوئینگ ۷۴۸-اچ، اس /

مرلین و فالكون

- پنج اسکادران هواپیمای آموزشی آلفاجت
- ۱ اسکادران هواپیمای آموزشی اس، اف ۲۶۰ و یک اسکادران سی، ام ۱۷۰

- ۱ اسکادران هوایمای تجسسی و امدادی ام - کی ۴۸
- ۱۳۳ فروند هلی کوپتر جنگی
- هواپیماهای میراژ - ۵ و موشکهای هوا به هوای ساید و ایندر

د - نیروهای نظامی بلژیک در خارج

بلژیک در قالب همکاری با سازمانهای بین‌المللی از قبیل ناتو و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در خارج از کشور نیز حضور نظامی دارد.

در آلمان ۱۰۳۰۰ نفر از نظامیان بلژیک مستقر می‌باشند. در قالب نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد نیز یک فروند ناوچه جنگی بلژیک به عنوان گارد ساحلی در دریای آدریاتیک حضور دارد. در بوسنی نیز ۴۲۲ نظامی بلژیکی بعنوان نیروهای پیاده و همچنین حمل و نقل کالا برای مردم تحت محاصره بوسنی حضور دارند. در کرواسی نیز ۶۱۳ نفر نظامی بلژیکی به عنوان نیروهای حافظ صلح و ۶ نفر بعنوان ناظر حضور دارند.

در منطقه حایل میان هندوپاکستان ۲ نفر، در منطقه خاورمیانه ۶ نفر و در منطقه صحرا در غرب افریقا نیز ۱ نفر از نظامیان بلژیکی بعنوان ناظران صلح حضور دارند.

در بلژیک ۱۴۰۰ نفر از نظامیان امریکایی شامل ۸۰۰ نفر از نیروی زمینی، ۱۰۰ نفر از نیروی دریایی و ۵۰۰ نفر از نیروی هوایی مستقر هستند.

هدف سیاست خارجی بلژیک را می‌توان در عبارت «وحدت اروپای غربی» خلاصه نمود. تجارب بلژیک از دو جنگ جهانی این کشور را بر آن داشته است که به منظور حفظ امنیت و مصالح خود و به مصداق پیروی از شعار رسمی «اتحاد نیرو آفرین است» با کشورهای همجوار همکاری نزدیکی داشته باشد و ضمناً در مجامع منطقه‌ای شرکت نمایند. لذا اقدامات بلژیک بعد از جنگ دوم جهانی در این مسیر و در راه فراهم آوردن موجبات ایجاد شرایط مساعد و جلب همکاری با دول مقتدر اروپا بوده است زیرا که توفیق در این امر در تامین ثبات سیاسی، مصالح و منافع اقتصادی و حفظ تمامیت ارضی و استقلال این کشور نقش اساسی و غیر قابل انکاری را ایفا می‌نماید. در همین روند و چشم انداز سیاسی است که بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی دولت بلژیک به عوض پیروی از یک سیاست انتقام جویانه و یا انضمام اراضی غربی آلمان علی‌رغم مشقاتی که ملت بلژیک از تهاجم نازیها متحمل شده بود درست برعکس متفقین رویه بسیار معتدلی و ملایمی نسبت به آلمان مغلوب در پیش گرفت و زمینه را به منظور ایجاد شرایط مناسب و مساعد فراهم آورد. موازی با این سیاست بلژیک مساعی مستمر خود را جهت ایجاد سازمانهای منطقه‌ای اروپایی معطوف داشته است. در این سیره قرارداد اتحاد گمرکی بلژیک، هلند و لوکزامبورگ (بنلوکس) در سال ۱۹۴۴ توسط دولت موقت و در حال تبعید بلژیک که در لندن بسر می‌برد امضاء شد و همچنین در سال ۱۹۴۹ دولت بلژیک به سازمان

پیمان آتلانتیک شمالی و سپس به اتحادیه ذغال و فولاد اروپا پیوست. در سال ۱۹۴۶ به عنوان قدردانی از مشقاتی که دولت و ملت انگلیس در طی جنگ دوم متحمل شده بودند، پنجاه نفر کارگر متخصص خود را به منظور ترمیم یکی از بنادر کشور مذکور در اختیار آنان گذاشت. با ایجاد «سازمان دفاع منطقه‌ای بنلوکس» در سال ۱۹۴۸ اولین اقدام برای پایه‌گذاری دفاع از بروکسل را انجام داد و پس از آن اولین گام جهت توسعه دفاع از اروپای غربی و همچنین تامین وحدت اروپا در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برداشت. دولت بلژیک به همراهی دیگر کشورهای عضو بنلوکس برای اولین بار طرح پیشنهاد تشکیل بازار مشترک (اتحادیه اروپا) را ارائه داد و متعاقباً با مراات و جدیت زیادی آن را پیگیری نمود. تنظیم و انعقاد پیمان رم در سال ۱۹۵۷ که اساس بازار مشترک را تشکیل می‌داد تا حد قابل توجهی مرسوم و ممارست و خدمات کشور بلژیک می‌باشد. بعد از تشکیل بازار مشترک متشکل از کشورهای آلمان، ایتالیا، بلژیک فرانسه، هلند و لوکزامبورگ دولت بلژیک علاقه خاصی به لزوم مشارکت انگلستان در بازار مشترک نشان داده و اگر چه در همان زمان به تشکیل اتحادیه دیگری موسوم به «منطقه آزاد تجاری اروپا» مبادرت ورزیده بود، ولی این کشور فعالانه به ادامه مساعی خود در راه الحاق انگلیس به بازار مشترک پرداخت و مصرانه در مورد ورود آن کشور به بازار مشترک از تشویق و فعالیت دست برداشت تا سرانجام انگلیس نیز به این اتحادیه ملحق گردید. بلژیک معتقد است که در قبال سایر معضلات سیاسی و اقتصادی موجود و وضع متلاطم و آشفته صحنه سیاست بین‌المللی تنها وحدت اروپا و توافق اعضا آن می‌تواند استقامت لازم را در برابر مشکلات و حملات خارجی داشته باشد بنابراین فعالیتهای فردی و جداگانه را تحریم و مبارزه دسته جمعی و وحدت را تشویق می‌نماید. این کشور از اختلافات اعضای اتحادیه اروپا عمیقاً ابراز تاسف نموده زیرا معتقد است نتایج روانی و سیاسی چنین اختلافاتی محصولی جز تضعیف اروپا دربرنخواهد داشت. با اعتقاد بلژیک اتحادیه اروپا بدون همبستگی اعضا آن موجودیت خود را از دست خواهد داد. دولت بلژیک در جهت تحقق بخشیدن به وحدت اروپا و حفظ و تقویت هم آهنگی بین نهادهای تشکلات اروپایی خصوصاً ایجاد نزدیکی و تفاهم بیشتر میان شورای

اروپایی و پارلمان اروپایی از کوشش و جدیت و تفاهم فروگذار نکرده است. از آنجایی که مسئله تشنج زدایی و دفاع از مسائل اساسی اتحادیه اروپایی است، ایجاد بعدی منسجم در بطن پیمان آتلانتیک شمالی یکی از ارکان سیاست خارجی بلژیک به شمار می‌رود و در این چارچوب همکاری سیاسی فی نفسه یک بار عوامل موثر و نافذ و ضروری در جهت تحقق بخشیدن به این هدف محسوب می‌شود. از لحاظ سیاست دفاعی دولت بلژیک خود را یکی از اعضای مومن به پیمان آتلانتیک شمالی می‌شمارد و بعضی تفاسیر و اعتقادات و تحریراتی که پیرامون ضعف و سستی وابستگی بلژیک به پیمان ابراز می‌گردد را به شدت تکذیب می‌نماید. در چارچوب حضور فعال بلژیک در ناتو ویلی کلاوز وزیر خارجه اسبق این کشور از پاییز ۱۳۷۳ به عنوان دبیر کل ناتو منصوب گشت.

البته ناگفته نماند در چارچوب گرایش‌های اخیر اروپاییان در زمینه لزوم تاسیس یک تشکیلات امنیتی اروپایی بلژیک نیز علاقمندی خود را به تحقق چنین طرحی مخفی نکرده است. در این رابطه ژان لوک دوهان نخست وزیر بلژیک در جریان سفر بهمن ماه ۱۳۷۳ خود به امریکا با مقامات امریکایی مذاکراتی داشت.

دیدگاه سیاسی بلژیک در رابطه با قاره آفریقا که در چارچوب مذاکرات شمال جنوب نیز جای می‌گیرد عبارت است از ادامه روابط سنتی بلژیک با کشورهایمانند زئیر، رواندا و بروندي و متنوع ساختن روابط با کشورهای آفریقایی یا به عبارتی دیگر گسترش روابط با قاره آفریقا است. چهار محور اساسی سیاست خارجی بلژیک را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- تکوین وحدت و اتحاد اروپا
- تحکیم روابط و همکاری نزدیک با سازمان آتلانتیک شمالی
- تمدید سیاست تشنج زدایی جهانی
- تعقیب مذاکرات شمال جنوب، مذاکرات با جهان عرب و بسط توسعه روابط با آفریقا
- به عبارتی دیگر نیز اصول سیاست خارجی بلژیک را می‌توان در زیر خلاصه کرد:
- از لحاظ سیاسی حفظ مصالح امنیتی و تمامیت ارضی و استقلال

- واز لحاظ اقتصادی تحصیل منافع اقتصادی، توسعه امکانات بازرگانی و صادرات

نقش کشور در سیاست جهانی

با این که بلژیک کشور کوچکی می باشد و نمی توان انتظار داشت که سیاست خارجی آن منشاء اثرات مهمی در روابط سیاسی بین المللی باشد معهذ این کشور با داشتن سیاستمداران برجسته ای چون ژامن ری، هانری اسپاک و پیرها رمل توانسته است مصالح و منافع ملی خود را در سازمانهای بین المللی منجمله سازمان پیمان آتلانتیک شمالی تامین نماید. مسئولان سیاست خارجی بلژیک از کلیه امکانات موجود برای پیشبرد هدفهای سیاست خارجی بلژیک استفاده نموده اند. پیرهارمل وزیر امور خارجه سابق بلژیک ضمن دنبال نمودن فکر وحدت اروپای غربی اقدامات قابل توجهی در زمینه ایجاد روابط سیاسی نزدیکتر با کشورهای اروپای شرقی نیز به عمل آورد. وی در دسامبر ۱۹۶۶ طرح سیاسی بسیار مشهوری که به طرح هارمل موسوم گردیده است برای تجدید در هدفهای نظامی - سیاسی و اقتصادی ناتو عرضه نمود که انطباق کامل با خطوط اساسی سیاست خارجی بلژیک داشته است. طرح هارمل مسائل روابط شرق و غرب، سیاست دفاعی ناتو و چگونگی روابط بین متفقین غربی را دربرداشته است. این طرح که از زمان ریاست جمهوری ژنرال دوگل ارائه شده بود مورد مخالفت فرانسه قرار گرفت ولی بعداً در دسامبر ۱۹۶۸ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی آن را تصویب نمود.

همانطور که قبلاً اشاره شد دبیرکل فعلی ناتو یک فرد بلژیکی است و همچنین در جریان رقابتها و کشمکشهای جناحهای داخلی اتحادیه اروپا در سال ۹۴ ژان لوک دوهان یکی از مهمترین کاندیدهای احراز اجرایی ترین پست داخلی اتحادیه اروپا یعنی ریاست کمیسیون اروپا بود لکن بدنبال مخالفت انگلیس ژال سانتر از لوکزامبورگ برای این پست حساس انتخاب شد. بلژیک در حال حاضر در اجرای حفظ منافع ملی خود اقدامات گسترده ای در زمینه ایجاد روابط و آغاز مذاکرات سیاسی با کشورهای جهان به عمل آورده و با اکثر کشورهای جهان رابطه سیاسی و اقتصادی دارد.

عوامل داخلی موثر در سیاست خارجی

بلژیک کشور کوچکی است که وابسته به بازرگانی خارجی و صادرات می‌باشد لذا تامین ثبات اقتصادی و دسترسی دائم به بازارهای خارجی از اولویت خاصی در این کشور برخوردار است و حدود نیمی از تولید ناخالص ملی این کشور از صادرات می‌باشد. با توجه به این حقیقت اساس سیاست خارجی بلژیک بر مبنای همکاری با کشورهای اروپایی نهاده شده تا بدین ترتیب ضمن حفظ بازارهای صادراتی اروپایی و بازارهای نفتی از نفوذ این کشورها در دیگر مناطق جهان، ثبات سیاسی و اقتصادی بلژیک نیز تامین گردد. لذا این کشور یکی از پایه‌گذاران سازمانهای منطقه‌ای در اروپا و غرب می‌باشد و با توجه به این امر همواره سعی دارد از موضوع‌گیری انفرادی و مشخص در رابطه با مسائل سیاسی جهان خودداری نماید و در مواردی نیز با اتخاذ موضع بیطرفانه و خنثی خود را از مسائلی که می‌تواند بر روابط اقتصادی خارجی‌اش اثر بگذارد دور نگه دارد. بر اساس این سیاست در چارچوب اتحادیه‌های اروپایی همواره از طرفداران اتخاذ موضع در قبال مسائل بین‌المللی بوده و در اغلب بحرانها و مسائل جهانی مشاهده شده است که همواره اعلام نظرات بلژیک به بعد از مشخص شدن موضع اتحادیه اروپا و یا ناتو موکول شده است.

با توجه به این واقعیات است که سیاست خارجی و سیاست بازرگانی بلژیک دارای رابطه بسیار نزدیکی می‌باشد بنحوی که حتی در تشکیلات اجرایی نیز وزارت روابط با کشورهای اروپایی و وزارت بازرگانی خارجی این کشور نیز در یکدیگر ادغام شده‌اند.

نقش قدرتهای خارجی در تعیین سیاست خارجی

بلژیک بلحاظ عضویت در پیمان ناتو یکی از متحدین نظامی آمریکا محسوب می‌گردد و بدین خاطر نیز سیاست بلژیک در رابطه با شوروی سابق منطبق با سیاست متحدین غربی بوده است. روابط بلژیک با شوروی سابق و روسیه امروز نیز بیشتر جنبه اقتصادی داشته اصولاً این کشور روسیه و جمهوریهای جدیدالتاسیس را به عنوان بازارهایی مساعد برای صادرات هر

چه بیشتر کالاهای بلژیکی ارزیابی می‌کند. در رابطه با حوادث خونبار مداخله نظامی روسیه در جمهوری استقلال طلب چین در زمستان ۱۳۷۳ دولت بلژیک ضمن انتقاد از اعمال خشونت و نقض حقوق بشر، به مسکو توسل به راه حلی مسالمت آمیز را توصیه نمود. در این رابطه نخست وزیر بلژیک در تاریخ ۲۳ دی ماه ۱۳۷۳ ضمن دیدار با سفیر روسیه نگرانی عمیق کشورش را از تحولات مذکور را به وی ابلاغ نمود. همچنین در صحنه روابط دو کشور بلژیک در سالهای اخیر ضمن اعلام این نکته که در جریان جنگ دوم جهانی قریب ۱۹ هزار پرونده حاوی اسناد و اوراق رسمی دولت بلژیک توسط آلمانها ربوده و پس از شکست آلمان بدست روسها افتاده خواستار استرداد آنها از سوی مسکو شده است. ظاهراً روسیه در خلال جنگ سرد از این اسناد که دوسوم آنها اسناد نظامیست، در رابطه با فعالیتهای جاسوسی خود به کار می‌برده است. روابط سیاسی بلژیک با کشورهای اروپای شرقی نیز از آنجا که این کشورها خواستار عضویت در اتحادیه اروپا می‌باشند، بر این موضوع متمرکز می‌باشد. ظاهراً بلژیک نظر مساعدی به پذیرش درخواست مذکور ندارد و معتقد است که کشورهای اروپای شرقی باید جهت تطبیق خود با استانداردهای اتحادیه اروپایی تلاش کنند.

همانگونه که قبلاً اشاره شد بلژیک نه تنها یکی از متحدین آمریکاست بلکه بخاطر روابط بسیار نزدیک اقتصادی با این کشور بلژیک یک نوع وابستگی عمیق به امریکا دارد بطوری که این امر در سیاست خارجی بلژیک براحتمی قابل تشخیص است در خصوص روابط بلژیک و امریکا قابل ذکر است که امریکا مهمترین منبع سرمایه‌گذاری در بلژیک است. در بلژیک حدود هزار شرکت امریکایی فعالیت می‌کنند که حدود ۱۴۵ هزار نفر را در استخدام خود دارند. امریکا بعد از اتحادیه اروپا مهمترین کشور صادر کننده به بلژیک است. همچنین امریکا بعد از اتحادیه اروپا مهمترین کشور وارد کننده محصولات بلژیکی محسوب می‌گردد. در جریان سفر بهمن ماه ۱۳۷۳ نخست وزیر بلژیک به امریکا نیز روابط تجاری دو کشور یکی از مهمترین محورهای مذاکرات سران دو کشور بود. سایر زمینه‌های مذاکرات طرفین در طول این سفر را موضوع مشارکت ماوراء آتلانتیک بعد از جنگ سرد، اوضاع روسیه، افریقای مرکزی، یوگسلاوی سابق

بازیابی تعادل مناطق اقتصادی مهم دنیا و طراحی ساختار و تشکیلات جدید امنیت اروپا و جایگاه چنین تشکیلاتی در کنار ناتو تکمیل می‌داد. در آستانه این سفر گفته می‌شد امریکا از بلژیک در مورد اعزام یک فروند کشتی جهت نظارت بر کنترل محاصره دریایی عراق در خلیج فارس درخواست مساعدت نموده بود. دولت بلژیک در اثنای بحران کویت و جنگ خلیج فارس در سال ۹۰ و ۹۱ با اعزام دو ناو جنگی خود به خلیج فارس در عملیات محاصره دریایی عراق در کنار متفقین انجام وظیفه نموده بود. لازم به ذکر است نخست وزیر بلژیک در جریان سفر مذکور کشورش را به عنوان دروازه اروپا مطرح ساخته بود.

موقعیت منطقه‌ای

بلژیک گسترده‌ترین روابط را با همسایگان خود دارد و با هیچ یک از همسایگان خود دارای اختلاف مرزی نمی‌باشد و طرفدار همکاری هرچه بیشتر کشورهای اروپایی با یکدیگر بوده و بدین لحاظ همیشه نقش نزدیک کننده نظریات این کشورها را داشته است.

بلژیک در اکثر پیمانهای اروپای غربی نه تنها عضو می‌باشد بلکه از بنیانگذاران آنها می‌باشد. اتحادیه اقتصادی بنلوکس بین سه کشور بلژیک، هلند و لوکزامبورگ که در بحبوحه جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۴ بین دولتهای موقت سه کشور در لندن امضاء شد از آن جمله و از اولین اتحادیه‌هایی است که در اروپا تشکیل شده است. به موجب قرارداد گمرکی که در ۵ سپتامبر ۱۹۴۴ در لندن امضاء شد تعرفه‌های گمرکی بین سه کشور ملغی شد و بدین ترتیب گام اول را در راه ایجاد اتحاد گمرکی و اقتصادی کامل بعدی برداشته شد. این قرارداد با انعقاد پروتکل ۱۴ مارس ۱۹۴۷ لاهه تجدید گردید و از اول ژانویه ۱۹۴۸ اتحاد گمرکی بین سه کشور بوجود آمد. به این ترتیب با لغو عوارض گمرکی بین سه کشور اتحادیه اقتصادی بنلوکس ایجاد گردید و تعرفه‌ای عمومی و مشترک برای واردات خارج از اتحادیه تعیین شد. از دیگر سیاستهای منطقه‌ای که بلژیک عضو آن می‌باشد اتحادیه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی است که اکثریت کشورهای اروپای غربی عضو آن می‌باشند. بعد از آنکه اتحاد گمرکی بین سه کشور بنلوکس

بوجود آمد در ماه مارس ۱۹۴۸ کشورهای مذکور درصدد ایجاد نخستین سازمان دفاعی اروپا یعنی سازمان دفاع منطقه‌ای بنلوکس برآمدند. کشورهای فرانسه و انگلیس نیز بعداً به این سازمان ملحق شدند و پیمان دفاعی بروکسل را بنیاد نهادند. این امر موفقیت بزرگی برای سیاست خارجی بلژیک محسوب می‌گردید ولی از آنجایی که در آن زمان بین طرز فکر و رویه دولتهای بلژیک و انگلیس نسبت به مساله تامین وحدت و دفاع اروپای غربی تفاوتی وجود داشت و این پیمان از نظر انگلیس کافی نبود سعی نمود امریکا را نیز در امر دفاع اروپای غربی شریک نماید سرانجام براساس تفاهم کشورهای اروپایی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به وجود آمد و دولت بلژیک نیز در امضاء این پیمان در ۴ آوریل ۱۹۴۹ شرکت جست.

بعد از امضای پیمان ناتو، بلژیک توجه بیشتری به همکاریهای اروپایی مبذول داشت و در سال ۱۹۵۱ اعضای بنلوکس به اتفاق سه کشور فرانسه، آلمان و ایتالیا جامعه ذغال و فولاد اروپا را برای نظارت در امر تولید و فروش ذغال و فولاد اروپا بوجود آوردند. در اول ژانویه ۱۹۵۸ بلژیک به اتفاق ۵ کشور دیگر عضو جامعه ذغال و فولاد طرح جامعه انرژی اتمی اروپا یا اوراتوم را برای ایجاد وسایل فنی و صنعتی لازم به منظور بهره‌برداری از تحقیقات اتمی و تولید انبوه نیروی اتمی به مرحله اجرا درآوردند. در همان تاریخ جامعه اقتصادی اروپا که بعدها به بازار مشترک اروپا، جامعه اروپا و اتحادیه اروپا تغییر نام داد با هدف برقراری آزادی تدریجی نقل انتقال سرمایه‌ها، رفت و آمد کارگران و حق کار، لغو موانع موجود در فعالیت صاحبان مشاغل آزاد و استقرار آنها در سرتاسر ممالک عضو به وجود آمد. تاسیس این دو جامعه بدنبال همکاریهای موفقیت آمیز کشور در جامعه ذغال و فولاد اروپا و نتیجه قراردادهای رم مورخ ۲۵ مارس ۱۹۵۷ بوده است در فاصله سالهای ۹۵-۱۹۷۳ با عضویت ۹ کشور دیگر اروپایی یعنی دانمارک، ایرلند، انگلیس، یونان، پرتغال، اسپانیا، سوئد، فنلاند و اتریش اعضای اتحادیه اروپا به ۱۵ کشور افزایش یافت.

روابط با بلوکهای سیاسی، اقتصادی و نظامی

بلژیک به عنوان یکی از بنیانگذاران ناتو با توجه به اینکه با امریکا هم پیمان می‌باشد در اکثر موارد در سیاستهای بین‌المللی به عنوان تابعی از امریکا عمل کرده است ولی این کشور در چارچوب سیاستهای اتحادیه اروپا اختلافاتی در خصوص مسایل اقتصادی و بعضی مسائل سیاسی جهان با امریکا دارد.

موضع‌گیری بلژیک در قبال روسیه و جمهوریهای جدیدالتاسیس پس از فروپاشی شوروی بیشتر در قالب سیاستهای اتحادیه اروپا شکل می‌گیرد در دوران قبل از فروپاشی نیز موضع‌گیری بلژیک در قبال مسائلی چون اشغال لهستان، مجارستان و اخیراً در افغانستان توسط ارتش سرخ نیز در همین چارچوب تعیین می‌شد. در دوران جنگ سرد بلژیک معتقد بود که شوروی مرتباً سعی دارد توازن قوا را در نقاط مختلف جهان بر هم زده و سپس برتری استراتژیک خود را به برتری سیاسی مبدل سازند و فقط با این استدلال استقرار موشکهای اس - اس - ۲۰ روسها توجیه می‌شد یعنی از آنجا که هیچ یک از کشورهای اروپایی توان و قصد حمله به روسها را نداشت بنابراین دلیلی نیز برای استقرار موشکهای روسی در اروپای شرقی وجود نداشت لذا سلاحهای مذکور تنها به منظور تامین اهداف سیاسی مسکو بکار می‌رفت.

در قبال تحولات اخیر بلوک شرق و بویژه فروریختن دیوار برلین، موضع بلژیک مشابه موضع هم‌پیمان خود در چارچوب پیمان ناتو و اتحادیه اروپا بوده و بر این نکته تاکید دارد که اتحادیه اروپا باید مداخلات و کمک خود به بازماندگان بلوک شرق را بر محور ادامه اصلاحات قرار دهد از جمله اصلاحاتی که به نظر مقامات بلژیک باید در این کشورها صورت پذیرد تقویت سیستم دموکراتیک پارلمانی، تضمین خروج قدرت انحصاری از حزب کمونیست، تفکیک قوا، از هم پاشیدن دستگاه پلیسی و کاهش نیروی نظامی می‌باشد.

عضویت در مجامع و سازمانهای بین‌المللی

بلژیک عضو سازمان ملل متحد و ارگانهای تخصصی آن بوده و در این مجامع فعال

است. بلژیک در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل درآمد. ولی با توجه به این واقعیت که بلژیک کشور کوچکی است لذا دارای نفوذ قابل توجهی در این گونه سازمانها نیست. بلژیک علاوه بر عضویت در سازمان ملل در اکثر سازمانهای بین‌المللی و از جمله در سازمانهای زیر عضویت دارد: ناتو، اتحادیه اروپا، بنلوکس، شورای اروپا، اطاق بین‌المللی تجارت، صلیب سرخ جهانی و کمیته بین‌المللی آن، سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه، آژانس بین‌المللی انرژی، اتحادیه اروپای غربی و غیره

روابط با کشورهای جهان سوم

بلژیک که تا چندی پیش رسماً در افریقا مستعمراتی داشت هنوز هم توجه خاصی به این قاره مبذول می‌دارد و در بعضی از کشورهای افریقایی نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را کم و بیش حفظ کرده است. این قاره از اهمیت خاصی برای بلژیک برخوردار است به طوری که حتی یکی از وزرای امور خارجه این کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی ابراز داشته بود که اهمیت افریقا برای اروپای غربی از نقطه نظرات گوناگون بویژه از لحاظ اقتصادی، استراتژیک و سیاسی بر کسی پوشیده نیست و از نظر اولویتهای سیاسی بلژیک دارای مقامی بعد از اتحادیه اروپا و ناتو می‌باشد. ۳۶ درصد از کل صادرات بلژیک به کشورهای در حال توسعه و به قاره افریقا اختصاص دارد و در همین حال افریقا از عمده‌ترین قاره‌های تامین کننده مواد اولیه مورد نیاز این کشور می‌باشد. بلژیک در بین کشورهای افریقایی روابط خاصی با زئیر، رواندا و بروندي یعنی کشورهای افریقای مرکزی دارد. البته اوضاع داخلی بی‌ثبات در زئیر و درگیریهای قومی در رواندا که شدیدترین مورد آن در بهار ۱۳۷۳ منجر به کشته شدن حدود ۸۰۰ هزار رواندایی شد در روند روابط بلژیک با این کشورها مشکلاتی را به وجود آورده که منجر به یکسری بحثهای جنجال برانگیز در بلژیک شده است. از طرفی بلژیک بدلیل منافع اقتصادی خود چاره‌ای جز حفظ روابط نزدیک با این کشورها ندارد و از طرفی نیز روابط نزدیک با رژیمهای غیر دموکراتیک این کشورها افکار عمومی داخلی بلژیک را سخت آزرده می‌سازد.

علاوه بر افریقای مرکزی بلژیک بدنبال تحولات اخیر افریقای جنوبی و سرنگونی رژیم نژادپرست آن و روی کار آمدن حکومت مردمی نلسون ماندلا، بلژیک نیز درصدد توسعه و گسترش روابط خود با این کشور می‌باشد. در همین راستا شاهزاده فیلیپ ولیعهد بلژیک به همراه یک هیئت اقتصادی در ژانویه ۱۹۹۵ وارد افریقای جنوبی شد. لازم به تذکر است که بلژیک در دوران آپارتاید نیز روابطی گسترده اما غیر علنی با افریقای جنوبی داشت. بلژیک یکی از کشورهایی بود که افریقای جنوبی به کمک آنها مرکز برق هسته‌ای خود را در منطقه کوبورگ در سال ۱۹۹۲ راه‌اندازی نمود.

در قبال تحولات الجزایر دولت بلژیک مایل است وضعیت بی‌ثبات ناشی از فعالیت بنیادگرایان مسلمان هرچه زودتر خاتمه یابد. در این رابطه در جریان سفر وزیر خارجه الجزایر به بروکسل در اسفند ۱۳۷۳ پلیس بلژیک اقدام به دستگیری تعدادی از مسلمانان الجزایری مقیم بلژیک نموده مدعی شد آنان سلاح غیرقانونی نگهداری می‌کردند. متعاقب این اقدام بلژیک مسلمانان الجزایری نیز بلژیک را به مقابله به مثل تهدید نمودند. دولت بلژیک در سودان نیز تحت عنوان کمک‌های انساندوستانه به مردم جنوب سودان (شورشیان عمدتاً مسیحی سودان) از سال ۱۳۷۳ اقدام به فروریختن کمک‌ها از هواپیما نمود. دولت سودان مدعی است بلژیک به این بهانه در جنوب سودان مهمات توزیع نموده است. سربازان بلژیکی در سال ۱۹۹۲ و در چارچوب عملیات سازمان ملل در سومالی به این کشور اعزام شده بودند.

در قاره آسیا مسائل اساسی و مهمی چون روابط اقتصادی و تجاری با ژاپن، مسئله روابط با چین و موضوع حقوق بشر در این کشور، روابط بلژیک و اتحادیه اروپا با اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی موسوم به آسه آن، مسئله عراق و آینده آن، انقلاب اسلامی ایران و اثرات بنیادگرایی اسلامی بر منافع غرب در کشورهای اسلامی، مسئله فلسطین و تاثیر انتفاضه بر روند صلح خاورمیانه و همچنین موضوع افغانستان در پیش روی بروکسل قرار دارد. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، بلژیک در اکثر این موارد با سیاستها و عملکرد اتحادیه اروپا و امریکا هماهنگ می‌باشد.

در کنار اصل غیر قابل انکار مذکور و با توجه به تغییرات اساسی در ساختار داخلی و رشد اقتصادی سریع ویتنام، بلژیک نیز در کنار سایر کشورهای غربی در سال ۱۳۷۳ توجه خاصی به بازارهای مساعد این کشور مبذول داشت. در همین راستا یک هیئت عالی‌رتبه اقتصادی بلژیک به ریاست شاهزاده فیلیپ ولیعهد این کشور در تاریخ ۷ آذر ۱۳۷۳ جهت مذاکره با مقامات ویتنامی وارد این کشور شدند. در این سفر طرفین در خصوص سرمایه‌گذاری بلژیک در ویتنام به توافقاتی رسیدند.

در رابطه با روابط بلژیک و رژیم صهیونیستی نیز قابل ذکر است که روابط دیپلماتیک این دو کشور در سطح سفارت بوده و آنها روابط گسترده اقتصادی دارند. بلژیک از حق موجودیت اسرائیل به عنوان یک کشور مستقل نیز حمایت می‌کند. این سیاست از آغاز تشکیل دولت اسرائیل تاکنون توسط دولتهای مختلف بلژیک دنبال شده است. موضوع رسمی دولت بلژیک در قبال مسئله خاورمیانه و فلسطین نیز همان موضع کشورهای عضو اتحادیه اروپا است که در اعلامیه سال ۱۹۸۰ و از سوی ده عضو وقت این اتحادیه، اعلام شده است. بلژیک در عین حال با توجه به نیازهای نفتی خود سعی نموده است در خصوص مسئله فلسطین خود را از درگیری با اعراب دور نگه دارد. معهدا بلژیک همواره در مجامع بین‌المللی از رژیم صهیونیستی حمایت نموده است. کمیسیون اروپایی در سال ۱۹۹۳ مشارکت و همکاری اسرائیل با بلژیک را توصیه نموده بود. متعاقب آن دو کشور در زمینه همکاریهای تکنولوژیک و بازرگانی تماسهایی را با یکدیگر شروع کردند. قابل ذکر است که بندر آنتورپ به عنوان مرکز تجارت جهانی الماس شهرت دارد و تجارت الماس در این کشور عمدتاً در انحصار یهودیان بلژیک می‌باشد. همچنین قابل ذکر است که اسرائیل مایل است الگوی جوامع متفاوت بلژیکی در بروکسل را در طراحی سیستم مناطق چند زبانی و چند فرهنگی بیت‌المقدس مورد استفاده قرار دهد.

براساس اطلاعات و اسناد موجود اولین مذاکرات رسمی برای عقد قرارداد بازرگانی بین دولتین ایران و بلژیک در سال ۱۲۲۰ هجری شمسی (۱۸۴۱ م) در اسلامبول توسط میرزا جواد خان سفیر کبیر ایران در دربار عثمانی و بارون فرانسواژان وزیر مختار بلژیک در ترکیه شروع و در پایان همان سال قرارداد مزبور به امضاء رسید. سپس در سال ۱۲۳۶ هجری شمسی (۱۸۵۷ م) عهدنامه مودت و تجارت بین دو کشور مشتمل بر یک مقدمه و ۹ ماده و یک نتیجه به وسیله فرخ خان امین الملک سفیر ایران در پاریس به نمایندگی از طرف ناصرالدین شاه و شارل ویلن وزیر امور خارجه بلژیک به نمایندگی از طرف لئوپولد شاه بلژیک در بروکسل به امضاء رسید. در سال ۱۲۵۲ هجری شمسی (۱۸۷۳ م) هیئتی به ریاست میرزا ملکم خان که برای فراهم آوردن زمینه مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا عزیمت نموده بود، وارد بروکسل شد. در سال ۱۲۶۷ هجری شمسی (۱۸۸۸ م) بلژیکیها شرکت سهامی خط آهن و تراموای ایران را تاسیس نموده و راه آهن یک خطه‌ای را به طول ۹ کیلومتر بین تهران و شهرری ساختند. همین شرکت صاحب امتیاز واگن اسبی در تهران بوده و برنامه ساختن راه آهن سرتاسری ایران از تغلیس تا بندر معشور (ماهشهر) را نیز طراحی نمود. روابط سیاسی دو کشور با افتتاح سفارت ایران در بلژیک توسط یمین السلطنه مامور فوق‌العاده و وزیر مختار دولت ایران بیش از صد سال پیش در ۲۷ آبان ۱۲۶۷ (۱۸۸۹ م) آغاز شده است. متعاقب آن سفارت بلژیک در ایران نیز

در ۲۶ اردیبهشت ۱۲۶۹ (م. ۱۸۹۰) توسط بارون درپ اولین وزیر مختار بلژیک نزد دربار ایران افتتاح گردید.

اسامی و مدت اشتغال به خدمت مسئولین سفارت ایران در بروکسل

قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی

۱۲۷۲	آبان ۱۲۶۸	یمین السلطنه
۱۲۷۵	۱۲۷۲	میرزا جواد سعدالدوله
۱۲۸۶	۱۲۷۵	میرزا احمد خان نصیرالدوله بدر
۱۳۰۴	۱۲۸۶	میرزا محمودخان محتشم السلطنه
۱۳۱۲ اردیبهشت	آبان ۱۳۰۵	علی اکبر بهمن
۱۳۱۵	۱۳۱۲	حسنعلی غفاری
۱۳۱۷ مرداد	مهر ۱۳۱۶	تقی نبوی معزالدوله
۱۳۱۹	۱۳۱۷	عبدالله بهرامی (قطع روابط بدلیل اشغال بلژیک توسط آلمانها)
۱۳۲۷	۱۰ مهر ۱۳۲۴	عبدالحسین سرداری
۱۳۳۰	۱۳۲۷	مصطفی سمیعی
۱۳۳۲	۱۳۳۱	شمس الدین امیرعلایی
۱۳۳۶	۱۳۳۲	جلال الدین تهرانی (ارتقاء سطح روابط به سفارت ازتیر ۱۳۳۵)
۱۳۳۹	۱۳۳۶	حسین زمان زاده شهریار
۱۳۴۳	۱۳۳۹	خسرو هدایت
۱۳۴۶	۱۳۴۳	فریدون دیا
۱۳۵۰	۱۳۴۶	سیدمهدی پیراسته
۱۳۵۳	۱۳۵۰	محمدعلی مسعود انصاری ازدی
۱۳۵۷ آذر	۱۳۵۳	عزت الله عاملی
۱۳۵۷ بهمن	آذر ۱۳۵۷	مرتضی قدیمی نوایی

بلژیکیها در اصلاح سیستم گمرک مالیات و پست ایران نیز نقش مهمی ایفا نموده‌اند. بدین ترتیب که پس از مرگ ناصرالدین شاه و روی کار آمدن مظفرالدین شاه اوضاع مالی کشور نیز پا به پای سایر مسایل حکومتی با بن بست مواجه شده بود. تا این تاریخ حکومت ایران با اجازه دادن گمرکات به افراد با نفوذ هزینه‌های سرسام آور دربار و مسافرت‌های داخلی و خارجی شاه را تامین می‌نمود. لذا دولت ایران با توجه به فقدان مقاصد سیاسی بلژیک، در جریان سفر ناصرالملک وزیر امور خارجه وقت به بلژیک در ۱۲۷۶ هجری شمسی (۱۸۹۷ م) وی که به عنوان یکی از رجال سیاسی اصلاح طلب دوره قاجار شهرت دارد، خواستار مساعدت کارشناسان بلژیکی در اصلاح گمرکات ایران شد. قرارداد مربوطه در سال ۱۸۹۸ به امضاء رسیده و ۳ نفر از کارشناسان گمرکات بلژیکی به سرپرستی ژوزف نوز معاون گمرک بروکسل در تاریخ ۱۵ مارس ۱۸۹۸ وارد تهران شدند. این گروه کارشناس تا سال ۱۹۰۷ نیز در تهران بوده و امضای نوز تا این تاریخ در زیر قرارنامه‌های گمرکی ایران با کشورهای خارجی نیز وجود دارد. با آغاز به کار کارشناسان بلژیکی سیستم اجاره گمرکات ملغی و سیستم ثبت آمارهای تجاری و اداره دولتی گمرکات به اجرا گذاشته شد. بلژیکیها گمرکات داخلی و راه‌داریها را نیز که به نفع تجار و بازرگانان نبود ملغی نمودند.

تا ورود بلژیکیها به ایران سیستم پست کشور نیز به صورت محدود یعنی رساندن نامه‌های دولتی آن هم به صورت استیجاری بوده است لکن بلژیکیها سیستم مذکور را نیز تغییر دادند.

بلژیکیها در زمینه سیاستهای مالی دولت نیز طرح برقراری عوارض مستغلات شهری، عوارض پروانه تجارت و حرفه‌ها و اصناف، مالیات برترياک، مالیات بر مستمری‌ها و مواجب دولتی، تاسیس خزانه‌داری مرکزی و همچنین ایالات نیز ابتکارات و طرحهایی را ارائه داده بودند. بدنبال عزل نوز بلژیکی‌های دیگر تا سال ۱۹۱۴ در امور گمرکی و مالی کشور حضور داشتند لکن با آغاز جنگ اول جهانی بلژیکیها که از ناتوانی دولت ایران در مقابل روس و انگلیس قادر به ادامه کار نبودند ایران را ترک نمودند.

روابط سیاسی ایران و بلژیک در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی (۱۹۴۰ م) به علت وقوع جنگ دو جهانی و اشغال بلژیک قطع شده پس از خاتمه جنگ مجدداً از سال ۱۳۲۴ هجری شمسی (۱۹۴۵ م) روابط عادی خود را از سر گرفتند و در سال ۱۳۳۵ نمایندگان سیاسی به درجه سفارت کبری ارتقاء یافتند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روابط دیپلماتیک بین دو کشور در سطح سفارت برقرار بوده است. در جریان اشغال لانه جاسوسی (سفارت آمریکا در تهران) بلژیک نیز به عنوان یک اقدام جمعی در چارچوب سیاست اتحادیه اروپا در تحریم اقتصادی ایران شرکت نمود. ولی به علت مشکلات مالی و اقتصادی از تصمیمات اتخاذ شده بطور کامل پیروی ننمود و پس از آزادی گروگانها برنامه تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را لغو و آمادگی خود را برای از توسعه روابط اقتصادی اعلام کرد. به همین منظور وزیر مشاور در تجارت خارجی دولت بلژیک جهت گسترش روابط اقتصادی در اسفند ۱۳۶۱ به ایران وارد شد. در این سفر منجر به امضای یک یادداشت تفاهم بین دو کشور گردید. وزیر مذکور در شهریور ۱۳۶۳ نیز برای دومین بار جهت شرکت در نمایشگاه بین‌المللی تهران به ایران آمد. علیرغم ابراز تمایلاتی که دو کشور جهت بسط روابط دو جانبه نمودند ولی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی یک حالت عادی متمایل به رکود و سردی حداقل در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و دیپلماتیک سایه افکنده است. تاسیس مرکز فرهنگی یا بخش فرهنگی سفارت ایران در بروکسل در بهمن ماه ۱۳۶۴ و مخالفت مقامات دولتی و منطقه‌ای با آن که سرانجام به بسته شدن آن مرکز و اخراج وابسته فرهنگی منجر شد نیز موید این مطلب می‌باشد. این حادثه بنوبه خود منجر به یکسری تبلیغات سوء در رسانه‌های گروهی و همچنین ایجاد سردی روابط دیپلماتیک و (اخراج نفر دوم سفارت بلژیک در تهران) و بالنتیجه عدم تحرک سیاسی و دیپلماتیک دو جانبه گردید.

اسامی و مدت اشتغال مسئولین سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از پیروزی

انقلاب شکوهمند اسلامی

۱۳۵۸	بهمن ۱۳۵۷	اردشیر لطفعلیان (کاردار موقت)
۱۳۶۱	۱۳۵۸	محمد حسن مهذب (کاردار موقت)
۱۳۶۴	۱۳۶۱	محمد هویدا
۱۳۶۷	۱۳۶۴	علیرضا سالاری
۱۳۶۷	خرداد ۱۳۶۷	ابوالقاسم اردکانی (کاردار موقت)
۱۳۶۸	اسفند ۱۳۶۷	حسن تاجیک (کاردار موقت)
۱۳۷۳	تیر ۱۳۶۸	محمد رضا بختیاری
تابحال	اسفند ۱۳۷۳	حمید ابوطالبی

سفر معاون طرح و برنامه مجلس وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به بلژیک در فروردین ۱۳۶۶ و متعاقب آن دو بار سفر پی در پی معاون بین‌الملل و اقتصادی وزارت امور خارجه که هر بار به فاصله چهارماه انجام گرفت نیز تحول چندانی در روابط دو کشور ایجاد نکرد. از جمله موارد اختلاف نظر دو کشور در صحنه جهانی در دوران پس از انقلاب اسلامی می‌توان به مسئله مشارکت بلژیک در صدور قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران در زمینه نقض حقوق بشر و همچنین استفاده از نوجوانان در صفوف نبرد دوران جنگ تحمیلی را نام برد. بلژیک که خود جزو بانیان سنتی قطعنامه‌های صادره علیه جمهوری اسلامی ایران در مورد وضعیت حقوق بشر محسوب می‌گردد در جریان اجلاس پاییز ۱۳۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل نیز به قطعنامه صادره بر علیه جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت داد. بلژیک همچنین در رابطه با طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اخراج اسرائیل از سازمان ملل متحد در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در کنار سایر کشورهای اروپای غربی رای منفی داد. بطور کلی می‌توان گفت که بجز در مواردی مثل اشغال افغانستان از سوی سربازان

شوروی سابق و همچنین بحران ناشی از اشغال کویت از سوی عراق دو کشور در هیچ مسئله و یا بحران جهانی دیگری موضع‌گیری مشترک و هماهنگ نداشته‌اند.

در رابطه با قضیه سلمان رشدی و کتاب آیات شیطانی نیز از زمان صدور فتوی در ۱۳۶۷ بلژیک ضمن این که تلاش می‌نمود علیرغم تبلیغات منفی شدید رسانه‌های گروهی و اظهارات برخی از مسئولین مشکل خاصی بین دو کشور بوجود نیاید اما این کشور در راستای موضع سایر اعضای اتحادیه اروپا با صدور فتوی مخالفت می‌نمود. در این رابطه ژان لوک دو هان نخست وزیر بلژیک به همراه وزرای امور خارجه آلمان یونان و فرانسه یعنی تروئیکای وقت اتحادیه اروپا در تاریخ ۷ آذر ۱۳۷۳ با سلمان رشدی ملاقات نمودند.

بدنبال مذاکرات مثبت وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و بلژیک در مهر ماه ۱۳۶۹ و در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک آقای مارک اسکنس وزیر خارجه وقت بلژیک در مرداد ۱۳۷۰ طی یک سفر ۴ روزه به تهران با مقامات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ملاقات و مذاکره نمود. در شهریور ۱۳۷۰ نیز وزیر تجارت خارجی بلژیک جهت شرکت در نمایشگاه بین‌المللی وارد تهران شد. متقابلاً در اردیبهشت ۱۳۷۱ وزیر صنایع جمهوری اسلامی ایران جهت برگزاری اولین اجلاس کمیسیون مشترک دو کشور راهی بروکسل گردید.

در سال ۱۳۷۱ وزرای بهداشت درمان و آموزش و معادن و فلزات جمهوری اسلامی ایران نیز از بلژیک دیدار نمودند.

مواضع احزاب بلژیک در قبال جمهوری اسلامی ایران

بطور کلی می‌توان گفت که سوسیال مسیحیان و سوسیالیستهای بلژیک با سیاستهای جمهوری اسلامی ایران مخالفند اما این مخالفت از شدت کمتری نسبت به لیبرالها برخوردار است. مقامات این احزاب در رابطه با موضوع جنگ تحمیلی علیه ایران اظهار بیطرفی می‌کردند و حتی در پاره‌ای از موارد عراق را مقصر و آغازگر جنگ عنوان می‌داشتند. اما در عین حال از

جمهوری اسلامی ایران نیز انتظار پذیرش هرچه سریعتر آتش بس را به صراحت عنوان می‌ساختند. شخصیت‌های این احزاب در چارچوب دولت بلژیک نسبت به مواردی از جمله قضیه سلمان رشدی و وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران حساسیت نشان داده‌اند. در بین شخصیت‌های و حزب سوسیالیست می‌توان از شارل پیکه نام برد که از سوسیالیست‌های نژادپرست بوده و به عنون شهردار سابق محله سن ژیل بروکسل و رئیس دولت منطقه بروکسل نیز خدمت کرده است. وی که اقامت مهاجرین و بویژه مهاجرین مسلمان را در محله مذکور ممنوع نمود سیاست خصمانه‌ای در رابطه با جلوگیری از فعالیت خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در محله مذکور در سال ۱۹۸۶ ابراز نمود.

لیبرالها اصولاً با نظام‌های مذهبی مخالف هستند و در همین راستا مواضع خصمانه بیشتری نسبت به جمهوری اسلامی ایران دارند. این مواضع بویژه در حزب لیبرال فرانسه زبان که ریاست آن با ژان گل، صهیونیست مشهور بلژیکی است، بیشتر قابل تشخیص است. بر همین لیبرالها اصولاً حمایت بیشتری از فعالیتهای منافقین به عمل آورده‌اند و حساسیت بیشتری از خود نسبت به وضعیت حقوق بشر و بهائیان در ایران نشان داده‌اند.

بطورکلی در سالهای اخیر ۲ مسئله اساسی و جنجال برانگیز در زمینه مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در بلژیک مطرح شده است. در ژوئیه ۱۹۸۹ با توجه به تبلیغات غرب علیه جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر و مقابله آنها با حکم اعدام سلمان رشدی، ۱۶۶ نفر از اعضای پارلمان، روسای دانشگاهها و شخصیت‌های علمی حزبی و صنفی بلژیک اعلامیه‌ای مبنی بر محکومیت کشتار ۹۰ هزار زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و محکومیت فتوای مرگ سلمان رشدی و همچنین نقض حقوق بشر در ایران را امضاء کردند و در همان اعلامیه از جبهه مقاومت ایران (منافقین) حمایت نمودند. در بین امضاء کنندگان این اعلامیه می‌توان از روسای گروه احزاب سبزها (اکولو و آگالف) در پارلمان، روسای گروه‌های حزب سوسیال مسیحی فرانسه زبان و گروه حزب سوسیالیست فرانسه زبان در مجلس نمایندگان، رئیس گروه حزب لیبرال فلامان زبان در مجلس سنا و نمایندگانی از احزاب ملت

متحد، لیبرال فرانسه زبان، سوسیالیست فرانسه زبان و جبهه دموکراتیک فرانسه زبان (F.D.F) در پارلمان را نام برد.

مورد جنجال برانگیز دوم در صحنه روابط جمهوری اسلامی ایران و بلژیک در آوریل ۱۹۸۹ و متعاقب پیشنهاد فیلیپ دو ویتراز حزب فلامزبلوک در خصوص لغو شناسایی اسلام به عنوان دین رسمی بلژیک تحقق یافت که البته پیشنهاد مذکور مورد پیگیری قرار نگرفت و به نتیجه‌ای نرسید.

موضع گیری در قبال جنگ تحمیلی

موضع رسمی و مستقل بلژیک در قبال جنگ تحمیلی اعلام بیطرفی بوده است. این کشور سعی نموده با پیروی از یک سیاست کاملاً محافظه کارانه بر خلاف کشورهایمانند آلمان یا ایتالیا از هر نوع اشاره‌ای که منجر به رنجش رژیم عراق یا کشورهای عرب و غیر عرب حامی صدام شود، خودداری کند. در رابطه با بکارگیری سلاحهای شیمیایی توسط رژیم عراق علیه رزمندگان مسلمان ایران علیرغم کوششهایی که از طرف مسئولین جمهوری اسلامی ایران جهت متقاعد ساختن این کشور در محکوم ساختن رژیم متجاوز عراق به عمل آمد ولی مقامات بلژیکی حاضر به محکوم کردن رژیم عراق نشدند و این در حالی است که این کشور خود در جنگ جهانی اول قربانی این نوع سلاحها بوده و افکار عمومی بلژیک آمادگی پذیرش موضع مناسبی از سوی دولتشان را داشته و همچنین یکی از پزشکان معتبر و معروف بلژیکی بنام پروفیسور هیندوکس که رئیس موسسه سم شناسی دانشگاه گان می‌باشد در آزمایشی که از مجروحان ایرانی در وین به عمل آورد به کارگیری اینگونه سلاحها را تایید کرده بود.

البته در اواخر سال ۱۳۶۴ پس از عملیات موفقیت‌آمیز والفجر هشت و فاو و اعلام بکارگیری سلاحهای شیمیایی از طرف عراقیها توسط هیئت ویژه بازرسی سازمان ملل بلژیک نیز در چارچوب اتحادیه اروپا و به همراه دیگر اعضای این اتحادیه و بنام سازمان مذکور اقدام به محکوم ساختن عراق نمود. بطور کلی می‌توان گفت که موضع‌گیریهای بلژیک در قبال جنگ در

چارچوب سیاست خارجی اتحادیه اروپا و به همراه سایر اعضای این جامعه شکل می‌گرفت. موضوع دیگر در ارتباط با جنگ تحمیلی مشارکت در حضور نظامی آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپای غربی شامل کشورهای بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، ایتالیا، انگلیس، فرانسه و آلمان در خلیج فارس به منظور اعمال فشار سیاسی و نظامی بر جمهوری اسلامی ایران بود. بلژیک در اجلاس چهارم و پنجم آبان ماه ۱۳۶۶ اتحادیه فوق‌الذکر که در لاهه برگزار می‌شد تحولات خلیج فارس و امکان اعزام مین روب به منطقه خلیج فارس را مورد بحث قرار داد و علی‌رغم این که این کشور در ابتدا جهت حضور در منطقه ظاهراً تمایلی نشان نمی‌داد ولی بعداً با ترغیب سایر اعضا و احیاناً فشار آمریکا موافقت نمود تا به اتفاق هلند یک نیروی مشترک مین جمع‌کن به آبهای خلیج فارس اعزام دارد. قابل ذکر است که بلژیک آخرین کشور عضو اتحادیه اروپای غربی بود که با اعزام کشتی جنگی و مین جمع‌کن موافقت نمود. نظر وزیر امور خارجه این کشور از ابتدا، لزوم تشکیل یک نیروی بین‌المللی دریایی تحت نظارت سازمان ملل بوده است. با شکست این طرح بود که در اجلاس فوق‌الذکر بلژیک به بهانه‌هایی چون احترام به اصل آزادی کشتیرانی، دفاع از منافع حیاتی ملی یعنی تامین ۱۷٪ نفت وارداتی بلژیک از خلیج فارس و بالاخره همبستگی با شرکای اروپایی‌اش در اتحادیه اروپای غربی موافقت نمود دو فروند مین جمع‌کن و یک فروند کشتی پشتیبانی باتفاق دو مین جمع‌کن هلندی در چارچوب یک ناوگان مشترک بلژیکی - هلندی و تحت فرماندهی یک افسر بلژیکی در ماه آبان ۱۳۶۶ به خلیج فارس اعزام کند.

در پارلمان بلژیک سوسیالیستهای فرانسه زبان‌رأی ممتنع و سوسیالیستهای فلامان زبان به این تصمیم رأی مخالف دادند و چند حزب کوچک یعنی احزاب کمونیست و ناسیونالیست که فاقد قدرت سیاسی بودند نیز با این طرح مخالفت نمودند. تظاهراتی نیز بر علیه اعزام کشتیها بر پا نمودند.

واحدهای مین روب نیروی دریایی بلژیک مرکب از سه فروند کشتی مین روب و ۲۷۵ خدمه بیش از یک سال پس از آن که وارد آبهای خلیج فارس شده بودند در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۶۷

یعنی ۵ ماه پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران منطقه راترک نمود. بلژیک از ابتدا مراتب حمایت خود را از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد جهت خاتمه جنگ تحمیلی و از جمله قطعنامه معروف ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرده بود.

روابط اقتصادی

در زمینه مبادلات بازرگانی بلژیک هرگز در میان کشورهای اروپایی شریک تجاری مهمی برای ایران نبوده است. صادرات عمده ایران به بلژیک در سالهای قبل از انقلاب اسلامی نفت و فرش و واردات عمده‌اش را مواد غذایی مواد شیمیایی پوشاک و ماشین‌آلات و محصولات فلزی تشکیل می‌داده است. در این سالها بلژیک در میان طرفهای تجاری عمده ایران با تامین حدود ۲/۵٪ از نیازهای وارداتی کشور در رتبه هشتم تا دهم قرار گرفته است. اوج واردات ایران از بلژیک مربوط به سال ۱۳۵۶ می‌باشد. در زمینه صادرات غیرنفتی نیز این کشور با جذب ۰/۷٪ از کالاهای صادراتی کشور، در جایگاه بیست و سوم تا سی‌ام قرار گرفته است. در این دوران بیش از ۹۰٪ صادرات ایران به بلژیک را نفت تشکیل می‌دهد. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی نیز طی ده سال ۱۳۶۰ تا پایان ۱۳۶۹ میانگین واردات جمهوری اسلامی ایران از بلژیک حدود ۴۰۰ میلیون دلار و میانگین صادرات به بلژیک کمی بیش از این مقدار بوده است. طی این دوره حدود ۹۶٪ از صادرات جمهوری اسلامی ایران به بلژیک را مواد نفتی تشکیل داده است. با احتساب نفت صادراتی حجم مبادلات بازرگانی دو کشور طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و با تغییر موازنه تجاری به نفع جمهوری اسلامی ایران همراه بوده است. برای مثال در سال ۱۹۹۰ موازنه تجاری دو کشور ۶۴۹ میلیون دلار به نفع جمهوری اسلامی ایران بوده است.

اساساً بلژیک دومین خریدار عمده نفت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. این کشور سابق نفت را به صورت تک محموله‌ای برداشت می‌نمود ولی در سال ۱۳۷۰ بدنبال توافق دو طرف یک قرارداد بلند مدت جهت صدور ۷۰ الی ۱۰۰ هزار بشکه نفت در روز

بین طرفین امضاء شد. این قرارداد از اول اکتبر ۱۹۹۱ با اجرا درآمد.

اقلام عمده وارداتی جمهوری اسلامی ایران از بلژیک شامل انواع کودها، ماشین الات و دستگاههای ثابت یا متحرک، قندو شکر، اجزا و قطعات مجزا و لوازم و سائط نقلیه و دستگاههای بافندگی و کشفافی تشکیل می‌داده است. اقلام عمده صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران به بلژیک نیز شامل مس خام برای تصفیه، سنگ فلزات غنی شده، قالی و قالیچه و خاویار بوده است، واردات نفت خام بلژیک از جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ معادل ۵۵۰ میلیون دلار بوده است. سهم جمهوری اسلامی ایران از کل صادرات بلژیک ۸۲٪ درصد بوده است. بلژیک در سال ۱۳۷۲ با ۵۳۹ میلیون دلار صادرات به جمهوری اسلامی ایران ۲۷٪ از نیازهای وارداتی جمهوری اسلامی ایران را تامین نموده و همین سال با خرید ۲۴/۶ میلیون دلار صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران ۰/۶٪ از کل صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران را خریداری نموده است.

ناگفته نماند اطاق بازرگانی و صنایع ایران و بلژیک در ۲۱ مرداد ۱۳۵۶ ضمن اعلام موجودیت، در راه گسترش روابط اقتصادی و تجاری دو کشور فعالیت می‌کند. اولین کمیسیون مشترک اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و بلژیک در دوران پس از انقلاب شکوهمند اسلامی نیز در ۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ و به ریاست وزیر صنایع کشورمان بعنوان مسئول هیئت جمهوری اسلامی ایران در بروکسل تشکیل گردید. در این اجلاس راههای توسعه روابط اقتصادی و فنی دو کشور مورد تاکید طرفین قرار گرفت.

موارد اتفاق و اختلاف در صحنه بین‌المللی

در موضع‌گیریهای این کشور در رابطه با کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی کوچکترین اشاره‌ای به محکومیت عراق نشده است و بلژیک در این رابطه باتفاق متحدین اروپایی خود ضمن محکوم کردن استفاده از سلاحهای شیمیایی از کشور استفاده کننده سلاحها ذکری به میان نیاورد. بلژیک همانطور که در فوق اشاره شد از موجودیت رژیم صهیونیستی دفاع

نموده و در مجامع بین‌المللی همیشه در این راستا حرکت کرده است. در رای‌گیریهای کمیسیون حقوق بشر و حمایت از فرقه بهایی شرکت داشته است و همچنین در قطعنامه‌های پارلمان اروپایی در این رابطه بر علیه جمهوری اسلامی ایران رأی داده است.

بلژیک درسی و هفتمین اجلاس کنفرانس سازمان بهداشت جهانی از نظرات هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران جانبداری نموده و سفیر این کشور نیز در کمیسیون خلع سلاح ژنو نسبت به مسائل مطروحه از طرف جمهوری اسلامی ایران نظر مثبت داده است.

معاهدات و قراردادهای یادداشت‌های تفاهم

از معاهدات و قراردادهای دو جانبه ما و بلژیک باید موارد زیر را برشمرد:

- ۱- قرارداد اقامت منعقد در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸ (۹ مه ۱۹۲۹) در تهران دارای ۱۳ ماده بوده و به موجب آن اتباع هریک از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاقد دیگر برطبق حقوق بین‌المللی پذیرفته شده و همچنین امور مربوط به حمایت قانونی و قضایی خود در اموالشان از همان رفتاری که نسبت به اتباع داخله مبذول می‌گردد بهره‌مند خواهند شد و در امور مربوط به احوال شخصیه محاکم هریک از طرفین متعاهدین نسبت به اتباع طرف متعاقد دیگر قانون مملکت متبوعه آنها را اعمال خواهند نمود. مدت اعتبار این قرارداد ۵ سال می‌باشد و در صورتی که ۶ ماه قبل از انقضای آن فسخ نشود بطور ضمنی ادامه یافته و اعتبار آن ۶ ماه بعد از آنکه یکی از طرفین متعاهدین فسخ قرارداد را بطرف متعاقد دیگر اعلام نمود زائل می‌شود.
- ۲- عهدنامه مودت شامل ۶ ماده و یک پروتکل اختتامیه است و در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۰۸ (۲۳ مه ۱۹۲۹) در تهران توسط وزیر خارجه وقت ایران و وزیر مختار بلژیک در ایران به امضاء رسیده است.

- ۳- موافقتنامه ایران و کشورهای بنلوکس راجع به لغو روادید در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۴۳ در ۱۰ ماده منعقد شده بود و به موجب آن اتباع ایران می‌توانستند با در دست داشتن گذرنامه معتبر به منظور اقامت حداکثر ۳ ماه بدون روادید وارد کشورهای بنلوکس شوند و این ترتیب برای

اتباع کشورهای بنلوکس بهنگام مسافرت به ایران نیز اجراء می شده است. این موافقتنامه از تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۵ برای مدت یکسال اعتبار داشته ولی در صورتی که ۳۰ روز قبل از خاتمه این مدت لغو نگردد اعتبار آن برای مدت نامحدودی تمدید شده تلقی خواهد شد. بعد از اولین دوره یکساله هریک از دولتهای امضاء کننده می توانستند از طریق اعلام قبلی سی روزه موافقتنامه را فسخ نمایند.

این قرارداد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران لغو شده است و معتبر نیست و اتباع کشور برای مسافرت به کشورهای عضو بنلوکس باید نسبت به اخذ روادید اقدام نمایند.

۴- ترتیبات در مورد شناسایی متقابل گواهینامه های رانندگی ملی دو کشور در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۶۶ برابر ۴ فوریه ۱۹۸۸ بین دو کشور به امضاء رسیده است.

روابط فرهنگی

۱- تاریخچه روابط فرهنگی

روابط فرهنگی بین ایران و بلژیک از سال ۱۳۳۹ با دیدار سران وقت دو کشور و تنظیم موافقتنامه فرهنگی مشتمل بر ۱۲ ماده شروع شد. لذا مبادله استاد و دانشجو و اعطای بورسهای تحصیلی به اتباع یکدیگر از آن تاریخ انجام گرفت.

در سال ۱۳۴۸ برنامه مبادلات فرهنگی بین دو کشور دنبال گردید و تعدادی بورس تحصیلی از دانشگاه شیراز در رشته های باستانشناسی، تاریخ و هنر، ادبیات و تمدن ایران به دانشجویان بلژیکی واگذار شد. متعاقباً نمایشگاه آثار نقاشان و هنرمندان دو کشور تشکیل و در زمینه فعالیتهای سینمایی، موسیقی، تاتر و ورزش نیز همکاری آغاز نمودند. همچنین انستیتوها و انجمنهای فرهنگی بسیاری در دو کشور به فعالیت پرداختند.

در خصوص فعالیتهای فرهنگی که در بلژیک در رابطه با ایران انجام گرفته می توان از نگارش و ترجمه ۱۲ کتاب در مورد ایران نام برد. انستیتو و انجمنهای فرهنگی به شرح زیر در سالهای گذشته در بلژیک دایر بوده است:

- ۱- انجمن دوستی ایران و بلژیک از سال ۱۹۵۸ در بروکسل
- ۲- انستیتوی خاورشناسی بلژیک از سال ۱۹۳۶ در لوون
- ۳- انستیتوی عالی تاریخ و ادبیات شرق وابسته به دانشگاه لیژ
- ۴- انستیتوی زبان شناسی و تاریخ شرق و اسلام وابسته به دانشکده فلسفه و ادبیات در

بروکسل

- ۵- کانون مطالعات مسایل به دنیای اسلام از سال ۱۹۵۷ در بروکسل
 - ۶- دایره زبانهای شرقی و باستانشناسی شرق از سال ۱۹۲۲ در بروکسل
 - ۷- انستیتوی بین‌المللی تمدنهای مختلف در بروکسل
 - ۸- انستیتوی سلطنتی روابط بین‌المللی از سال ۱۹۴۷ در بروکسل
- قابل ذکر است که بجز مورد اول یعنی انجمن دوستی ایران و بلژیک که فعال دیگر وجود ندارد سایر مراکز علمی همچنان مشغول فعالیت هستند و در خصوص تمدن و تاریخ شرق و اسلام و به خصوص در مورد ایران به تحقیقات خود ادامه می‌دهند. قبلاً زبان فارسی در پاره‌ای از دانشگاههای بلژیک تدریس می‌شد ولی اکنون کرسی زبان فارسی تعطیل شده است.

۲- فعالیتهای فرهنگی جاری

روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بلژیک پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بویژه پس از اینکه اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای افتتاح یک مرکز فرهنگی ناکام ماند به حالت رکود افتاد. در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۶۵ متعاقب تظاهرات ضد امریکایی مسلمانان بلژیک عکس‌العمل شدید دولت و رسانه‌های گروهی بلژیک سرانجام به اخراج وابسته فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران و یکی از کارمندان محلی سفارت منجر شد.

۳- زمینه‌های فعالیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به حضور اقلیت قابل توجهی از مسلمانان شمال آفریقا، ترکیه و آسیایی

در بلژیک، زمینه خوبی برای تبلیغات فرهنگی وجود دارد که متأسفانه بعلت تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در این زمینه فعالیت چندانی نمی‌توان داشت و انجام تبلیغات نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده می‌باشد. با توجه به سابقه تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های بلژیک می‌توان نسبت به توفیق یک طرح حساب شده بدون این که ایجاد حساسیت افکار عمومی و مسئولین بلژیکی شود امیدوار بود.

۴ - حضور ایرانیان

تعداد اتباع ایران در بلژیک که با مجوز قانونی در این کشور زندگی می‌کنند در حال حاضر بین یک هزار تا یک هزار و هفتصد نفر برآورد می‌شود. تعداد دانشجویان ایرانی حدود ۶۰۰ نفر شامل ۲۶۰ دختر و ۳۴۰ پسر است که از این عده ۲۸۳ نفر در دانشگاه‌های و مدارس عالی ثبت نام کرده‌اند و در رشته‌های پزشکی، مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی، کشاورزی و غیره درس می‌خوانند. در سالهای اخیر تعداد دانشجویانی که وفق به اخذ پذیرش شده‌اند تقریباً ۱۲۰ نفر بوده‌اند. ضمناً از این ۶۰۰ دانشجویی که ذکر شد ۱۳۰ نفر از آنها از زمره دانشجویان دارای سهمیه ارزی می‌باشند و ۳ نفر نیز از امکانات بورس دولتی برخوردارند.

فهرست منابع

- «راهنمای سفرهای تجاری به بلژیک» فصلنامه اتاق بازرگانی و صنایع ایران و بلژیک.
- «وضعیت اقتصادی و نفتی بلژیک» ماهنامه نفت و اقتصاد، کارامور بین‌الملل وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۵۰ مورخ مرداد ۱۳۷۲ صص ۹۹ الی ۱۱۰.
- غلامی نهوجی، مراد علی «نگرشی بر مناسبات دو جانبه ایران و بلژیک قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی» رساله ارتقاء مقام، بروکسل آذر ماه ۱۳۶۹.
- ابراهیم پور، غلامرضا «جایگاه احزاب بلژیک در سیستم حکومتی این کشور».
- «کتاب سبز کشور پادشاهی بلژیک» وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰.
- امیدبخش، اسفندیار «بلژیک» موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، از سری انتشارات نظری اجمالی به کشورها، شماره ۳۰، تهران، خرداد ۱۳۷۲.
- دورانت، ویل «تاریخ تمدن» جلد ۱۱ صص ۴۰.
- «راهنما و مشخصات معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول» دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۶۷، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.
- لودر، دورتی «سرزمین و مردم بلژیک» ترجمه هادی صادقی.
- هفته نامه لوویف بلژیک مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۲.
- روزنامه لوسوار بلژیک ۲۱ بهمن ۱۳۷۳.

- Belgium, S Economy; Facts and Figures; 1988-89; Ministry of Economic Affairs

Study Department.

- "Belgium; A Test Case for Europe" Arab Business Report; February / March 1995; pp 12-15.

- Memo Larousse; Clit. 2; Librairie Larousse 1990; Aydin kitaplar, Turkey, Istanbul 1991; pp 416-17.

- Grand Dictionnaire Encyclopedique, Larousse-Librairie Larousse 1989; Buyuk Larousse; Turkey, Istanbul, Interpress Basin Ve Yayıncılık A.S; pp 19467-80.

- News Week August 23, 1993; pp 22-4.

- World Directory of Minorities; by Minority Rights Group; Longman. U.K; 1990; pp 70-74.

- Jacobs, Francis; Western European Political Parties; Longman, U.K; 1989; pp. 2-28.

- Hunter, Brian; the States man,s Year Book; Macmillan Press Ltd; 1993; pp 195-203.

- The Europa World Year Book 1994, Vol.I; pp 499-522.

- The Military Balance 1994-95; Brassey, S; The Inter National Institute for Strategic Studies; London; October 1994; pp 40-42.

- The World Almanac 1991; p 690.

- The World Fact Book 1992; Central Intelligence Agency; Washington. Dec; pp 34-35.